

مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره

دکتر سید احمد احمدی



مبانی و اصول
راهنمایی و مشاوره

دکتر سیداحمد احمدی

تهران
۱۳۸۷



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

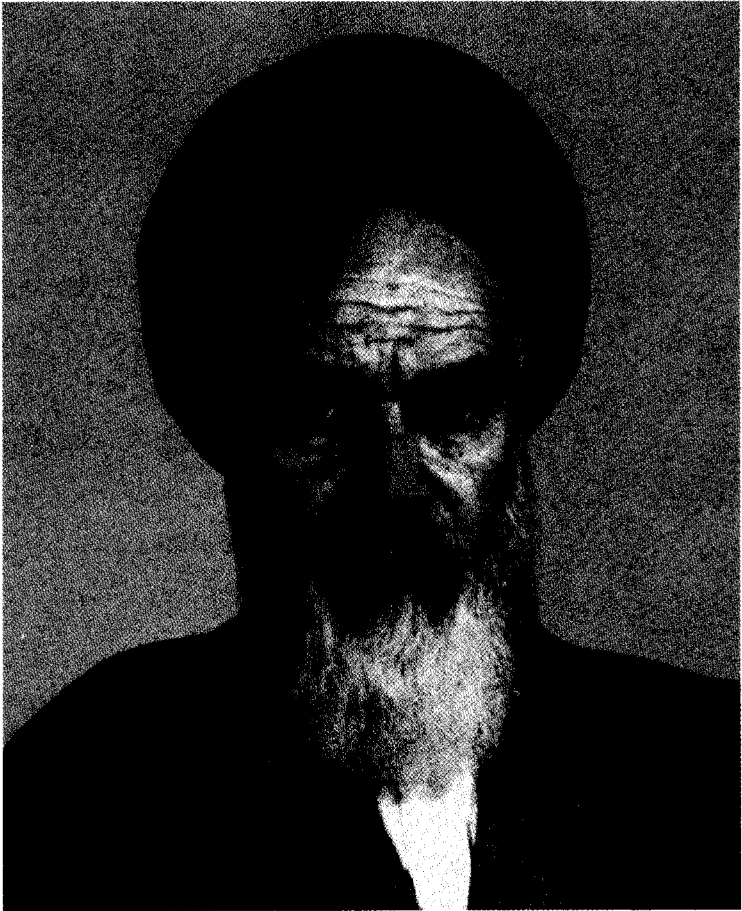
احمدی، احمد
مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره / احمد احمدی. — تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعهٔ علوم انسانی، ۱۳۸۰.
شش، ۱۰۲ ص. — («سمت»؛ ۵۳۸: علوم تربیتی؛ ۴۴)
بها: ۱۰۵۰۰ ریال. ISBN 978-964-459-562-2
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
پشت جلد به انگلیسی: Ahmad Ahmady. Foundation & Principles of Guidance & Counselling.
کتابنامه: ص. ۱۰۰-۱۰۲.
چاپ اول: زمستان ۱۳۸۰، چاپ ششم: زمستان ۱۳۸۷
۱. مشاوره ۲. راهنمایی آموزشی الف. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعهٔ علوم انسانی. ب. عنوان.
۳الف ۵م/BF ۶۳۷ ۱۵۸/۳
کتابخانه ملی ایران ۸۰-۱۹۷۷۲م



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
مرکز تحقیق و توسعهٔ علوم انسانی

مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره
دکتر سید احمد احمدی
چاپ اول: زمستان ۱۳۸۰
چاپ ششم: زمستان ۱۳۸۷
تعداد: ۲۵۰۰
حروفچینی و لیتوگرافی: سمت
چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
قیمت ۱۰۵۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشندگان و عوامل توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.
نشانی ساختمان مرکزی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)، روبه‌روی پمپ گاز، کد پستی ۱۴۶۳۶، تلفن ۲-۴۴۲۴۶۲۵۰.
www.samt.ac.ir info@samt.ac.ir

بسم الله الرحمن الرحیم



دانشگاهها و مدارس باید مراکز تربیت صحیح باشند.

صحیفهٔ نور؛ ج ۱۲، ص ۲۱۷

سخن «سمت»

یکی از اهداف مهم انقلاب فرهنگی، ایجاد دگرگونی اساسی در دروس علوم انسانی دانشگاهها بوده است و این امر، مستلزم بازنگری منابع درسی موجود و تدوین منابع مبنایی و علمی معتبر و مستند با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی در مبانی و مسائل این علوم است.

ستاد انقلاب فرهنگی در این زمینه گامهایی برداشته بود، اما اهمیّت موضوع اقتضا می‌کرد که سازمانی مخصوص این کار تأسیس شود و شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۶۳/۱۲/۷ تأسیس «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها» راکه به اختصار «سمت» نامیده می‌شود، تصویب کرد.

بنابراین، هدف سازمان این است که با استمداد از عنایت خداوند و همّت و همکاری دانشمندان و استادان متعهد و دلسوز، به مطالعات و تحقیقات لازم بپردازد و در هر کدام از رشته‌های علوم انسانی به تألیف و ترجمهٔ منابع درسی اصلی، فرعی و جنبی اقدام کند.

دشواری چنین کاری بر دانشمندان و صاحبنظران پوشیده نیست و به همین جهت مرحلهٔ کمال مطلوب آن، باید بتدریج و پس از انتقادها و یادآوریهای پیاپی ارباب نظر به دست آید و انتظار دارد که این بزرگواران از این همکاری دریغ نورزند.

کتاب حاضر برای دانشجویان رشته علوم تربیتی در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس مبانی راهنمایی و مشاوره به ارزش ۲ واحد تدوین شده است. امید می‌رود علاوه بر جامعهٔ دانشگاهی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحبنظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این سازمان را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعهٔ دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه

مقدمه

انسان تنها موجودی است که با همنوعان خود به تبادل نظر می‌پردازد و برای شناخت و حل مشکلات خود با آنان مشورت و مشاوره و از راهنمایی آنان استفاده می‌کند. راهنمایی، مشورت و مشاوره در طول زندگی آدمیان مطرح بوده و آنان با کسانی که مورد قبول و اعتمادشان بوده است مشورت می‌کرده‌اند. این افراد عملاً مشاورانی بودند که به حرف مردم گوش می‌دادند و تجربه‌های خود را با آنان در میان می‌گذاشتند و راهنماییهایی می‌کردند. هدف ادیان الهی هدایت و راهنمایی مردم بوده و پیامبران، راهنمایانی بودند که مردم را به صراط مستقیم هدایت می‌کردند.

با توسعه علوم انسانی و رشد علوم رفتاری به راهنمایی و مشاوره به عنوان شاخه‌ای مستقل از علوم رفتاری توجه شد. ابتدا از راهنمایی و مشاوره برای کمک به دانش‌آموزان در زمینه رشد، سازگاری و تصمیم‌گیری تحصیلی و شغلی استفاده می‌شد و بیشتر در مراکز آموزشی به کار می‌رفت. سپس بتدریج از آن در مراکز بهداشتی و درمانی برای کمک به رشد، پیشگیری و درمان اختلالهای عاطفی ـ رفتاری بهره گرفتند. امروزه راهنمایی و مشاوره به صورت حرفه‌ای یاورانه برای کمک به افرادی است که در رشد، سازگاری، تصمیم‌گیری، روابط خانوادگی، مهارتهای اجتماعی و شیوه زندگی مشکلاتی دارند و مشاوره به این افراد کمک می‌کند تا راه‌حلی برای این مشکلات بیابند.

مشاوره شامل تمام سطوح مختلف رشد می‌شود و خدمات مشاوره‌ای به نوجوانان، جوانان، خانواده‌ها و افراد جامعه که مشکلات شخصیتی، سطحی عاطفی، رفتاری و ارتباطی دارند کمک می‌کند تا راه‌حلی برای این مشکلات بیابند. خوشبختانه خدمات

مشاوره‌ای مورد استقبال عموم مردم قرار گرفته و مراکز مشاوره‌ای برای ارائه این خدمات تأسیس شده است. دامنه فعالیت این مراکز هر روز گسترده‌تر و تخصصی‌تر می‌شود. در سالهای اخیر کتابهای مفید و سودمندی در زمینه راهنمایی و مشاوره چاپ شده است.این کتاب هم در این راستا با نگاهی دیگر به راهنمایی و مشاوره می‌نگرد و مبانی، اصول و خدمات راهنمایی و مشاوره را معرفی می‌کند.

در این کتاب راهنمایی ومشاوره به صورت جریانی همپوش به کار رفته و از یکدیگر متمایز نشده است. توجه به کتابهایی که اخیراً در زمینه راهنمایی و مشاوره چاپ و منتشر شده است نشان می‌دهد که مشاوره با راهنمایی همپوشی دارد. عنوان کتابهای جدید، مشاوره، مشاوره تحصیلی، مشاوره شغلی و مشاوره توانبخشی است. در این کتابها مشاوره فرایندی معرفی شده است که به فرد در شناخت و حل مشکلات شخصی، خانوادگی، تحصیلی، شغلی و ارتباطی کمک می‌کند. در شناخت و کمک به حل مشکلات، ضمن مشاوره اطلاعاتی هم به فرد داده می‌شود و راهنمایی صورت می‌گیرد. گیبسون و میشل نام کتاب خود را از *اصول راهنمایی* به *آشنایی با مشاوره و راهنمایی* تغییر دادند و در آن راهنمایی را در ضمن مشاوره مطرح کردند. اصولاً برای کمک به مُراجع ابتدا رابطهٔ مشاوره‌ای برقرار و سپس مشکل او شناسایی و آنگاه اطلاعات لازم به او داده می‌شود و برای حل مشکل از رویکردهای مشاوره‌ای استفاده می‌گردد.

فصول اولیه این کتاب به تاریخچه، تعریف، اصول راهنمایی و مشاوره، مشاوره در اسلام و صلاحیت مشاوران می‌پردازد. آنگاه انواع خدمات مشاوره‌ای یعنی راهنمایی و مشاوره فردی، گروهی، خانوادگی، تحصیلی، شغلی و توانبخشی مطرح و سپس راهنمایی و مشاوره در دبستان، دوره راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه ارائه می‌گردد. آخرین فصل کتاب نیز به خدمات راهنمایی و مشاوره‌ای در سایر مؤسسات اشاره می‌کند.

در پایان بر خود لازم می‌دانم که از همه همکاران سازمان «سمت» ـ که در چاپ این کتاب کمک کردند ـ تشکر کنم و از خداوند متعال برای آنان اجر و ثواب مسئلت نمایم.

پیامبر اسلام (ص) فرمودند:

من شاور ذوی الالباب دُلّ علی‌الصواب

هر کس که با خردمندان مشورت کند به راه صواب هدایت شود.

تاریخچه راهنمایی و مشاوره

راهنمایی و مشاوره که تاریخچه‌ای به پهنای زندگی انسان دارد. در ابتدا به صورت تبادل نظر و مشورت با دیگران انجام می‌گرفت. وقتی برای فردی مشکلی پیش می‌آمد به تبادل نظر با دیگران می‌پرداخت. بزرگان قوم و ریش سفیدان طایفه اولین دسته‌ای بودند که طرف مشورت افراد قبیله خود قرار می‌گرفتند. آنان مورد قبول اعضای قبیله بودند و آنچه می‌گفتند دیگران می‌پذیرفتند. ردپای اینگونه راهنمایی و مشاوره هنوز در جامعه ما مشهود است و مردم با بزرگان خانواده خود به مشورت می‌نشینند و از راهنمایی و مشاوره آنان بهره می‌برند.

دومین دسته‌ای که به راهنمایی مردم پرداختند انبیاء و رهبران دینی بودند. اینان برداشتها و اعتقادات مردم را تصحیح می‌کردند، به آنچه معتقد بودند عمل می‌کردند و سرمشق رفتاری برای مردم بودند. هدایت به حق و درستی و جلوگیری از خطا و عمل نادرست سرلوحه کار آنان بود.

فلاسفه سومین دسته‌ای بودند که شناخت آدمیان از خود و جهان اطراف را تسهیل کردند. سقراط روش گفت و شنود را برای کمک به افراد در شناخت خویشتن به کار گرفت. او باطرح سؤال و دریافت پاسخ از شاگرد، او را به اشتباهش متوجه ساخته انگیزه خودشناسی را در وی ایجاد می‌کرد. مبادله گفت و شنود بین سقراط و شاگردش کمک کرد تا او راه‌حلی برای مشکل خود بیابد (صدیق، ۱۳۴۵). افلاطون بیش از سایر فلاسفه به پویاییهای درون انسان توجه کرد. به نظر وی آدمی قابلیت یادآوری

دارد و اگر شرایط لازم ایجاد شود او به کشف مطالب می‌پردازد و راه‌حلی برای مشکل خود می‌یابد.

با پیشرفت علوم و جدا شدن آنها از فلسفه دو رشتهٔ روانشناسی و علم تربیت ظهور کرد. روانشناسی به مطالعه علمی رفتار آدمیان پرداخت و علم تربیت رشد جنبه‌های مختلف شخصیت آدمیان را وجهه همت خود قرار داد. روانشناسی جنبه‌های مختلف رفتار را بررسی کرد و ابزار لازم را برای شناخت، ارزیابی و مداخله در رفتار ارائه داد. علم تربیت به بیان اهداف و تعیین روشها برای شکوفایی تواناییها و رشد شخصیت افراد پرداخت. گسترش روانشناسی و کاربرد آن در تربیت، ابزار کار را برای شناخت استعدادها و تواناییها و روشهای شکوفاکردن آنها فراهم نمود و راهنمایی افراد را برای رشد و شکوفایی توانایی خود مطرح ساخت. در واقع باکاربرد روانشناسی در تربیت، راهنمایی ومشاوره به معنای علمی آن تولد یافت.

بتدریج که علوم پیشرفت کرد و صنایع توسعه یافت دیگر نه افراد می‌توانستند بر همه علوم تسلط یابند و نه صنعت می‌توانست همه را جذب کند. از این رو افراد باید با توجه به استعداد و توان خود به رشته‌ای از رشته‌های علمی هدایت می‌شدند و متناسب با توان و علایق خود در یکی از شاخه‌های صنعت مشغول کار می‌شدند. به همین سبب، تغییر و تحول در علوم و صنعت، راهنمایی تحصیلی و شغلی را ضروری ساخت. خانواده بتدریج از یک واحد مستقل اقتصادی و اجتماعی که بتنهایی به تأمین معاش و شغل فرزندان می‌پرداخت خارج شد. دهقان و کارگر برای فرزندان خود کار دیگری را غیر از کار بازو آرزو می‌کردند. در صنعت و تجارت کسی حاضر نبود ضرری راکه از نیروی غیر کارآمد ناشی می‌شد تحمل کند و سعی می‌کرد تا از منبع انسانی به بهترین وجه استفاده کند. به همین دلیل لازم بود که استعدادها و توانمندیهای افراد مشخص شود و آنان به شغل مناسبی رهنمون شوند و از راهنمایی حرفه‌ای که هدفش انتخاب بهترین کارگر برای شغل معین بود استفاده گردد (گال، ۱۳۴۵، ص ۱۸ـ۲۴).

از نظر تاریخی ابتدا راهنمایی حرفه‌ای و سپس راهنمایی تحصیلی مطرح شده است. در انگلستان راهنمایی تحصیلی در سال ۱۹۴۸ بر اساس سن و استعداد مطرح شد.

فارغ التحصیلان دوره ابتدایی باید آزمون هوش، انگلیسی و حساب را می‌گذراندند و بر اساس نتایج این آزمونها به مدارس مختلف نظری و حرفه‌ای می‌رفتند.

در فرانسه در سال ۱۹۸۳ مراکز راهنمایی حرفه‌ای در تمام استانها تأسیس شد و به هدایت افرادی پرداخت که می‌خواستند در کارگاه یا مؤسسه‌ای کار کنند. اولین قدم را در راهنمایی حرفه‌ای در امریکا جسی دیویس در سال ۱۸۹۸ برداشت. وی درس انشای انگلیسی را مناسب‌ترین موضوع برای راهنمایی حرفه‌ای دانش‌آموزان می‌دانست و هر هفته یک ساعت را به این کار اختصاص می‌داد. درآن موقع هدف راهنمایی حرفه‌ای این بود که دانش‌آموزان ویژگیهای شخصیتی خود را بشناسند و از آن در انتخاب شغل استفاده کنند (آبری، ۱۹۷۷). پارسونز که به پدر راهنمایی حرفه‌ای معروف است در ۱۹۰۸ در بوستون خانه‌ای را برای هدایت جوانانی که کار خود را از دست داده و در انتظار کار مجدد بودند اختصاص داد. با اینکه تلاش وی برای هدایت حرفه‌ای جوانانی بود که بیرون از مدارس بودند، ولی راهنمایی حرفه‌ای بزودی وارد سیستم آموزش عمومی شد و به هدایت دانش‌آموزان به مشاغل مختلف پرداخت. پارسونز سه عامل را در انتخاب عاقلانه مشاغل لازم می‌دانست: ۱) شناخت روشن از خود و از استعدادها، تواناییها و علایق و محدودیتهای مربوط به خود؛ ۲) شناخت شرایط، امکانات، مزایا و محدودیتهای مشاغل و ۳) تحلیل و بررسی و تطابق این دو با یکدیگر برای انتخاب شغل مورد نظر (گیبسون و میشل، ۱۳۷۷).

در شوروی راهنمایی تحصیلی دانش‌آموزان به وسیله معلمان انجام می‌گرفت. معلمان شوروی به تشخیص استعدادهای دانش‌آموزان و راهنمایی آنان به رشته‌های مختلف تحصیلی می‌پرداختند (حسینی، ۱۳۷۰). در امریکا خدمات راهنمایی در همه سطوح از کودکستان تا دانشگاه عرضه می‌شد و شامل خدمات ارزیابی، دادن اطلاعات، توزیع دانش‌آموزان به رشته‌های مختلف تحصیلی و خدمات سازگاری بود. در دهه ۱۹۴۰ با طرح نظریه دستورالعملی و مستقیم از جانب ویلیامسون بر مشاوره بیش از راهنمایی تاکید شد. ویلیامسون برای درک مُراجع ابتدا به جمع‌آوری اطلاعات از منابع

مختلف می‌پرداخت. آنگاه این اطلاعات را جمع‌بندی و تنظیم می‌کرد تا نقاط قوت و ضعف مُراجع روشن شود. سپس مشکل مُراجع را مشخص و راه‌حلهای احتمالی را پیش‌بینی و اجرا می‌کرد تا به حل مشکل مُراجع و سازگاری او بپردازد (شرتزر و استون، ۱۹۸۰). راجرز در سالهای ۱۹۵۰ نظریه غیر دستورالعملی و غیر مستقیم خود را ارائه داد. وی به رابطه بین مشاور و مُراجع اهمیت می‌داد و معتقد بود که مُراجع در درون خود انگیزه و توان کافی را برای شناخت و حل مشکلات دارد و اگر محیطی توأم با گرمی و احترام برای وی فراهم شود و مشاور پذیرای او باشد، مُراجع به خودشکوفایی می‌رسد و از تواناییهای خود بهره می‌گیرد (آبری، ۱۹۷۷).

مشاوره در دهه ۱۹۶۰ بیشتر بر تحقیقات تجربی تأکید و از یافته‌های روانشناسی برای حل مشکلات رفتاری مُراجعان استفاده کرد و به صورت بخشی از روانشناسی کاربردی درآمد. از سال ۱۹۷۰ عقاید عامه نسبت به خدمات مشاوره‌ای مثبت‌تر و ارزش اجتماعی مشاوران بیشتر شد. یک نظرسنجی نشان داد که ۷۵ درصد افراد مورد مطالعه، خدمات مشاوران رابا ارزش می‌دانستند (شرترز و استون، ۱۹۸۰). در دهۀ ۱۹۸۰ انجمن کارکنان راهنمایی به انجمن مشاوره و رشد تغییر نام داد، فعالیتهای مشاوران توسعه و مشاوره گروهی، خانوادگی و توانبخشی رونق بیشتری یافت. بدین ترتیب مشاوره گروهی به تصحیح روابط بین فردی و بارور کردن آن، مشاوره خانوادگی به بررسی آسیبهای خانواده و ارائه راه‌حل برای آنها و مشاوره توانبخشی به سازگاری افراد ناتوان با محیط زندگی و شغلی آنان پرداخت.

امروزه مشاوران با بهره گیری از علوم زیست شناسی،روانشناسی و جامعه‌شناسی انسان را به صورت موجودی زیستی، روانی و اجتماعی می‌نگرند. مشاوره به صورت فرایندی آموزشی، تربیتی و درمانی عمل می‌کند و باتوجه به استعداد افراد به تسهیل رشد آنان کمک می‌کند. مشاوره به حل مشکلات موقعیتی، آموزش حل مسأله و کمک به تصمیم گیری می‌پردازد. مشاوره به خانواده‌ها در بررسی و حل مشکلات اعضای خانواده یاری می‌رساند و با ارائه کمکهای مشورتی، روابط انسانی را در سازمانها بهبود می‌بخشد.

راهنمایی و مشاوره در ایران

فکر راهنمایی و مشاوره در ایران در کنفرانس تعلیمات متوسطه در سال ۱۳۳۷ مطرح و در سال ۱۳۴۴ اداره راهنمایی تحصیلی در اداره کل مطالعات و برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش تشکیل شد.درسال ۱۳۴۷ دفتر برنامه‌ریزی راهنمایی تحصیلی مأموریت یافت تا مقدمات کار و نحوهٔ اجرای برنامه راهنمایی را در مدارس فراهم کند. در اردیبهشت ۱۳۵۰ سمیناری در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران به بررسی برنامه راهنمایی و مشکلات آن پرداخت. توصیه سمینار این بود که برنامه راهنمایی به صورت آزمایشی و محدود در کشور آغاز شود و طرح جامعی برای تربیت متخصصان تدوین و کتابهای مورد نیاز به دست اساتید تألیف و ترجمه شود؛ همچنین وسایل لازم تهیه گردد. در مهر ماه ۱۳۵۰ بدون گذر از مرحله آزمایشی، مدارس راهنمایی تأسیس شد. دوره دبستان به پنج سال تقلیل یافت و سه سال به دوره راهنمایی اختصاص یافت. اهداف دوره راهنمایی عبارت بود از: ۱) پرورش فضایل اخلاقی و معنوی دانش‌آموزان، ۲)کمک به ایجاد و پرورش عادت نظم و ترتیب و تفکر علمی که از دوره پنج ساله ابتدایی آغاز شده بود و ۳) تشخیص استعدادهاو رغبتهای فردی دانش‌آموزان در رشته‌های مختلف نظری، فنی و حرفه‌ای و راهنمایی آنان در مراحل بعدی تحصیل به رشته‌های مختلف بر اساس استعدادها و احتیاجات کشور (صافی، ۱۳۶۸). اجرای سریع برنامه راهنمایی در سال ۱۳۵۰ و گسیل مشاوران به مدارس راهنمایی بدون اینکه مهارت و صلاحیت لازم را داشته باشند باعث شد تا برنامه راهنمایی نتواند به اهداف خود برسد. بررسی موسوی و همکاران (۱۳۵۷) نشان داد که ۲۶ درصد از مدیران مدارس راهنمایی نسبت به کارایی برنامه راهنمایی و مشاوره تردید داشتند. بر اساس بررسی اداره خدمات راهنمایی اصفهان (۱۳۵۶) ۴۰ درصد از معلمان اعتقادی به برنامه راهنمایی و مشاوره نداشتند و ۲۰ درصد از مدیران از حرفه مشاوره اطلاعی نداشتند. همچنین در یک بررسی (موسوی و همکاران، ۱۳۵۷) چنین نتیجه گیری شد که ۵۱ درصد از والدین دانش‌آموزان از خدمات مشاوره‌ای اطلاعی نداشتند و حتی ۵۶ درصد از آنان معنا و مفهوم مشاوره را نمی‌دانستند. تحقیق دیگری نشان داد که ۷۰ درصد از مشاوران اختیار کافی در شغل خود نداشتند و

حتی ۴۰ درصد از آنان از شغل خود راضی نبودند. مشخص نبودن وظایف و انجام دادن کارهای مختلف باعث سردرگمی مشاوران شد. با اینکه دانش‌آموزان مدارس راهنمایی می‌خواستند با فردی در زمینه مشکلات درسی و انتخاب رشته مشورت کنند، ولی عملاً مشاور در دسترس آنان نبود و هر مشاوری در چندین مدرسه راهنمایی کار می‌کرد.

در تدوین و اجرای برنامه راهنمایی و مشاوره لازم بود به تطابق برنامه‌ها با نظام ارزشی و فرهنگی جامعه ایران و نیز به نیازهای اجتماعی توجه شود. عدم توجه به این موضوع باعث شد که برنامه راهنمایی حتی نزد دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کشور مقبولیت نیابد. در نتیجه در مهر ماه ۱۳۵۸ برنامه راهنمایی و مشاوره در مدارس راهنمایی متوقف شد و مشاوران به قسمتهای مختلف آموزشی و اداری منتقل شدند. طرح تربیت واشتغال مربیان تربیتی در مدارس در سال ۱۳۵۹ مطرح شد و در عمل این مربیان جایگزین مشاوران شدند. مربیان تربیتی غیر از برگزاری مراسم مختلف و انجام دادن فعالیتهای فوق برنامه به شناخت و حل نابسامانیهای اخلاقی و رفتاری دانش‌آموزان پرداختند، همچنین ستادهای تربیتی متشکل از مدیر مدرسه، مربی تربیتی و یکی از معلمان مؤمن و متعهد تشکیل شد. از جمله وظایف ستادهای تربیتی رسیدگی به وضعیت کلی مدرسه و بررسی رفتار دانش‌آموزان و در صورت بروز مشکل رفتاری اقدام به حل آن بود. در سال ۱۳۶۲ هسته مشاوره در مناطق آموزش و پرورش متشکل از ۳ تا ۵ نفر از دبیران و مربیان تربیتی که فارغ‌التحصیل رشته روانشناسی، مشاوره یا علوم تربیتی بودند تشکیل شد. هسته مشاوره به حل مشکل رفتاری آن دسته از دانش‌آموزانی می‌پرداخت که از ستادهای تربیتی مدارس ارجاع داده می‌شدند و نیاز به پیگیری و تداوم درمان داشتند. هنگامی که فعالیتهای مشاوران متوقف شد، راهنمایی تحصیلی دانش‌آموزان از طریق جمع نمرات سه سال دوره راهنمایی آنان صورت می‌گرفت. برای هدایت دانش‌آموز به رشته‌های تجربی و ریاضی باید مجموع نمرات سه ماده درسی ریاضیات، علوم تجربی و حرفه وفن آنان ۱۰۸، برای رشته کشاورزی ۷۲ و برای رشته علوم انسانی مجموع دروس ادبیات، عربی، علوم تجربی و تاریخ ۱۴۴ بود. در هدایت دانش‌آموزان به علایق و استعداد آنان توجه نمی‌شد.

در سال ۱۳۶۹ کلیات طرح تغییر نظام جدید آموزش متوسطه به تصویب شورای‌عالی انقلاب فرهنگی رسید. در آن طرح برای دبیرستانهای نظام جدید مشاور در نظر گرفته شد. وظایف مشاور در دبیرستانهای نظام جدید به این شرح بود (کلیات نظام جدید آموزش متوسطه، ۱۳۷۲):

۱. آشنا کردن دانش‌آموزان، اولیاء و کارکنان دبیرستان با اهداف و برنامه‌های راهنمایی و مشاوره.

۲. آشنا کردن دانش‌آموزان، اولیاء وکارکنان دبیرستان با نظام جدید آموزش متوسطه.

۳. جمع‌آوری اطلاعات در زمینه پیشرفت تحصیلی، علایق و امکانات شغلی.

۴. بررسی موقعیت دانش‌آموزانی که مشکل تحصیلی و رفتاری دارند.

۵. انجام دادن مشاوره فردی وگروهی با دانش‌آموزان.

۶. ارزیابی دانش‌آموزان و ثبت آن در پرونده تحصیلی آنان.

۷. شرکت در جلسات عمومی‌اولیاء و مربیان.

۸. ارجاع دانش‌آموزانی که مشکل حاد دارند به مراکز تخصصی.

۹. هدایت دانش‌آموزان به رشته‌های تحصیلی با توجه به علایق و توانمندیهای آنان.

در سال تحصیلی ۷۱ـ۷۲ نظام جدید آموزش متوسطه به اجرا در آمد. برای نظام جدید آموزش متوسطه از بین کسانی که دارای این شرایط بودند مشاور انتخاب شد: ۱) دست‌کم داشتن درجه کارشناسی در رشته مشاوره، ۲) دست‌کم داشتن درجه کارشناسی در رشته‌های روانشناسی، علوم تربیتی، برنامه‌ریزی امور تربیتی و امور تربیتی با حداقل سه سال سابقه تدریس یا مربی امور تربیتی و ۳) دست‌کم داشتن درجه کارشناسی با ۵ سال سابقه کار به عنوان مربی تربیتی. برای آمادگی مشاوران دوره‌های کوتاه مدت آموزشی در نظر گرفته شد. آنچه عملاً اتفاق افتاد انتخاب مشاورانی بود که دارای حداقل آموزش و تجربه مشاوره‌ای بودند.

بررسی اولیه از ۴۰ مشاور در دبیرستانهای نظام جدید آموزش متوسطه در سال

۱۳۷۴ در اصفهان (باباگلی و احمدی، ۱۳۷۴) نشان داد که ۱۴/۶ درصد از آنان به امور دفتری از قبیل جمع و تفریق نمرات دانش‌آموزان و پرکردن فرمهای هدایت تحصیلی، ۱۰/۰۵ درصد به تدریس و حدود ۲۲ درصد به فعالیتهای اجرایی پرداخته و ازکار اصلی خود دور بوده‌اند. در سال ۱۳۶۴ شاخه مشاوره درگروه علوم انسانی شورای عالی برنامه‌ریزی ستاد انقلاب فرهنگی به تدوین برنامه‌ای مستقل از شاخه علوم تربیتی و روانشناسی پرداخت. برنامه رشته مشاوره و امور تربیتی در سال ۱۳۶۷ تصویب شد و در برخی از دانشگاههای کشور که شرایط ایجاد رشته را داشتند به اجرا در آمد. اولین فارغ التحصیلان این رشته در سال ۱۳۷۱ وارد بازار کار شدند. این برنامه در سال ۱۳۷۴ مورد تجدید نظر قرارگرفت و نام رشته از امور تربیتی و مشاوره به راهنمایی و مشاوره تغییر یافت و بیشتر بر دروس مشاوره تأکید شد.

شاخه مشاوره همچنین به تدوین برنامه کارشناسی ارشد و دکترای مشاوره اقدام کرد و هر دو برنامه تصویب شد. برنامه کارشناسی ارشد مشاوره چند سالی است که اجرا می‌شود و فارغ التحصیلان آن درمراکز عالی مشغول به‌کار شده‌اند. دوره دکترای مشاوره نیز در دانشگاه علامه طباطبایی و تربیت معلم تهران به اجرا در آمده است. اخیراً کارشناسی ارشد این رشته به چهار گرایش ۱) مشاوره خانواده، ۲) مشاوره شغلی، ۳) مشاوره مدرسه و ۴) مشاوره توانبخشی تقسیم و برای این گرایشها برنامه‌ریزی شده و به تصویب رسیده است.

خدمات مشاوره‌ای به نظامهای آموزشی محدود نمی‌شود. مراکز خدمات مشاوره‌ای در جامعه در حال گسترش است. کلینیکهای مشاوره و مراکز مشاوره خانواده در وزارت آموزش و پرورش، مراکز مشاوره دانشجویی در دانشگاهها، مراکز مشاوره و بهداشت روانی در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مراکز مشاوره در سازمان بهزیستی کشور، مراکز خدمات مشاوره‌ای در شورای عالی جوانان تأسیس شده است. در این مراکز خدمات مشاوره فردی، گروهی، خانوادگی، تحصیلی و شغلی ارائه می‌شود. آنچه در این زمینه ضروری است تعیین حدود و صلاحیت مشاوران و نظارت و ارزشیابی عملکرد آنان در این مراکز است.

پس از سالها تلاش متخصصان رشته مشاوره، انجمن مشاوره ایران در سال ۱۳۷۵ به تأیید کمیسیون انجمنهای علمی کشور رسید و فعالیت خود را آغاز کرد. از جمله اهداف انجمن مشاوره ایران گسترش، پیشبرد و ارتقای علم مشاوره و توسعه کمّی و کیفی نیروهای متخصص و بهبود بخشیدن به امور آموزشی و پژوهشی در زمینه مشاوره و تهیه و تدوین و تلاش برای به تصویب رساندن قوانینی است که مقوم مشاوره، مشاوران و حافظ مصالح کلیه مُراجعان و کسانی شد که از خدمات مشاوره‌ای برخوردارند. انجمن مشاوره ایران انتظار دارد که با تدوین آیین‌نامه‌ها و تصویب آنها به وسیله مُراجع ذی‌صلاح بتواند یک نظام مطلوب مشاوره‌ای برای آموزش، به کارگماری و ارزشیابی مشاوران ایجاد کند و به غنای خدمات در این رشته بیفزاید.

تعریف و اهداف راهنمایی و مشاوره

تعریف راهنمایی

دامنه تعریف و مفهوم راهنمایی[1] گسترده است و در تبیین مفهوم راهنمایی و سیر تحولی آن می‌توان به این موارد اشاره کرد.

۱. *راهنمایی به معنای تعلیم و تربیت.* بروور[2] راهنمایی را مترادف تعلیم و تربیت می‌دانست. به نظر او راهنمایی و تعلیم و تربیت به هدایت زندگی افراد می‌پردازد و در فهم، سازمان دادن، توسعه و رشد خویشتن و همکاری متقابل به آنان کمک می‌کند (شرتزر و استون، ۱۹۷۶).

۲. *راهنمایی به معنای هدایت فرد به زمینه مناسب تحصیلی و شغلی و سازگاری با محیط اجتماعی.* راهنمایی در این معنا فرایندی برای هدایت و سازگاری فرد است. راهنمایی به افراد کمک می‌کند تا با توجه به توانمندیهای خویش از فرصتهای مناسب تحصیلی و حرفه‌ای استفاده و رشته و شغل مورد علاقه خود را انتخاب کنند. بر این اساس کاتز[3] (۱۹۶۶) معتقد بود که راهنمایی نوعی مداخله در انتخابهاست و به مراجع کمک می‌کند تا از فرصتهای موجود تحصیلی و شغلی یکی را برگزینند. همچنین راهنمایی به سازگاری افراد با محیط کمک می‌کند تا بتوانند به تقاضاهای متنوع محیطی پاسخ مناسبی دهند.

۳. *راهنمایی به معنای کمک به فرد برای شناخت خود و جهان اطراف.* تراکسلر (۱۹۵۷) راهنمایی را کمک به فرد می‌دانست تا تواناییها، علایق و ویژگیهای خود را بشناسد و هنگام مواجهه با تقاضاهای محیطی از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار باشد و

---

1. guidance 2. Brewer 3. Katz

بتواند هدفهای زندگی خود را مشخص کند و بین آنها و ویژگیهای شناخته شده خویشتن ارتباط برقرار نماید و به خود رهبری برسد و عضوی مؤثر برای جامعه خود باشد. آربا کل (۱۹۶۵) در بیان راهنمایی به عنوان یک سازه تربیتی معتقد است که راهنمایی اشاره به تدارک تجربیاتی دارد که به دانش‌آموزان در فهم خویشتن کمک می‌کند. به نظر شرتزر و استون (۱۹۷۶) راهنمایی فرایندی برای کمک به فرد است تا خود و جهان خویش را درک کند.

تعریف مشاوره

مشاوره[1] با افراد بهنجار سروکار دارد. هرگاه فرد در جریان رشد، سازگاری، تصمیم‌گیری، تعامل اجتماعی و موقعیتهای تحصیلی، شغلی و خانوادگی با مشکلی روبه‌رو شود از خدمات مشاوره‌ای استفاده می‌کند. ماهیت مشاوره و دامنه آن را می‌توان در این تعاریف مشاهده کرد.

۱. *مشاوره به معنای تسهیل رشد.* مشاوره در این معنا فرایندی است که به فرد کمک می‌کند تا بر موانع رشد فایق آید و از فرصتهای تربیتی و اجتماعی برای رسیدن به مراحل بعدی رشد استفاده کند (بلاکر، ۱۹۷۴). به نظر بلکهام (۱۹۷۷) مشاوره رابطه منحصر به فردی است که در آن به افراد فرصتهای مناسبی برای احساس کردن، تجربه کردن، یادگرفتن، فکر کردن و تغییر کردن داده می‌شود. شرتزر و استون (۱۹۸۰) مشاوره را فرایند دوجانبه‌ای می‌دانند که شناختِ بامعنای مُراجع از خود و محیط را تسهیل می‌کند و موجب شناخت و کشف اهداف و ارزشهای مربوط به آینده می‌شود.

۲. *مشاوره به معنای کمک به سازگاری.* بلاکر (۱۹۷۴) به نقش سازگاری مشاوره اشاره می‌کند. به نظر وی، در رابطه مشاوره‌ای به فرد کمک می‌شود تا مجموعه رفتارهای مورد نیاز را کسب کند و بتواند با تقاضاها و انتظاراتی که ازنقشهای تازه ناشی می‌گردد سازگار شود.

---

1. counselling

۳. مشاوره به معنای کمک به تصمیم گیری. گیبسون و میشل (۱۳۷۷) مشاوره را نوعی رابطه یاورانه بین مشاور و مراجع می‌دانند که بر نیاز مراجع به رشد، سازگاری، تصمیم‌گیری و حل مشکل تکیه دارد. مشاوره را می‌توان رابطه‌ای تخصصی بین مشاوری کارآزموده و مراجع دانست که در آن به مراجع کمک می‌شود تا از طریق انتخاب راه‌حلهای بامعنا و سنجیده و از طریق حل مشکلات عاطفی و تبادلی به اهداف مورد نظر خویش برسد (جرج و کریستیانی، ۱۹۹۰).

۴. مشاوره به معنای کمک به بهبود روابط اجتماعی و خانوادگی. پاترسون (۱۹۶۷) مشاوره را فرایندی برای کمک به افراد می‌دانست تا راه‌حلی برای مشکل تصمیم‌گیری، حالات هیجانی و روابط خود بیابند. بلاکر (۱۹۷۴) مشاوره را کمک به فرد برای آگاهی بیشتر از خویشتن و راههای برخورد با عوامل محیطی می‌دانست. مشاوره در این معنا به فرد کمک می‌کند تا برای رفتارهای خود معنایی بیابد و اهداف و ارزشهایی را برای رفتار آینده خود در نظر گیرد.

۵. مشاوره به معنای کمک به تغییر رفتار مراجع. مشاوره یک رابطه دوجانبه است که در آن مراجع مشکلات رفتاری خود را که بتنهایی قادر به حل آنها نیست برای مشاوری با صلاحیت و دارای تجربه علمی و عملی مطرح می‌سازد و از او کمک می‌گیرد تا راه‌حلی برای آنها بیابد.

پاترسون (۱۹۶۷) در بیان مفهوم مشاوره می‌گوید: ۱) مشاوره بر تغییر ارادی رفتار مراجع تأکید دارد. ۲) مشاوره به تأمین شرایطی می‌پردازد که این تغییر ارادی را تسهیل کند. ۳) در مشاوره همانند تمام روابط محدودیتهایی بر مراجع تحمیل می‌شود. ۴) شرایطی که باعث تغییر رفتار مراجع می‌شود از طریق مصاحبه انجام می‌گیرد. ۵) گوش دادن در مشاوره وجود دارد ولی همهٔ مشاوره گوش دادن نیست. ۶) مشاور مراجع را درک می‌کند و ۷) مشاوره به صورت خصوصی انجام می‌شود و مباحث آن محرمانه است.

حدود راهنمایی و مشاوره

در سالهای اولیه از کلمه مشاوره بندرت استفاده می‌شد و فعالیتهایی که برای کمک به

دانش‌آموزان برای تصمیم‌گیری تحصیلی و شغلی انجام می‌گرفت راهنمایی نامیده می‌شد. پاترسون (۱۹۶۷) کاربرد کلمه راهنمایی را بتنهایی کافی نمی‌دانست و ترکیبی از دو کلمه راهنمایی و مشاوره را برای خدمات تخصصی در این زمینه پیشنهاد کرد. به نظر شرتزر و استون (۱۹۷۶) راهنمایی شامل مجموعه‌ای از فعالیتها و خدماتی می‌شد که به دانش‌آموزان برای طرح‌ریزی مناسب و رسیدن به سازگاری رضایتبخش در زندگی کمک می‌کرد. در این دیدگاه مشاوره یکی از خدمات راهنمایی بود. از نظر گیبسون و میشل (۱۹۹۹) مشاوره شامل خدمات ارزیابی، مشاوره فردی، گروهی، خانوادگی، اطلاع‌رسانی تحصیلی و شغلی و کمک به رشد حرفه‌ای مراجعان است. پالمر (۱۹۹۷) دامنهٔ فعالیتهای مشاوره را به مشاوره فردی، خانوادگی و گروهی، مشاوره در تعلیم و تربیت و در آموزش عالی، یعنی مشاوره تحصیلی، حرفه‌ای و روحانی گسترش داده و مدعی است که مشاوره تمام سطوح راهنمایی را شامل می‌شود.

با توجه به دو دیدگاه بالا که یکی مشاوره را جزئی از راهنمایی و دیگری راهنمایی را جزئی از مشاوره می‌داند می‌توان نتیجه گرفت که راهنمایی و مشاوره با یکدیگر همپوشی دارد. راهنمایی و مشاوره در خدمت به یک فرایند و برای کمک به رشد، سازگاری، تصمیم‌گیری و حل مسأله است. این دو در مقابل هم قرار ندارند و هر دو به تسهیل رشد، شکوفایی استعدادها و کشف راه‌حل برای مشکلات تحصیلی، شغلی و خانوادگی کمک می‌کند.

حدود مشاوره و روان‌درمانی

در تمایز مشاوره و روان‌درمانی می‌توان گفت که مشاوره به حل مشکلات رفتاری در افراد عادی کمک می‌کند و هدف پیشگیرانه، تربیتی و تسهیل رشد دارد؛ در حالی که روان‌درمانی به آن دسته از مشکلات رفتاری می‌پردازد که جنبه مرضی دارد و هدف آن بیشتر درمانی، سازگارانه و جبران کننده است (بلاکر، ۱۹۷۴). برخی مشاوره را برای تسهیل رشد و روان‌درمانی را برای برطرف کردن تعارضهای شخصیتی دانسته‌اند

(شرتزر و استون، ۱۹۸۰). در عمل، مشاوره و روان‌درمانی در اهداف، روش کار و نظریه‌های مورد استفاده تفاوت ندارند. تفاوتهای بین مشاوره و روان‌درمانی را می‌توان در این موارد دانست (ولف، ۱۹۹۷):

۱. روان‌درمانی عمدتاً در موقعیتهای درمانی و پزشکی صورت می‌گیرد، در صورتی که مشاوره بیشتر در مؤسسات تربیتی و حرفه‌ای انجام می‌پذیرد.

۲. روان‌درمانی یک فرایند بلندمدت است، در صورتی که مشاوره در کوتاه مدت هم عملی است.

۳. روان‌درمانی به تغییر در شخصیت فرد می‌پردازد، در صورتی که مشاوره به فرد کمک می‌کند تا از توانمندیهای خود برای سازگاری با محیط استفاده کند.

۴. روان‌درمانی به تبحر در تحلیل فرد همراه با مهارتهای تشخیصی روانکاوانه نیازمند است، در صورتی که مشاوره تبحر فرد برای تعیین اهداف است و بر مهارتهای انسان‌گرایانه مبتنی است.

۵. روان‌درمانی با افرادی کار می‌کند که آسیب روانی دارند، در صورتی که مشاوره با افرادی سر و کار دارد که مشکلات موقعیتی در زندگی یا مشکلاتی در یکی از مراحل رشد خود دارند.

حدود مشاوره و مشورت

مشاوره یک رابطه یاورانه چهره به چهره است که در آن مراجع حضور دارد و با طرح مشکلات رفتاری خود از تجربه مشاور برای حل مشکلش کمک می‌گیرد؛ در حالی که در مشورت، خود مراجع حضور ندارد. مشورت عبارت است از: فرایند کمک به مراجع از طریق شخص دیگر یا کمک به یک سازمان برای بهسازی خدماتی که در آنجا عرضه می‌شود (گیبسون و میشل، ۱۳۷۷). والدین، مربیان، مدیران و صاحبان صنایع و مشاغل می‌توانند به مشورت با مشاور بپردازند و از دیدگاه نظری و تجربه علمی او برای اصلاح رفتار فرزندان، بهبود روابط در سازمان و تنظیم برنامه‌ها و کارآمد کردن نظام اداری و افزایش کارایی کارکنان استفاده کنند.

اهداف راهنمایی و مشاوره

اهداف راهنمایی و مشاوره را می‌توان به این صورت بیان کرد (شرتزر و استون، ۱۹۸۰؛ جرج و کریستیانی، ۱۹۹۰؛ پالمر، ۱۹۹۷):

۱. *تسهیل تغییر در رفتار مراجع*. از دیدگاه همه نظریه پردازان، هدف راهنمایی و مشاوره تغییر رفتار مراجع است تا او بتواند کارآمدتر عمل کند. راجرز (۱۹۶۱) تغییر رفتار را نتیجه ضروری فرایند مشاوره می‌دانست. تغییر رفتار به عنوان هدف، شامل تصحیح پاسخها نسبت به تعارضهای درونی، اصلاح نگرشها نسبت به مردم و خویشتن می‌شود. در این صورت مراجع می‌تواند از اضطراب خود بکاهد، خود را بپذیرد و نگرشی مثبت نسبت به خود و دیگران داشته باشد.

۲. *توسعه مهارتهای سازگارانه در مراجع*. هر فردی در فرایند رشد خود با مشکلات سازگاری مواجه است. بسیاری از افراد فرصتهای مناسب برای کسب مهارتهای لازم برای سازگاری با محیط را نداشته‌اند. مطمئناً ناهماهنگی در رفتار والدین و همسالان باعث می‌شود تا کودکان نتوانند رفتار مناسبی را برای برخورد مؤثر با دیگران فرا گیرند.مشاوره به مراجعان کمک می‌کند تا مهارتهای سازگارانه را فرا گیرند.

۳. *افزایش کارایی شخصی مراجع*. راهنمایی و مشاوره به مراجع کمک می‌کند تا تواناییهای خود را بشناسد، آنها را شکوفا کند و بر کارایی خود بیفزاید. به نظر بلاکر (۱۹۷۴) مشاوره آزادی فرد را با توجه به محدودیتهای شخصی و محیطی افزایش می‌دهد. همچنین کارایی فرد را بالا می‌برد تا نحوهٔ کنترل خود بر محیط و پاسخهای مناسب نسبت به محیط را فرا گیرد.

۴. *کمک به تصمیم گیری مراجع*. یکی از اهداف راهنمایی و مشاوره کمک به مراجع برای تصمیم‌گیری و انتخاب راه‌حل مناسب برای حل مشکلات تحصیلی، شغلی و خانوادگی است. در جریان مشاوره مراجع یاد می‌گیرد تا مشکل خود را شناسایی، اطلاعات لازم را کسب و راه‌حلهای احتمالی را پیش‌بینی کند و سپس مناسب‌ترین راه‌حل را برگزینند. به نظر تایلر (۱۹۵۹) هدف مشاوره تسهیل انتخابهای معقولی است که رشد بعدی فرد مبتنی بر آن انتخابهاست.

۵. *تأمین بهداشت روانی مراجع.* تأمین بهداشت روانی یکی از اهداف راهنمایی و مشاوره است. رسیدن به چنین هدفی باعث هماهنگی شخصیت، تطبیق درست با محیط و مردم و قبول مسئولیت می‌شود. مشاوره با ایجاد شرایط مناسب، به فرد در خودپذیری، پذیرش واقعیت، برخورد مناسب با دیگران و اتخاذ روشهای واقع بینانه و تعادل روانی کمک می‌کند.

۶. *توسعه روابط متقابل انسانی در مراجع.* توسعه روابط متقابل انسانی یکی از اهداف راهنمایی و مشاوره است. در جریان مشاوره مراجع تجربیات مثبتی را کسب می‌کند. فضای توأم با اعتماد و پذیرش بدون قید و شرط همراه با تفاهم و همدلی، وضعیتی را در رابطه مشاوره‌ای ایجاد می‌کند که مراجع به برون‌ریزی مشکلات خود می‌پردازد و رابطه‌ای باز و صریح با مشاور ایجاد می‌کند. در این صورت مقاومتها شکسته می‌شود و مراجع راحت‌تر به بیان مشکلات خود می‌پردازد و با کمک مشاور به راه‌حل مناسبی می‌رسد. در مشاوره گروهی می‌توان به آموزش تبادل اجتماعی پرداخت و شرایطی را ایجاد کرد که مراجعان نحوهٔ برخورد با یکدیگر را فراگیرند.

۷. *ایجاد برداشت مثبت از خود و جهان و کشف معنای زندگی.* راهنمایی و مشاوره بر توانمندیهای فرد تکیه دارد و به فرد آموزش می‌دهد تا از واقعیتهای موجود بهترین بهره را بگیرد. در مشاوره بر استفاده از فرصتها با توجه به استعدادهای فرد تأکید می‌شود. برای کشف معنای زندگی، مشاوران به مراجعان کمک می‌کنند تا از تواناییهای بالقوه خویش و شرایط محیط آگاهی یابند و به ارزشها و نقاط مثبت خود تکیه کنند و از تواناییهای خود با توجه به شرایط موجود استفاده نمایند و به خویشتنِ واقع بینانه، مثبت و هدفدار نایل آیند.

راهنمایی و مشاوره در اسلام

اسلام دین هدایت و راهنمایی است. قرآن مجید با مخاطب قرار دادن پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «قُل انّنی هدانی ربّی الی صراط مستقیم دینا قیّماً» بگو پروردگارم مرا به راه راست و دین استوار هدایت کرده است (انعام، ۱۶۱). «فمن تبع هدای فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون». پس آنکه پیرو هدایت و راهنمایی خداوندی شود ترس و اندوهی نخواهد داشت (بقره، ۳۸). بر این اساس هدایت شدن و انتخاب دین استوار موجب می‌شود که فرد اندوه و ترسی در سپردن راه نداشته باشد. در اسلام سه نوع هدایت مطرح شده است:

اول) هدایت فطری. هدایت فطری عبارت از رهنمودی است که در نهاد موجودات به صورت فطری قرار داده شده و آنها را در مسیر کمال هدایت می‌کند. در سوره اعلی آیه ۲ و ۳ آمده است: «الذی خلق فسّوی و الذی قّدر فهدی» او خداوندی است که موجودات را خلق نمود و متناسب و موزون ساخت و اندازه و میزان برای آنها تعیین کرد و آنها را هدایت نمود. حضرت موسی (ع) در مقابل فرعون خصوصیات پروردگار خود را چنین بیان می‌کند: «ربنا الذی اعطی کل شیءٍ خلقه ثم هدی» پروردگار ما کسی است که به هر موجودی نعمت خلقت را عطا نمود و آنگاه آن را هدایت نمود (طه، ۵۰). اینگونه هدایت که در نهاد موجودات قرار دارد و مسیر حرکت آنها را تعیین می‌کند هدایت فطری است.

دوم) هدایت تشریعی. هدایت تشریعی به وسیله پیامبران ارائه شده است. پیامبر اسلام (ص) مأمور به دعوت است و دعوت او بر مبنای حکمت و اندرز نیکوست. «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن» مردم را به

راه پروردگارت با حکمت و پند نیکو دعوت کن و با آنچه بهترین است با آنها به بحث بپرداز (نحل، ۱۲۵). به موسی و هارون سفارش می‌شود: «فقولا له قولاً ليناً لعله يتذكر او يخشى» با فرعون با نرمی سخن بگویید تا شاید پند پذیرد یا ترس از خداوند او را فرا گیرد (طه، ۴۴). بر این اساس هدایت باید با نرمی گفتار و حکمت همراه باشد. انسان در برابر هدایت تشریعی اختیار دارد و آن را می‌پذیرد یا نمی‌پذیرد و به تعبیر قرآن مجید: «قد جاءكم الحق من ربكم فمن اهتدى فانّما يهتدى لنفسه ومن ضل فانّما يضّل عليها» حق و درستی از جانب خداوند آمده است. پس کسی که هدایت شود به نفع خویش هدایت یافته و هر که گمراه شود به ضرر خود اقدام کرده است. نپذیرفتن راه پیامبران باعث خسران و زیان آدمی می‌شود (یونس، ۱۰۸).

سوم) هدایت عقلی. از جمله امتیازهای انسان داشتن عقل و قدرت تفکر است. امام صادق (ع) عقل را راهنمای مؤمن می‌دانند (*اصول کافی*، ص ۲۰۵). پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «استرشدوا العقل ترشدوا و لا تعصوه فتندمُوا» از عقل خود راهنمایی بخواهید تا هدایت شوید و از آن سرپیچی نکنید تا پشیمان نشوید (مستدرک، ص ۲۸۶). همچنین فرمودند: «لكل شى دعامة و دعامة المؤمن عقله و بقدر عقله تكون عبادته» هر چیزی دارای پایه و ریشه است و پایه و ریشه مؤمن عقل اوست و ارزش عبادت او به اندازه عقل و اندیشیدن اوست (*محجة البيضاء*، ص ۱۷۱).

در قرآن مجید از عقل مجرد صحبت نشده است و بیشتر بر اندیشیدن، فکر کردن و تدبر نمودن تأکید شده است. آنچه آدمی را به راه راست رهنمون می‌شود فکر کردن و اندیشیدن است. قرآن مجید پلیدی را در نتیجه نیندیشیدن دانسته و می‌فرماید: «و يجعل الرجس على الذين لا يعقلون» خداوند برای کسانی که نمی‌اندیشند پلیدی مقرر داشته است (یونس، ۱۰۰). قرآن نیندیشیدن را باعث کوری، کری و لالی می‌داند (بقره، ۱۷۱). مقصود کری و کوری و لالی ظاهری نیست بلکه به تعبیر قرآن «لا تعمى الابصار ولكن تعمى القلوب التى فى الصدور» دیدگان ظاهر نابینا نمی‌شود بلکه دلهایی که در سینه‌هاست کور می‌شود (حج، ۴۶). آنانکه نمی‌اندیشند حقایق را نمی‌بینند، نمی‌شنوند و به زبان نمی‌آورند و در واقع هدایت نشده‌اند.

در اسلام به مشورت و مشاوره توجه خاصی شده است. در قرآن مجید به پیامبر اسلام (ص) خطاب شده است که «شاورهم فی‌الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله» در کارهای مهم با مسلمانان مشورت نما و وقتی تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن (آل‌عمران، ۱۵۹). این آیه به چند مطلب اشاره دارد: ۱) قبل از تصمیم‌گیری با افراد درستکار و باایمان مشورت شود. ۲) مشورت در کارهای مهم صورت می‌گیرد. ۳) پس از مشورت تصمیم‌گیری شود و ۴) پس از تصمیم‌گیری بر خداوند توکل کنند و امید به رحمت و توفیق در کارها را داشته باشند. مشاوره در اسلام در سه معنا به کار رفته است:

اول) مشاوره به معنای مشورت در امور شخصی. در این معنا به افراد توصیه شده است تا در مسائل شخصی با صاحبنظران مشورت کنند و از تجارب آنان استفاده کنند. پیامبر اسلام فرمودند: «من شاور ذوی الالباب دُلَّ علی الصواب» هرکس که با خردمندان مشورت کند به راه صواب هدایت شود (*ارشاد مفید*، ص ۱۴۲).

دوم) مشاوره به معنای نظرخواهی از دیگران برای تصمیم گیریها. توجه به آراء دیگران برای تصمیم‌گیری مورد عنایت اسلام است. علی (ع) می‌فرماید: «اضربوا بعض الرأی ببعض یتولّد منه الصواب» برخی از دیدگاهها را با دیگری جمع کنید تا از جمع آنها خیر و صواب به دست آید (غرر و درر، ج ۲، حکمت ۲۶۶). همچنین فرمودند: «من استقبل وجوه الاراء عرف مواقع الخطاء» هر کس از نظریات مختلف استقبال کند و به آنها توجه نماید موارد اشتباه را می‌شناسد، در نتیجه در تصمیم گیری کمتر دچار خطا و اشتباه می‌شود (*نهج البلاغه* فیض، حکمت ۱۶۴).

سوم) مشاوره به معنای فرایندی برای کمک به حل مشکلات. احادیثی از قبیل «لا ظهیر کالمشاورة» هیچ پشتیبانی مانند مشاوره نیست (*نهج البلاغه* فیض، کلمات قصار، ۵۱). و «لا یستغنی العاقل عن المشاورة» انسان خردمند از مشاوره بی نیاز نیست (*غررالحکم*، ج ۶، ص ۳۸۹)، ناظر به این معناست که مشاوره و نظرخواهی به کمک افراد می‌شتابد و به آنان در حل مشکلات کمک می‌کند.

مشاوره به معنای فرایندی برای کمک به حل مشکلات شامل ۱) رابطه یاورانه، ۲) شناخت مشکل مراجع و ۳) روشهای برخورد با مشکلات است.

۱. رابطه یاورانه. در اسلام هر رابطه‌ای با سلام که نشانه‌ای از ادب و امید به سلامتی است شروع می‌شود. پیامبر اسلام به هر کسی که بر او وارد می‌شد احترام می‌گذاشت و عبای خود را زیر پای او می‌گسترانید و بالش خود را تکیه‌گاه او می‌کرد. در قرآن مجید خطاب به پیامبر اسلام آمده است: «فبما رحمة من الله لنت لهم و لو کنت فظاً غلیظ القلب لا نفضوا من حولک» از رحمت خداوند بر تو این است که با مردم نرمخو هستی. زیرا اگر خشن بودی از پیرامون تو پراکنده می‌شدند (آل‌عمران، ۱۵۹). نرمی گفتار و رحمت رفتار پیامبر (ص) مردم را شیفته آن حضرت می‌کند. در اسلام به پذیرش افراد و احترام به شأن و قدر آنان و نرمی گفتار و رحمت نسبت به آنان تأکید شده است.

۲. شناخت مشکل مراجع. از دیدگاه اسلام انسان بر اثر دور شدن از خداوند و بی‌توجهی به فطرت خویش و رعایت نکردن حدود الهی دچار مشکل می‌شود. مشکل آدمی متأثر از عوامل درونی و بیرونی است. عوامل درونی از قبیل بصیرت نداشتن، غفلت از یاد خداوند، پیروی از هوای نفس، آلودگی به گناه، کفر و نفاق و همچنین عوامل بیرونی مانند استکبار، ظلم، اسراف، استضعاف، فساد و تکذیب موجب اشکالات رفتاری در آدمیان می‌شود. این عوامل شیرازه جامعه را از هم می‌پاشد و به مشکلات فردی و جمعی می‌انجامد.

۳. روشهای برخورد با مشکلات. در اسلام روشهای برخورد با مشکلات رفتاری شامل سه قسمت است:

الف) روشهای پیشگیرانه. این روشها از بروز مشکلات رفتاری جلوگیری می‌کند. برای پیشگیری از مشکلات، ابتدا فرد باید به خودشناسی و خداشناسی و شناخت جهان اطراف بپردازد. آنگاه با التزام عملی به فرایض، الگوپذیری از اولیا، عنایت به خیر خود و مردم و مسئولیت‌پذیری، خود را به خوبیها آراسته نماید، سپس با شکرگزاری از نعمتهای خدا دادی و جلب رضای خداوند به زندگی خود معنا بخشد و با تقوا خود را از آلودگیها باز دارد. اعتقاد، بازگو کردن و عمل با یکدیگر آدمی را به انجام دادن کار درست و دوری از کار نادرست وامی‌دارد.

ب) *روشهای اصلاح رفتار.* از نظر اسلام اگر از آدمی خطایی سرزند نباید مأیوس شود و باید به اصلاح آن رفتار نادرست بپردازد. توبه از نظر اسلام به معنای بازگشت از خطا و حرکت در راه درست است. قرآن مجید در این باره می‌فرماید: «انّی لغفار لمن تاب و امن و عمل صالحاً ثّم اهتدی» همانا من آمرزنده خطای کسی هستم که بازگردد و ایمان بیاورد و عمل شایسته داشته باشد و در راه درست بیفتد (طه، ۸۲). در این آیه چهار مرحله برای اصلاح رفتار بیان شده است: ۱) بازگشت و توبه از گناه. ۲) ایمان و اعتقاد قلبی و شناخت درونی و آگاهی از اینکه چه کاری برای اصلاح رفتار لازم است. ۳) عمل صالح و اقدام به کار درست و ۴) حرکت در جهت درست و اینکه راه درست را بیابد.

یکی از روشهای اصلاح رفتار در اسلام دعا کردن است. دعا نوعی پیمان با خداوند است. در این پیمان انسان درخواست می‌کند تا توفیق بیابد و بتواند در راه خیر و صلاح قدم بردارد. دعا نوعی تلقین به نفس است. امام سجاد (ع) درضمن دعا لغزشها را بازگو می‌کنند تا بدین وسیله فرد به خودآگاهی برسد و درتصحیح رفتار خود اقدام کند. آن حضرت می‌فرماید: «اللهم انی اعوذ بک من هیجان الحرص و سورة الغضب و غلبة الحسد و ضعف الصبر و قلّة القناعة و شکاسة الخلق» خدایا به تو از طغیان حرص و از تندی غضب و از غالب شدن حسد و از پایین آمدن صبر و ازکم شدن قناعت و از بدی اخلاق پناه می‌برم (*صحیفه سجادیه*، ترجمه بلاغی، ص ۱۴۲). با یادآوری و تلقین این موارد فرد از این خصوصیات باز می‌ایستد. دعا در صورتی مؤثر است که آدمی خود را ملزم به عمل به آن بداند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «اذا دعوت فظن ان حاجتک بالباب» وقتی دعا می‌کنی چنین گمان ببر که حاجت تو بر آورده شده و به در خانه تو رسیده است (*محجة‌البیضاء*، ج ۲، ص ۲۹۴). در این صورت باید بر اساس آن عمل کنی.

ج) *روشهای تعالی و کمال انسان.* از دیدگاه اسلام انسان به سوی خدا در حرکت است. درصورتی آدمی به کمال می‌رسد که ۱) از همه نیروها، استعدادها و توانمندیهای خود استفاده کند. ۲) از عقل خویش برای شناخت و حل مشکلات زندگی خود بهره‌مند شود. ۳) از تواناییهای خود برای آباد کردن سرزمین خود سود جوید و ۴) تلاش کند تا نقش خود را در اداره خانواده و جامعه ایفا نماید.

اصول راهنمایی و مشاوره

راهنمایی و مشاوره تمام مراحل رشد و همه مقاطع تحصیلی و سطوح مختلف زندگی فردی، خانوادگی، شغلی و اجتماعی را شامل می‌شود. انجام دادن خدمات راهنمایی و مشاوره در این زمینه‌ها مستلزم رعایت اصولی است. این اصول به مشاوران کمک می‌کند تا به تمام ابعاد این خدمات توجه کنند. شرتزر و استون (۱۹۷۶) اصول ذیل را برای خدمات راهنمایی ارائه دادند: ۱) راهنمایی به رشد شخصی مراجع می‌پردازد. ۲) راهنمایی با فرایند رفتار مراجع سر و کار دارد. ۳) راهنمایی بر ارزش مراجع و حق انتخاب او تأکید می‌کند. ۴) راهنمایی یک جریان پیوسته تربیتی است و ۵) راهنمایی مبتنی بر همکاری است. به نظر جرج و کریستیانی (۱۹۹۰) در راهنمایی و مشاوره به مبانی فلسفی، جامعه شناختی و روانشناختی زندگی انسان تأکید می‌شود. از نظر فلسفی، مشاور باید دید واقع‌بینانه‌ای نسبت به خود و زندگی و اعتقاد به شأن و ارزش آدمیان داشته باشد. از نظر جامعه‌شناختی، مشاور باید از تأثیر ارزشهای فرهنگی ـ اجتماعی و تأثیر سازمانها بر فرد آگاه باشد. از نظر روانشناختی، مشاور باید به فرایند رشد، شیوه‌های یادگیری، برداشت فرد از خویشتن و ویژگیهای انسان توجه کند. انسان ویژگیهای خاصی دارد که عبارتند از: ۱) بیش از سایر موجودات از قابلیت رشد و کمال برخوردار است. ۲) بالاترین توان را در مهارتهای ارتباطی دارد. ۳) تنها موجود زنده‌ای است که سیر زمان را در اختیار دارد. ۴) قادر به کسب بصیرت و استدلال است و ۵) می‌تواند محیط خود را دستکاری کند و بر آن تأثیر گذارد (گیبسون و همکاران، ۱۳۷۷). با در نظر گرفتن جنبه‌های فلسفی، جامعه‌شناختی و روانشناختی انسان می‌توان این اصول را برای راهنمایی و مشاوره پیشنهاد کرد.

اصل اول. رشد آدمی از مراحل مختلفی می‌گذرد و در ابعاد مختلف بدنی، عاطفی، عقلانی، اجتماعی و معنوی صورت می‌پذیرد. راهنمایی و مشاوره محدود به یک دوره از رشد نیست و تمام مراحل آن را از کودکی تا پیری شامل می‌شود. هر مرحله از رشد خصوصیات ویژه خود را دارد. راهنمایی و مشاوره به فرد کمک می‌کند تا از ویژگیهای هر مرحله از رشد آگاه شود ومتناسب با آن ویژگیها بتواند در هر مرحله از آن بخوبی عمل کند و با کسب مهارتهای لازم از عهده مشکلات مربوط به هر مرحله برآید. راهنمایی و مشاوره به فرد کمک می‌کند تا علاوه بر رشد بدنی و ذهنی به رشد عاطفی، اجتماعی و معنوی خود توجه و در تمام ابعاد پیشرفت کند و به خودشکوفایی برسد.

اصل دوم. انسان موجودی خودآگاه، صاحب اراده، باارزش و مسئول است. آدمی تنها موجودی است که آگاه از خویشتن است. در راهنمایی و مشاوره به فرد کمک می‌شود تا خود را بشناسد و از تواناییها و محدودیتهای خود آگاه شود. آدمی دارای شأن و قدر است. پذیرش شأن آدمی به مشاوران کمک می‌کند تا بدون توجه به مشکلات مراجعان آنان را بپذیرند. انسان دارای اراده و مسئول است. قبول مسئولیت و تصمیم بر انجام دادن کار به مراجعان کمک می‌کند تا در تغییر رفتار خود اقدام کنند.

اصل سوم. آدمیان از نظر نیازها، انگیزه‌ها، توانمندیها و استعدادها متفاوتند. در راهنمایی و مشاوره باید متفاوت بودن مراجعان از نظر نیازها، انگیزه‌ها، توانمندیها و استعدادها پذیرفته شود. بر این اساس خدمات راهنمایی و مشاوره باید متناسب با نیازها، انگیزه‌ها، توانمندیها و استعداد مراجعان تدوین و ارائه شود. به دلیل تفاوتهای فردی نمی‌توان از مراجعان انتظار داشت که یکسان عمل کنند و پیشرفت همانندی در درک، پذیرش، شناخت و تغییر رفتار داشته باشند. آهنگ رشد، یادگیری، شناخت و تغییر رفتار در مراجعان متفاوت است. بنابراین باید راه‌حلها متناسب با تفاوتهای افراد ارائه و خواسته شود.

اصل چهارم. آدمیان دارای زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی متفاوتی هستند. در راهنمایی و مشاوره باید به تنوع فرهنگها و تفاوت زمینه اجتماعی و مذهبی مراجعان توجه شود. در رابطه مشاوره‌ای مسائل ارزشی مطرح می‌شود. آنچه مهم است

توجه به تفاوت نگرشها و ارزشهای مراجعان و رعایت این موضوع است که در راهنمایی و مشاوره تلاش می‌شود تا به مُراجع در جهت بارور کردن ارزشهای خویش کمک شود و هیچ‌گونه تحمیلی از طرف مشاوران صورت نمی‌گیرد.

اصل پنجم. انسان نیازمند فلسفه ارزشی برای زندگی خویش است. داشتن فلسفه ارزشی به زندگی آدمی معنا می‌دهد. زندگی آدمی نمی‌تواند به کسب مادیات، قدرت و مقام و حتی علم محدود شود. او نیازمند کسب معنویات و حرکت در زمینه‌های اخلاقی و ارزشی است. راهنمایی و مشاوره به آدمیان در زمینه کنترل خویشتن، انسان دوستی، محبت، حمایت، عشق و خداجویی کمک می‌کند تا آنان از نظر انسانی رشد کنند.

اصل ششم. انتخاب رشته تحصیلی و همسر حق هر فردی است و نمی‌توان افراد را برای انتخاب رشته تحصیلی و شغلی خاص و ازدواج با فردی مشخص مجبور کرد. در راهنمایی و مشاوره فرایند تصمیم‌گیری به مراجعان آموزش داده می‌شود و به آنان کمک می‌شود تا بر اساس توانمندیها، استعدادها و علایق خود به رشته تحصیلی و شغلی مناسبی بروند و در انتخاب خود به امکانات و فرصتهای تحصیلی و شغلی و نیازهای اجتماعی توجه کنند و در انتخاب همسر، علایق، تناسب خانواده‌ها و ویژگیهای شخصیتی یکدیگر را در نظر بگیرند.

اصل هفتم. راهنمایی و مشاوره یک فعالیت جمعی است و با همکاری همه مؤسسات و نهادهای اجتماعی انجام می‌پذیرد و در صورتی به بار می‌نشیند که مؤسسات و نهادهای مختلف اجتماعی به آن کمک کنند. راهنمایی و مشاوره تحصیلی بدون کمک مؤثر مؤسسات آموزشی که عهده دار برنامه‌ریزی، تدوین و اجرای آموزش هستند ممکن نیست. راهنمایی و مشاوره شغلی بدون همکاری نهادهای مرتبط با کار و اشتغال و ایجاد امکانات و فرصتهای شغلی عملی نیست. برای کشف و حل مشکلات تحصیلی، شغلی و خانوادگی همه باید دست به دست هم دهند و به یافتن راه‌حلها کمک کنند تا نتیجه مطلوب حاصل شود.

اصل هشتم. خانواده هسته اصلی زندگی اجتماعی است و باید بر دوام، بقا و سلامت آن تأکید شود. خانواده به عنوان مرکز ثقل سلامت فردی و اجتماعی باید مورد

عنایت مشاوران قرار گیرد. تدارک زمینه برای تشکیل خانواده‌ای سالم و ایجاد رابطه مناسب در آن و تلاش برای رفع مشکلات خانوادگی از اهم وظایف مشاوران است. یک نگاه اجمالی به آسیبهای روانی و اجتماعی نشان می‌دهد که ریشه بسیاری از آسیبها از خانواده است. مشاوران به آموزش، آگاهی دادن، ایجاد روابط سالم و بارور کردن محیط خانواده توجه خاصی دارند و آن را اساس فعالیتهای مشاوره‌ای خود می‌دانند.

اصل نهم. راهنمایی و مشاوره بر پیشگیری تأکید دارد و با افراد بهنجار سر و کار دارد و به افراد در رشد و سازگاری درونی و برونی کمک می‌کند. راهنمایی و مشاوره تسهیل کننده رشد است و در جهت خودشکوفایی و بارور کردن استعدادها و توانمندیهای فرد حرکت می‌کند. مشاوره به تصمیم گیریها و حل مشکلات موقعیتی مراجعان کمک می‌کند. وقتی مراجعان در همه زمینه‌ها رشد کنند و به خودشکوفایی برسند و در حل مشکلات موقعیتی اقدام کنند و تصمیم درستی بگیرند از ضایعات روانی آنان پیشگیری می‌شود.

اصل دهم. راهنمایی و مشاوره بر نتایج تحقیقات متکی است و از آن برای شناخت و حل مشکل مراجعان بهره می‌گیرد. تحقیق لازمه پیشرفت علوم از لحاظ نظری و عملی است. نتایج تحقیقات، روشها و فنون کارآمدتر، مفیدتر و مؤثرتری را در اختیار مشاوران قرار می‌دهد. به کارگیری نتایج تحقیقات موجب می‌شود که مشاوران با اطمینان بیشتری به مشاوره بپردازند و زمینه را برای تحقیقات بیشتر آماده سازند.

نقش و صلاحیت حرفه‌ای مشاوران

مشاوره به عنوان یک حرفه تخصصی نیازمند دانش کافی، تجربه لازم و داشتن مهارتهای عملی است. گیبسون و همکاران (۱۳۷۷) سطوح آموزش و مسئولیت مشاوران را به این صورت بیان می‌کنند:

درجه علمی	سطوح آموزشی	مسئولیت
۱. کارشناسی	آموزش مشاوره و تجربه مناسب	رایزنی و ارائه اطلاعات
۲. کارشناسی ارشد	کارشناسی ارشد مشاوره	مشاوره درباره رشد و سازگاری بهنجار
۳. دکتری	دکترای مشاوره	مشاوره در مورد اختلالهای حاد شخصیتی

داشتن تجربه علمی و عملی نقش عمده‌ای در کارآمدی مشاوران دارد. مشاوران آموزش دیده و باتجربه رابطه یاورانه بهتری با مراجعان برقرارمی‌کنند و یکرنگی، همدلی و پذیرش بیشتری از خود نشان‌می‌دهند. آنان به فنون اصلاح رفتار واردند و به تناسب و بموقع از آن استفاده می‌کنند (شرتزر و استون، ۱۹۸۰). بررسی شفیع آبادی (۱۳۷۰) از صد و نود دانشجو درباره اینکه مشاور چه باید بداند، نشان داد که غیر از تعهد (۷۳ مورد)، علاقه به مشاوره (۶۱ مورد)، رازداری (۳۰ مورد)، نظم در کار (۱۸ مورد)، اکثر دانشجویان (۱۳۲ مورد) اظهار داشته‌اند که مشاور باید مشاوره بداند؛ یعنی تجربه علمی و عملی در زمینه ایجاد ارتباط یاورانه، شناخت مشکل مراجع و ارائه راه‌حل برای آن داشته باشد. شرتزر و استون (۱۹۷۴) مشاوران کارآمد و غیر کارآمد را در سه زمینه از یکدیگر متمایز می‌کنند: ۱) در نوع رابطه، ۲) در تجربه و ۳) در عوامل شخصیتی. مشاوران کارآمد رابطه عاطفی عمیقی را با

مراجعان برقرار می‌کنند و به فنون ایجاد این رابطه واردند. آنان تجربه آموزشی و عملی در مشاوره دارند و هماهنگ و همدلانه با مراجعان خود برخورد می‌کنند. از نظر شخصیتی، مشاوران، کارآمد، واقع بین، دارای برداشت مثبتی از خویشتن و دارای ارزش والای انسانی هستند.

نقش مشاوران

ابعاد نقش مشاوران گسترده است. مشاوران با افراد عادی و بهنجار سر و کار دارند. عمده‌ترین نقش مشاوران ساده سازی رشد، کمک به سازگاری، پیشگیری از مشکلات رفتاری، هدایت به رشته تحصیلی و شغلی مناسب و تشخیص و حل مشکلات موقعیتی مراجعان است. نقش مشاور در نظام جدید آموزش متوسطه عبارت است از: ۱) مشاوره تربیتی، ۲) مشاوره تحصیلی، ۳) مشاوره شغلی و ۴) اطلاع‌رسانی. بررسی نقش مشاوران در دبیرستانهای نظام جدید اهواز (دفتر تحقیق اهواز، ۱۳۷۳) نشان داد که مشاوران بیشتر به هدایت تحصیلی پرداخته و کمتر از میزان تعیین شده، فعالیت مشاوره‌ای داشته‌اند. بررسی نقش مشاوران در مدارس شهر اصفهان (احمدی، ۱۹۸۰؛ احمدی و باباگلی، ۱۳۷۴) بیانگر این است که ۱۴/۶ درصد از فعالیت مشاوران نظام جدید آموزش متوسطه به امور دفتری و اداری اختصاص داشته است. جدول ۱ فعالیت مشاوران را در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۷۴ نشان می‌دهد.

مقایسه فعالیت مشاوران در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۷۴ بیانگر این است که فعالیت مشاوران تغییر عمده‌ای نکرده و درصد بالایی از فعالیت آنان به امور اجرایی اختصاص داشته است (حدود ۲۲ درصد). مصاحبه با مشاوران نشان داد که آنان وقت کمتری برای مشاوره داشته‌اند.

نقش مشاوران به مدارس محدود نمی‌شود، بلکه آنان در مؤسسات مختلف آموزشی و درمانی این نقشها را بر عهده دارند: ۱) نقش رشدی که در آن به رشد شخصی

جدول ۱ انواع فعالیتهای مشاوران در سال ۱۳۵۸ و ۱۳۷۴ (به درصد)

نوع فعالیت	۱۳۵۸	۱۳۷۴
مشاوره فردی	۳۳/۵	۳۰
راهنمایی تحصیلی	۷/۶	۸/۵
مشورت با والدین	۸/۵	۷/۲
اجرای آزمون	۸/۶	۷
شرکت در برنامه‌ریزی مدرسه	۹/۸	۹/۶
تدریس	۶/۵	۱۰/۵
کار دفتری	۹/۸	۱۴/۶
شرکت در اداره مدرسه	۵/۷	۷/۱
مشورت با معلمان	۱۰	۵/۵

منبع: احمدی و باباگلی، ۱۳۷۴.

افراد کمک می‌کنند. ۲) نقش تسهیل‌گرانه که در آن به حل مشکلات تحصیلی، شغلی و زناشویی می‌پردازند. ۳) نقش پیشگیرانه که در آن با ارائه اطلاعات و آگاه کردن افراد از اختلالهای رفتاری پیشگیری می‌کنند. ۴) نقش آموزشی که در آن به آموزش رفتاری مراجعان و آموزش والدین برای برخورد با فرزندان می‌پردازند. ۵) نقش توانبخشی که در آن به توانبخشی شخصیتی، شغلی و سازگارانه افراد معلول می‌پردازند. ۶) مشاوره بحران که در آن به افرادی که دچار بحران جدایی، فوت یکی از بستگان و اقتصادی شده‌اند کمک می‌کنند. ۷) مشاوره اصلاحی که در آن به بازپروری افراد معتاد و اشخاصی که آسیب اجتماعی دیده‌اند می‌پردازند و ۸) مشاوره سالمندان که در آن به یاری سالمندانی می‌شتابند که در سازگاری خود با محیط و اشخاص دچار اشکال شده‌اند.

مشاوران همچنین گاهی نقش مشورتی دارند و طرف مشورت والدین، مدیران، دبیران، برنامه‌ریزان آموزشی و حرفه‌ای قرار می‌گیرند. نقش دیگر مشاوران انجام دادن تحقیق است. در این زمینه مشاوران به تحقیقات کاربردی پرداخته و روشها و فنون مختلف را به محک تجربه و عمل می‌گذارند و کارآمدی آنها را می‌سنجند.

صلاحیت حرفه‌ای مشاوران

احراز شغل مشاوره مستلزم داشتن تجربه علمی و عملی است. در بسیاری از کشورها گرفتن گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای برای مشاوران مستلزم داشتن درجه کارشناسی ارشد مشاوره است. برای احراز شغل مشاوره دست‌کم داشتن تجربه علمی و عملی در این زمینه‌ها لازم است: ۱) رابطه یاورانه، ۲) رشد و تکامل انسانی، ۳) مبانی فرهنگی، دینی و اجتماعی، ۴) فنون مشاوره، ۵) راهنمایی و مشاوره تحصیلی، ۶) راهنمایی و مشاوره شغلی، ۷) راهنمایی و مشاوره گروهی، ۸) راهنمایی و مشاوره خانواده، ۹) نظریه‌های مشاوره، ۱۰) آسیب‌شناسی روانی، ۱۱) آسیب شناسی اجتماعی، ۱۲) ارزیابی روانی، ۱۳) روش تحقیق و ۱۴) کارورزی.

نیاز به مشاور در نظام جدید آموزش متوسطه موجب شده است که از افرادی بدون تخصص مشاوره استفاده شود. ضرری را که افراد ناوارد و بدون تجربه به حرفه مشاوره وارد می‌کنند جبران ناپذیر است. صلاحیت حرفه‌ای برای احراز یک شغل تخصصی اصولاً به وسیله انجمنها و نظامهای علمی مشخص و گواهی صلاحیت داده می‌شود. مثلاً نظام پزشکی و نظام مهندسی ایران صلاحیت پزشکان و مهندسان را برای احراز شغل مربوط و انجام دادن کار در آن مشخص می‌کنند. تعیین صلاحیت مشاوران دارای این مزایاست:

۱. دست‌کم شرایط آموزشی و تجربی لازم را برای احراز شغل مشاوره مشخص می‌کند.

۲. مبنای قانونی را برای حمایت از مشاوران با صلاحیت فراهم می‌نماید.

۳. مرجع قانونی برای حمایت از مردم در برابر کسانی است که با تظاهر به دانش و داشتن تجربه آنان را فریب می‌دهند.

انجمن مشاوره ایران می‌تواند مرجع تعیین صلاحیت برای احراز شغل مشاوره باشد. انتظار می‌رود که انجمن مشاوره ایران بتواند آیین‌نامه‌ها و قوانینی را که شرایط احراز شغل مشاوره را مشخص می‌کند تدوین نماید و به تصویب مراجع ذی‌صلاح برساند و مرجعی برای حمایت قانونی از مشاوره، مشاوران و مراجعان باشد.

مشاوران در صورتی موفق خواهند بود که این خصوصیات را داشته باشند (جرج و کریستیانی، ۱۹۹۰):

۱. قادر به ایجاد و گسترش رابطه‌ای گرم و عمیق با مراجعان باشند.

۲. خود را آنگونه که واقعاً هستند نشان دهند.

۳. مسئولیت رفتار خود را بپذیرند.

۴. از ارزشها و باورهای خود، آگاهی داشته باشند.

۵. تجارب جدید علمی را بپذیرند و نسبت به آن گشاده‌رو باشند.

۶. انتظارات واقع‌بینانه‌ای داشته باشند.

به نظر کوری (۱۹۹۶) مشاوری که این ویژگیها را داشته باشد کارآمد خواهد بود.

۱. هویت خود را دریابد و بداند که توان چه کاری را دارد و از زندگی چه می‌خواهد.

۲. به خود ارزش و بها دهد.

۳. جهان درونی مراجع را درک کند.

۴. در حال، زندگی کند.

۵. برای تغییر رفتار آماده باشد و به توسعه شخصیت خود بپردازد.

۶. جدی و صادق باشد.

۷. قدرت تحمل نظریات دیگران را داشته باشد.

۸. به تأثیر فرهنگ توجه داشته باشد.

۹. به خیر دیگران اقدام کند.

۱۰. به محدودیت کار خود واقف باشد.

۱۱. شوخ طبع باشد.

۱۲. امکان اشتباه در رفتار خود را بدهد و به تصحیح آن بپردازد.

راهنمایی و مشاوره فردی

راهنمایی و مشاوره غالباً به صورت فردی صورت می‌گیرد. در راهنمایی و مشاوره فردی، مشاور با یک مراجع سر و کار دارد. مشاوره فردی یک رابطه دونفری حضوری است که در آن یک مشاور کارآزموده و با صلاحیت با مراجعی برخورد می‌کند که در تدارک رشد، سازگاری و تصمیم‌گیری است (گیبسون و میشل، ۱۳۷۷). مراجعانی که برای مشاوره فردی می‌آیند معمولاً در تصمیم‌گیری تعارض دارند و نمی‌دانند کدام راه‌حل را انتخاب کنند، افکار آنان بسته و متوقف شده است، غالباً در کار پیشرفت ندارند و می‌خواهند دور نمای زندگی خود را روشن کنند، الگوهای رفتار قدیمی را بشکنند و رفتارهای جدیدی را فرا گیرند و به راه‌حلهای تازه‌ای برسند (پترسون و همکاران، ۱۹۹۵). مشاوره فردی سه هدف عمده را دنبال می‌کند:

۱. **پیشگیری.** در مشاوره فردی تلاش می‌شود تا با ارائه اطلاعات روانشناختی و آموزش مهارتهای لازم به مراجع کمک شود تا با موقعیتهای مختلف زندگی سازگاری مناسب داشته باشد.

۲. **رشد.** مشاوره فردی به تسهیل رشد مراجع و شکوفایی استعدادها و تواناییهای او کمک می‌کند.

۳. **مداخله درمانی.** مشاوره فردی به شناخت و کشف راه‌حل برای مشکلات رفتاری مراجع می‌پردازد.

مشاوره فردی به صورتی است که

۱. رابطه دوجانبه‌ای برقرار می‌کند و فرصتی را برای تبادل نظر بین مشاور و مراجع ایجاد می‌کند.

۲. موقعیت کاملاً محرمانه‌ای را برای طرح و کشف راه‌حل مشکلات رفتاری تأمین می‌کند.

۳. موافق با توان یادگیری و درک مراجع انجام می‌شود.

۴. در شناخت و کشف راه‌حل مشکلات رفتاری به تفاوتهای فردی مراجعان توجه می‌کند.

۵. از روشهای متناسب و متنوع مداخله درمانی استفاده می‌کند.

مشاوره فردی ابتدا تغییری در ادراکات و عواطف و سپس در برداشتها و طرز فکرها و آنگاه در رفتار مراجع ایجاد می‌کند.

فرایند مشاوره فردی شامل پنج مرحله است:

مرحله اول) حضور. در این مرحله مراجع در جلسه مشاوره حضور می‌یابد، رابطه مشاوره‌ای ایجاد و مشاوره با سلام و تعارف اولیه شروع می‌شود. مشاور آرامش دارد و به صورت گرم و صمیمی مراجع را می‌پذیرد. به روابط غیر کلامی مراجع از قبیل وضعیت بدنی، اشارات بدنی و تماس چشمی توجه می‌شود. مراجعی که افسرده است معمولاً به سر و وضع خود نمی رسد. آه می‌کشد، رنگش پریده است و با مشاور تماس چشمی برقرار نمی کند. در ابتدا مراجعان نمی‌دانند از کجا شروع کنند و کمی اضطراب دارند. مشاور با پرسیدن یک سؤال باز از قبیل اینکه چه پیش آمده است؟ یا می‌توانید درباره آنچه شما را نگران کرده است صحبت کنید؟ یا آماده‌ام تا صحبتهای شما را بشنوم، جلسه مشاوره را شروع می‌کند. از سؤال بسته نیز می‌توان استفاده کرد. در سؤال بسته بهتر است از موضوعهایی سؤال شود که حاشیه‌ای و جانبی است، مثلاً کلاس چندم هستید؟ در کدام مدرسه درس می‌خوانید؟ آنگاه از مراجع سؤال باز انجام می‌گیرد؛ مثلاً مشکل شما چیست؟ از مراجع نباید سؤالهای بسته پی‌درپی نمود؛ زیرا اینگونه سؤالها او را مضطربتر می‌کند. هر چه فضای پرسش و جوّ مشاوره دوستانه و آرام پیش برود تبادل دوجانبه بیشتری صورت می‌گیرد و رابطه مشاوره‌ای راحت تر می‌شود.

مرحله دوم) درک و فهم. با ایجاد فضای مناسب مشاوره‌ای بتدریج مشاور به دنیای درونی مراجع وارد می‌شود. راجرز (۱۹۵۱) برای ایجاد فضای مناسب در رابطهٔ

مشاوره‌ای سه خصوصیت را لازم می‌داند:

۱. *هماهنگی رفتار مشاور.* مشاور در رابطه مشاوره‌ای از خود رفتاری را نشان دهد که حاکی از پیوستگی رفتاری و ثبات شخصیت اوست. او نقش بازی نمی‌کند و همان‌گونه که هست خود را نشان می‌دهد.

۲. توجه مثبت *بدون قید و شرط.* مشاور مراجع را به عنوان یک انسان باارزش می‌پذیرد و برای این پذیرش قید و شرطی ندارد. او مراجع را دارای توانائیها و استعدادهای بالقوه می‌داند و به صورت فردی مثبت می‌نگرد.

۳. *تفاهم توأم با همدلی.* مشاور به دنیای درونی مراجع وارد می‌شود و پویایی شخصیت او را می‌فهمد و احساسات درونی‌اش را درک می‌کند.

در این مرحله سعی بر آن است که از سطح ارتباط به عمق ارتباط برسند. آیوی و همکاران (۱۹۸۰) جملات اولیه‌ای را که مراجع برای بیان ادراکات، احساسات و افکار خود بیان می‌کند سطح ارتباط می‌نامند؛ مثلاً وقتی مراجع می‌گوید افسرده‌ام، او به بیان افسرده بودن خود پرداخته است. این یک رابطه سطحی است. مشاور از این مرحله می‌گذرد و می‌پرسد که منظور شما از افسردگی چیست و زیربنا، علل و حالات اساسی افسردگی را بررسی می‌کند تا به عمق ارتباط برسد. هنگام دریافت پیام مُراجع، باید به زمینهٔ پیام او نیز توجه کرد. پیامی که مراجع می‌دهد شامل محتوا و زمینه است. منظور از محتوای پیام، مطلب و موضوعی است که مراجع درباره آن صحبت می‌کند. غیر از محتوای پیام، مشاور باید به زمینهٔ خانوادگی، آموزشی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیام نیز توجه کند. مثلاً مراجعی که می‌گوید رفتار پدرم خشن است. باید توجه کرد که این پیام در چه زمینه خانوادگی و با چه زمینه تحصیلی و چه شرایط اجتماعی و فرهنگی اتفاق افتاده است.

مرحله سوم) کشف و تشخیص مشکل. مشاور در این مرحله به ارزیابی دقیق رفتار مراجع، عینی کردن آن و تشخیص مشکل می‌پردازد. در این مرحله مشاور به جمع‌آوری اطلاعات از مراجع و ارزیابی آن می‌پردازد تا بر اساس آن، تشخیص یا برچسب مناسب را برای اشکال رفتاری مراجع بیابد. روشهای جمع‌آوری اطلاعات معمولاً شامل

۱) مشاهده، ۲) مصاحبه تشخیصی، ۳) آزمونهای روانی و ۴) گزارشهای شخصی می‌شود. رفتار مراجع را هنگام مشاوره می‌توان مشاهده کرد. اگر مشاهده به صورت منظم و با برنامه انجام شود فراوانی رفتار مراجع را نشان می‌دهد. در مورد کودکان که غالباً در مصاحبه پاسخ نمی دهند از مشاهده برای تشخیص مشکل رفتاری آنان استفاده می‌شود. در مصاحبه تشخیصی، مشاور از جهت‌یابی، حالات خلقی، وضعیت ذهنی، فرایند ادراک، محتوای فکر، بصیرت و نحوه قضاوت مراجع آگاه می‌شود و وضعیت روانی او را بررسی می‌کند تا در نتیجه به نوع مشخصی از اشکالات رفتاری بر اساس ملاکهای تشخیص که در کتابهای تشخیص از قبیل *DSM* آمده است برسد. آزمونهای روانی در صورتی در مشاوره به کار می‌رود که مشاور در تشخیص به نتایج آنها نیاز داشته باشد. مثلاً در تعیین بهره هوشی یا میزان اضطراب یا حالات شخصیتی، مشاور از آزمون هوش، میزان اضطراب و شخصیت استفاده می‌کند. گزارشهای شخصی می‌تواند تصویر عینی و مشخصتری از آنچه بر فرد گذشته است و روشهایی را که برخورد با مشکلات دربرداشته است مشخص کند.

مرحله چهارم) ارائه راه‌حل. پس از تشخیص مشکل رفتاری مراجع، مشاور به تعبیر و تفسیر و ارائه راه‌حلی برای آن می‌پردازد. راه‌حلها از رویکردهای مشاوره‌ای به دست می‌آید. رویکردهای مشاوره‌ای مختلف است و از روان‌پویایی تا شناخت‌درمانی را شامل می‌شود. به نظر فرانک (۱۹۸۵) هر رویکرد مشاوره‌ای شامل چهارچوبی نظری و مجموعه‌ای از وظایف است. مثلاً رویکرد رفتاری بر نقش یادگیری در اختلالهای رفتاری تأکید دارد و وظیفه مشاور در این رویکرد عبارت است از کمک به مراجع برای تغییر رفتار از طریق یادگیری یا در رویکرد منطقی ـ رفتاری ـ عاطفی مشاور در چهارچوب نظری به اهمیت نقش عقاید غیرمنطقی بر اختلالهای عاطفی تأکید دارد. وظیفه مشاور در این رویکرد این است که به مراجع کمک کند تا عقاید غیر منطقی را شناسایی کرده و با آنها درگیر شود و آنها را تغییر داده و به صورت منطقی درآورد. در این مرحله مشاور با استفاده از رویکردها و نظریه‌های مشاوره به مراجع کمک می‌کند تا برای حل مشکل رفتاری اقدام کند. مشاور باید با فنون و روشهای

مشاوره آشنا و تجربه علمی و عملی کافی را کسب کرده باشد. کسب تجربه در زمینه فنون و روشهای مشاوره با گذراندن دروس نظری و عملی در این زمینه حاصل می‌شود.

مشاوران کشور ما باید در به کارگیری روشها و فنون مشاوره به شرایط فرهنگی واجتماعی توجه کنند و به تطابق آن روشها و فنون با وضعیت فرهنگی ـ اجتماعی جامعه بپردازند. به نظر می‌رسد بهتر است از یک روش ترکیبی مشاوره‌ای استفاده شود. در روش ترکیبی به مراجع آگاهی از خویشتن داده می‌شود، رفتار او تغییر می‌یابد و برداشتهایش اصلاح می‌شود و در ایجاد روابط دوجانبه با دیگران توفیق می‌یابد و به معنایی برای زندگی خود می‌رسد. یعنی از ترکیبی از روشهای شخص مدار، رفتاردرمانی، شناخت درمانی، واقعیت درمانی، تحلیل رفتار متقابل و معنادرمانی استفاده می‌شود.

مرحله پنجم) پایان مشاوره و پیگیری. راه‌حلهای ارائه شده در جلسات مشاوره به وسیله مراجع به اجرا گذاشته می‌شود. وقتی مراجع توانست بر مشکل خود غلبه کند و مستقلاً به سازگاری درونی و بیرونی برسد فرایند مشاوره پایان می‌پذیرد. این پایان به معنای قطع ارتباط نیست، بلکه مشاور به مراجع اعلام می‌کند که برای گوش دادن به مسائلی که ممکن است برایش پیش آید، آماده است.

راهنمایی و مشاوره گروهی

انسان موجودی اجتماعی است و معمولاً نیازهای خود را از طریق گروه برآورده می‌سازد. گروه در کسب الگوهای رفتاری، مهارتهای ارتباطی و سازگاریهای اجتماعی به فرد کمک می‌کند و فرصتی را ایجاد می‌کند تا فرد رابطه اجتماعی را تجربه کند و با تبادل نظر با اعضا و بازخورد از آنان احساس کند که مورد توجه، قبول، احترام و حمایت گروه است. کوهن و اسمیت (۱۹۷۶) گروه را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند: ۱) گروههایی برای ترغیب رشد سازمانی و حل مسأله، ۲) گروههایی برای یادگیری مهارتهای بین فردی و رهبری، ۳) گروههای رشد و ۴) گروههای درمانی.

بدین ترتیب فعالیت گروهی مشاوران در سه سطح انجام می‌پذیرد:

۱. راهنمایی گروهی. راهنمایی گروهی شامل آن دسته از فعالیتهای گروهی مشاوران است که در آن اطلاعات شخصی، تحصیلی، شغلی و اجتماعی برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری به افراد ارائه می‌شود. راهنمایی گروهی جنبه پیشگیری دارد.

۲. مشاوره گروهی. مشاوره گروهی به مراجعانی که مشکلاتی در رشد و سازگاری دارند، مهارتهای اجتماعی را نمی دانند، جرأت برای اقدام به کار ندارند و از درگیری با موقعیتهای اجتماعی فرار می‌کنند کمک می‌کند تا راه‌حلی برای آنها بیابند.

۳. گروه درمانی. گروه درمانی برای مراجعانی به کار می‌رود که مشکلات عمیق عاطفی و تبادلی دارند (گیبسون و میشل، ۱۳۷۷). در عمل این سه سطح از یکدیگر متمایز نیستند و مشاور ممکن است بر اساس سطح و عمق مشکلات مراجعان به راهنمایی، مشاوره و درمان آنان بپردازد.

مشاوره گروهی به اعضا کمک می‌کند تا ۱) با پذیرفته شدن در گروه احساس ارزش کنند. ۲) از طریق همدلی با اعضای گروه با نیازهای دیگران آشنا شوند. ۳) با ایجاد رابطه متقابل با دیگران مهارتهای اجتماعی را فرا گیرند. ۴) با بازخورد از دیگران به قبول واقعیتها برسند. ۵) از طریق تبادل نظر با دیگران راه‌حلی برای مشکلات رفتاری خود بیابند و ۶) مسئولیت رفتار خود را بر عهده گیرند (احمدی، ۱۳۷۷). گروه، نمونه کوچکی از جامعه است که در آن اعضا الگوهای مختلف رفتاری را مشاهده می‌کنند، از رفتار اجتماعی خود آگاه می‌شوند و با بازخورد از دیگران به انجام دادن رفتار تشویق می‌شوند.

فرایند مشاورهٔ گروهی شامل این مراحل است:

مرحله اول) آشنایی و شکل‌گیری گروه. در این مرحله اعضای گروه با یکدیگر آشنا می‌شوند. ابتدا اعضا کمی اضطراب دارند و احساس امنیت خاطر نمی‌کنند. مشاور به عنوان رهبر گروه نمونه‌ای از رفتار باز بودن، فعالانه گوش دادن، ابراز پذیرش و توجه مثبت و یکرنگی و همدلی را نشان می‌دهد و به اعضا کمک می‌کند تا گروه را محل امن و راحتی برای بیان احساسات و افکار خود بدانند. در این مرحله اعضا با اهداف و عملکرد و انتظارات گروه آشنا می‌شوند و نحوهٔ شرکت، زمان لازم و رفتار قابل قبول را فرا می‌گیرند.

مرحله دوم) مقاومت و انتقال. فشار گروهی از جمله مسائلی است که به هر یک از اعضای گروه برای پاسخگویی وارد می‌شود. به نظر یالوم (۱۹۸۵) در این مرحله موضوع تسلط، کنترل و قدرت مطرح می‌شود. اعضا نمی‌دانند آیا بر رفتار خود تسلط و کنترل کافی خواهند داشت و آیا قدرت بیان مسائل را دارند. ابتدا آنان در مقابل فشارهای گروهی مقاومت می‌کنند، ولی پس از اطمینان و اعتماد به سایر اعضا از مقاومت آنان کاسته می‌شود و به ابراز نظر می‌پردازند. میزان خود ابرازی اعضای گروه به اعتماد اعضای آن نسبت به یکدیگر بستگی دارد. هر چه مشاوره گروهی ادامه یابد، اعتماد متقابل اعضا بیشتر می‌شود و اعضا بیشتر تبادل نظر کرده و افکار خود را بروز می‌دهند. مشاور در این مرحله به اعضا کمک می‌کند تا اینگونه اضطرابهای اولیه و

مقاومت در اظهار نظر را طبیعی تلقی کنند و با بازخورد مناسب آنان را تشویق می‌کند تا نظر خود را بیان کنند. او محیطی را فراهم می‌کند که اعضا احساس راحتی و امنیت خاطر نمایند. شرایط تسهیل‌کنندهٔ اعتماد از قبیل تفاهم توأم با همدلی، توجه مثبت بدون قید و شرط، بی‌ریایی و خلوص برای ساده‌تر کردن روابط گروهی لازم است.

مرحله سوم) همبستگی و معیارگذاری. در این مرحله اعضای گروه به همبستگی می‌رسند و در برابر دیگران احساس مسئولیت می‌کنند. آنان در سایه احساس امنیت و اعتماد ایجاد شده به خودابرازی بیشتر می‌پردازند، قواعدی را برای ادامه کار خود مشخص می‌کنند و تجربیات خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند. در این مرحله مسائل روشنتر می‌شود و روشهای برخورد با آنها مشخص می‌گردد. ابراز نظریات مختلف و پاسخهای مثبت و منفی ممکن است باعث کندی پیشرفت گروه شود، در این صورت وظیفه مشاور این است که نظریات مختلف را در جهت شناسایی و حل مشکلات هدایت کند و اجازه ندهد که پاسخهای منفی به همبستگی گروهی خدشه وارد کند. استفاده از بازخورد در گروه می‌تواند به تقویت همبستگی کمک کند و به تبادل و ارتباط بیشتر اعضا بینجامد. وظایف مشاور را در این مرحله می‌توان به این صورت خلاصه کرد: ۱) تقویت مثبت رفتارهای مطلوب گروهی، ۲) توجه به زمینه مشترک در گروه، ۳) حمایت از اعضا برای خطرپذیری، ۴) تشویق اعضا برای به کارگیری مهارتهای اجتماعی، ۵) ارائه مدلهای مناسب برای ابراز خویشتن، ۶) تشویق افراد کناره گیر به شرکت فعال در گروه.

مرحله چهارم) عمل و اجرا. در مرحله عمل اعضای گروه تشویق می‌شوند تا رفتار و طرز فکر تازه را تجربه کنند. پس از همبستگی و ایجاد قواعد برای ادامه کار، اعضای گروه بتدریج راه‌حلها را ارائه داده و درباره آنها تبادل نظر کرده و به انتخاب راه‌حل مناسب می‌پردازند. در این مرحله اعضا سطوح بالایی از خود ابرازی، صداقت، خودجوشی و پذیرش مسئولیت را نشان می‌دهند. یالوم (۱۹۸۵) این مرحله را دوران پختگی کار گروه می‌نامد. در این دوران گروه به صورت عامل کارآمد در تغییر رفتار اعضا عمل می‌کند. مشاور در این مرحله به اعضا در انتخاب راه‌حل و اجرای آن یاری

می‌رساند و مدل مورد استفاده گروه بر اساس دیدگاه مورد نظر مشاور متفاوت خواهد بود. اگر مشاور از دیدگاه روانکاوی استفاده کند بیشتر در جهت رفع تعارضها و تصحیح تجربه‌های قبلی حرکت می‌کند و در صورتی که از روش رفتاری استفاده کند به آموزش مهارتهای اجتماعی و جرأت‌آموزی و تقویت رفتارهای سازگارانه خواهد پرداخت و چنانچه از روش شناختی استفاده کند به تصحیح برداشتها و طرز فکر اقدام خواهد کرد. در مرحله عمل طرح مورد نظر به اجرا در می‌آید و پیشرفت گروه ارزیابی و در صورت لزوم تغییراتی در آن داده می‌شود.

مرحله پنجم) اختتام کارگروه. در این مرحله زمان پایان دادن به جلسات گروهی فرا می‌رسد. پایان دادن به جلسات مشاوره گروهی زمانی مناسب است که اعضای گروه به نتایج مورد نظر خود رسیده باشند. در صورتی که نتایج مطلوب حاصل نشده باشد به اعضا اجازه داده می‌شود تا برای حصول نتیجه دوباره مراجعه کنند و به آنان کمک می‌شود تا مستقلاً به حل مشکلات بپردازند.

راهنمایی و مشاوره خانوادگی

خانواده یک گروه طبیعی اجتماعی است و اعضای آن از طریق پیوند زناشویی، همخونی و فرزندخواندگی بایکدیگر ارتباط متقابل دارند. آنان فرهنگ مشترکی را پدید می‌آورند و در واحد خاصی زندگی می‌کنند. به طور کلی می‌توان گفت خانواده این ویژگیها را داراست:

۱. *خانواده یک نظام ویژه اجتماعی است.* وابستگی و تعلق در اعضای خانواده عمیق است و فاصله، جدایی و حتی فوت، فرد را از عضویت خانواده خارج نمی‌کند.

۲. *خانواده نظامی با روابط متقابل و چندجانبه است.* هر خانواده‌ای متشکل از شخصیتهای متفاوتی است. ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر شبکه پیچیده‌ای از روابط را ایجاد می‌کند و هر خانواده‌ای ترکیب خاصی دارد.

۳. *خانواده موقعیتی دارد که نقشهای مختلف را به اعضا یاد می‌دهد.* در خانواده هر فرد چندین نقش دارد از قبیل نقش پدر، همسر، تأمین کننده زندگی و مددکار. ایفای نقشهای مختلف به یادگیری رفتارهای تازه نیاز دارد.

۴. *خانواده فرهنگ فرعی دارد.* خانواده عامل انتقال فرهنگ است و نقش عمده‌ای را در انتقال طرز فکر و ارزشها دارد و آداب و رسوم خاصی را به اعضای خود یاد می‌دهد (بلاکر، ۱۹۷۴).

خانواده را ممکن است کارآمد یا غیر کارآمد نامید. به نظر ستیر (۱۹۷۲) خانواده‌های غیرکارآمد این چنین هستند: ۱) ارزش اعضای خانواده پایین است. ۲) الگوهای ارتباط در خانواده غیرمستقیم، مبهم و غیرصادقانه است. ۳) قوانین،

سخت، ثابت و خشک است. ۴) ارتباط با جامعه ترس‌آور و توأم با سرزنش است. در مقابل در خانواده‌های کارآمد ارزش افراد بالاست، روابط، مستقیم، روشن و صادقانه است؛ قوانین انعطاف‌پذیر و انسانی است و رابطه با اجتماع باز و امیدوارکننده است. به طور کلی خانواده محل رشد و پرورش اعضاست. اگر خانواده به صورتی کارآمد عمل کند اعضای آن از نظر شخصیتی بارور می‌شوند. ممکن است خانواده عملکرد ناقصی داشته باشد و دچار آسیب شود، در این صورت اعضای آن بخوبی رشد نمی‌کنند. در اینجاست که مشاور می‌تواند به رشد خانواده، پیشگیری از بروز اختلال در عملکرد خانواده و درمان مشکلات خانوادگی کمک کند و زمینه را برای تعادل خانوادگی و حرکت آن در جهت تعالی و کمال هموار سازد.

فرایند مشاورهٔ خانوادگی شامل این مراحل است:

مرحله اول) آشنایی. اعضای خانواده پس از ورود به جلسه مشاوره در محل دلخواه می‌نشینند، سپس خود را معرفی می‌کنند. از نحوهٔ استقرار اعضا می‌توان تا اندازه‌ای سازمان خانواده را شناخت و رفتار اعضا را مشاهده کرد.

مرحله دوم) مرحله طرح مشکل. در این مرحله مشکل خانوادگی مطرح می‌شود. معمولاً آنها مشکل خود را به سه طریق مطرح می‌کنند: ۱) از طریق بیان مشکل یکی از اعضا. ۲) از طریق طرح مشکل رفتاری فرزندان و ۳) از طریق طرح مشکل زناشویی (هیلی، ۱۹۷۶). هنگام طرح مشکل باید تمام اعضای خانواده را درگیر کرد و از آنان خواست تا مشکل را بروشنی بیان کنند. در پیگیری مشکل باید تا آنجا پیش رفت که مشکل به صورت عینی روشن شود. مثلاً اگر خانواده‌ای به دلیل حالت وسواس یکی از اعضا مراجعه کرده است باید به روابط خانوادگی، سیستم ارتباطی، تقسیم قدرت، تصمیم‌گیری و تمام جوانب مشکل در شبکه ارتباطی خانواده توجه و ریشه یابی کرد تا تصویر روشنی از روابط خانوادگی به دست آید و معلوم شود که چه وقایعی زمینه‌ساز واکنش وسواس شده است.

مرحله سوم) ارزیابی و تشخیص. برای ارزیابی روابط خانوادگی شش زمینه بررسی می‌شود (مینوچین، ۱۹۷۴):

۱. ساخت خانواده و مجموعه روابط بین اعضا.

۲. انعطاف‌پذیری اعضای خانواده و اینکه خانواده تا چه اندازه پذیرای تغییر و رشد است.

۳. پیوستگی و گسستگی اعضای خانواده و اینکه اعضای خانواده تا چه اندازه به یکدیگر وابسته‌اند و استقلال عمل آنان تا چه حد است.

۴. جوّ زندگی خانوادگی و اینکه منابع حمایت و استرس در خانواده چگونه است.

۵. مراحل رشد اعضای خانواده و توجه به اینکه هر عضوی در خانواده در چه مرحله‌ای از رشد است.

۶. اشکالات در خانواده و اینکه تا چه اندازه مشکل موجود به بقا و دوام زندگی خانوادگی کمک کرده است.

پس از ارزیابی روابط خانوادگی تشخیص صورت می‌گیرد. تشخیص به معنای این است که درمانگر با وارد شدن به سیستم خانواده، اختلال در عملکرد خانواده را مشخص می‌کند. اختلال در عملکرد خانواده معمولاً وقتی بروز می‌کند که خانواده در برابر انتظارات و درخواستهای اعضا و فشارهای بیرونی از یک روش غیرکارآمد و کلیشه‌ای استفاده کند. مثلاً از روش سلطه جویی و گناه را به گردن این و آن انداختن بهره بگیرد و به دلایل رفتار و انجام دادن مسئولیتها توجه نکند و مرز بندیها را نشناسد و از روشهای مناسب برای حل‌مشکلات استفاده نکند. در این صورت تعادل خانواده به هم می‌خورد و مشکلات خانوادگی بروز می‌نماید. تشخیص در واقع به معنای پی بردن به: ۱) منظومه‌های خانواده است. ۲) مشخص کردن نقشه خانواده و شیوه ارتباط بین اعضاست. ۳) طرز برخورد خانواده با فشارهای درون خانوادگی است. ۴) مواجهه و نحوه روبه‌رو شدن خانواده با فشارهای بیرونی است. ۵) بروز مشکل در خانواده و نحوهٔ برخورد اعضا با آن است و ۶) طرز فکر خانواده در استفاده از کمک و مشاوره است.

منظومه‌های خانواده عبارتند از: ۱) منظومه زن و شوهری. ۲) منظومه والدینی و نحوه ارتباط بین والدین و فرزندان. ۳) منظومه فرزندان و نحوهٔ ارتباط بین فرزندان و ۴) منظومه نیاکان و نحوهٔ ارتباط اجداد با اعضای خانواده. در خانواده، منظومه اصلی

منظومه زن و شوهر است و خانواده باید بر محور این منظومه بچرخد.

مرحله چهارم) مرحله کشف راه‌حل. پس از تشخیص مشکل، اعضای خانواده با کمک مشاور به کشف راه‌حل می‌پردازند. مشاور برای کشف راه‌حل برای مشکلات خانوادگی از روشهای خانواده درمانی استفاده می‌کند. روشهای متداول خانواده درمانی عبارت است از:

۱. روش *ارتباطات* (ستیر، ۱۹۶۷). این روش به اصلاح روابط بین اعضای خانواده، مخصوصاً زن و شوهر می‌پردازد و الگوهای کارآمد ارتباط را آموزش می‌دهد.

۲. روش *شبکه‌ای* (پاتیسون، ۱۹۸۱). در این روش خانواده به عنوان جزئی از سیستم اجتماعی به حساب می‌آید و سعی می‌شود تا راههای ممکن و فرصتهای موجود برای حرکت خانواده در جامعه بررسی و خانواده به سمت باروری بیشتر در جامعه سوق داده شود.

۳. روش *استراتژیک* (هیلی، ۱۹۷۶). در این روش پس از مشخص شدن مشکل، دستورالعمل و راه‌حل ارائه می‌شود. دستورالعمل به‌طور دقیق و با همکاری همه اعضا طرح‌ریزی می‌شود و خانواده به انجام دادن آن برای حل مشکل می‌پردازد.

۴. روش *ساختی* (مینوچین، ۱۹۷۴). در این روش خانواده تجدید سازمان داده می‌شود و شبکه اختلال‌زای خانواده دگرگون می‌گردد.

۵. *پُست مدرنیسم*. در این روش برداشتها و دیدگاههای مختلف افراد خانواده نسبت به مشکل موجود بررسی و تلاش می‌شود تا این دیدگاهها به یکدیگر نزدیک گردد.

مرحله پنجم) مرحله پیگیری. وقتی اعضای خانواده راه‌حلی را برای مشکل خانوادگی کشف کردند و آن را به کار گرفتند و به نتیجه رسیدند مشاور قرار می‌گذارد تا خانواده را بار دیگر ببیند و به ارزیابی روند کار بپردازد.

راهنمایی و مشاوره تحصیلی

راهنمایی و مشاوره تحصیلی نوعی رابطه یاورانه فردی و گروهی است که به دانش‌آموزان در شناخت تواناییها و استعدادهایشان، شیوه یادگیری، برنامه‌ریزی، انتخاب رشته تحصیلی و حل مشکلات آموزشی و انضباطی کمک می‌کند تا بدین ترتیب آنان بتوانند تواناییهای خود را شکوفا سازند، از امکانات موجود استفاده بهینه بنمایند، مشکلات تحصیلی خود را حل کنند و با محیط آموزشی سازگار شوند. راهنمایی و مشاوره تحصیلی غالباً در موقعیتهای آموزشی صورت می‌گیرد و هدف آن افزایش رشد شخصی، ذهنی و اجتماعی دانش‌آموزان است. شرتزر (۱۳۶۶) هدف اصلی مشاوره در موقعیتهای آموزشی راکمک به دانش‌آموزان در زمینه های کشف شخصیت، تواناییها و محدودیتهای خویشتن؛ فراگیری نحوهٔ ارتباط و سازگاری با دیگران؛ توفیق در کار مدرسه؛ ادامه دادن به تحصیل؛ برنامه‌ریزی برای تعلیمات آموزشی و حرفه‌ای برای آینده و غلبه بر احساس تنهایی، خشم، ترس و عدم اطمینان می‌داند.

راهنمایی و مشاوره در موقعیتهای آموزشی با مشاوره در مراکز غیرآموزشی متفاوت است. به طور کلی راهنمایی و مشاوره در موقعیتهای آموزشی را می‌توان به این صورت خلاصه کرد (کاپوزی و گروس، ۱۹۹۱):

۱. مشاور معمولاً پیام روشنی دارد و آن اینکه به دانش‌آموزان برای یادگیری بهتر کمک کند.

۲. دانش‌آموزان در دسترسند و مشاور هر روز می‌تواند آنان را ملاقات کند.

۳. مشاور معمولاً با افراد سالم سر و کار دارد. زیرا اغلب دانش‌آموزان سالمند.

۴. مشاور با رشد دانش‌آموزان مرتبط است و کمتر با بحرانها سر و کار دارد.

۵. مشاور مورد حمایت سیستم آموزشی است.

۶. مشاور یک مشاور عمومی است و با تحصیل، خانواده، مسائل اخلاقی، انضباطی و اجتماعی دانش‌آموزان سر و کار دارد.

مشاوران در نظام جدید آموزش متوسطه در دبیرستانها خدمت می‌کنند و یکی از وظایف عمده آنان راهنمایی و مشاوره تحصیلی است. مشاوران برای اجرای این وظیفه تلاش می‌کنند که به دانش‌آموزان در این زمینه‌ها کمک کنند (کلیات نظام جدید متوسطه، ۱۳۷۲):

۱. دانش‌آموزان، اولیای آنان و کارکنان مدرسه را با اهداف و برنامه‌های راهنمایی و مشاوره و نقش مشاور آشنا کنند.

۲. با مشاوره فردی و گروهی دانش‌آموزان را با ویژگیها و توانائیهای فردی خویش آگاه کنند.

۳. با معلمان و مربیان برای شکوفایی استعداد تحصیلی دانش‌آموزان همکاری کنند.

۴. دانش‌آموزان و اولیای آنان را با آیین‌نامه‌ها، مقررات و دستورالعملهای تحصیلی آشنا کنند.

۵. دانش‌آموزان، اولیاء و کارکنان مدرسه را با نظام جدید آموزش متوسطه، رشته تحصیلی و ضوابط ورود به آنها، ارتباط رشته‌های تحصیلی با رشته‌های دانشگاهی و بازار کار آشنا کنند.

۶. اطلاعاتی در مورد امکانات تحصیلی منطقه را جمع‌آوری کنند و به دانش‌آموزان ارائه دهند.

۷. پرونده تحصیلی دانش‌آموزان را بررسی کنند و آنهایی را که به کمک نیاز دارند شناسایی نمایند.

۸. دانش‌آموزانی را که مشکلات تحصیلی و رفتاری دارند شناسایی و در حل مشکل آنان تلاش کنند.

تحصیل و فراگیری دانش برای رشد همه‌جانبه فرد ضروری است. تحصیل

مقدمه‌ای برای احراز شغل و پیشرفت اجتماعی است و به تعالی ذهنی و معنوی فرد کمک می‌کند. شکست در تحصیل به شکوفا نشدن شخصیت فرد و نرسیدن به کمال ذهنی، اجتماعی و معنوی فرد منجر می‌شود. راهنمایی و مشاوره تحصیلی به فرد کمک می‌کند تا متناسب با تواناییهای خود از امکانات موجود استفاده کند، به حل مشکلات تحصیلی خود بپردازد و با انتخاب رشته مناسب تحصیلی برای شغل آینده خود برنامه‌ریزی نماید و از شکست تحصیلی و نرسیدن به رشد اجتماعی، حرفه‌ای و معنوی پیشگیری کند.

فرایند راهنمایی و مشاوره تحصیلی شامل این مراحل است:

مرحله اول) شناخت دانش‌آموزان. برای شناخت دانش‌آموزان مشاور قدمهای زیر را برمی‌دارد:

۱. *ایجاد رابطه یاورانه و فضای پذیرش و اعتماد.* مشاور با استفاده از فنون ارتباط و ایجاد شرایط اعتماد زمینه را برای یک رابطه یاورانهٔ خوب آماده می‌کند. برای ایجاد شرایط اعتماد، مشاور به صورت هماهنگ عمل می‌کند، خلوص نیت، پذیرش مثبت و تفاهم دارد و رازدار است.

۲. *بررسی زمنیه رشد دانش‌آموزان.* توجه به میزان رشد دانش‌آموزان و مراحل آن برای راهنمایی و مشاوره تحصیلی لازم است. از هر سنی انتظار خاصی می‌رود و از یک دانش‌آموز دبستانی نمی‌توان انتظار داشت که مفاهیم تجریدی را کاملاً درک کند و قضاوت اخلاقی درستی داشته باشد. باید رشد بدنی، عاطفی، ذهنی، اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموزان ارزیابی شود و با توجه به شاخصها در هر مرحله از رشد، مشخص شود که دانش‌آموز تا چه اندازه ویژگیهای لازم و متناسب با مرحله رشد خود را داراست.

۳. *شناسایی و ارزیابی تواناییها، استعدادها و علایق دانش‌آموزان.* مشاور با مشاهدهٔ رفتار، انجام دادن مصاحبه مشاوره‌ای، انجام دادن آزمونهای روانشناختی، تواناییها، استعدادها و علایق دانش‌آموزان را می‌شناسد. شناخت این ویژگیها به او کمک می‌کند تا در برنامه‌ریزی درسی، انتخاب رشته تحصیلی و حل مشکلات تحصیلی از آنها بهره گیرد و با توجه به این خصوصیات به دانش‌آموزان در انتخاب دروس، رشته و حل مشکلات تحصیلی کمک کند.

۴. *بررسی میزان اطلاع دانش‌آموزان از مقررات آموزشی و رشته‌های تحصیلی.* آشنایی با مقررات آموزشی و رشته‌های تحصیلی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا برنامه‌ریزی درسی بهتری داشته باشند و رشته‌ای متناسب با استعداد و توان خود انتخاب کنند. مشاور ضمن بررسی میزان اطلاع دانش‌آموزان از شیوه‌های مختلف اطلاع‌رسانی برای افزایش اطلاعات آموزشی و برنامه‌ریزی از آن استفاده می‌کند. مشاور برای اطلاع‌رسانی می‌تواند از روشهای سخنرانی و سؤال و جواب، تشکیل گروهها و کارگاههای اطلاع‌رسانی، بروشورهای اطلاعات آموزشی، نوارهای ویدئویی، دیسکتهای رایانه و سی‌دی‌های حاوی اطلاعات مورد نیاز استفاده کند.

۵. *بررسی نقاط قوت و ضعف تحصیلی دانش‌آموزان.* برخی از دانش‌آموزان ممکن است توان و استعداد خوبی داشته باشند ولی به دلایلی دچار ناتوانی یادگیری شوند. این دانش‌آموزان مطالب درسی را فرا نگرفته و در درس خاصی ضعیف هستند. مشاور با شناخت نقاط ضعف این دانش‌آموزان به آنان کمک می‌کند تا با تدوین برنامه به یادگیری درس خاصی بپردازند و دروسی را که فرا نگرفته‌اند جبران کنند.

مرحله دوم) طرح برنامه درسی و هدایت تحصیلی دانش‌آموزان. مشاور در این مرحله قدمهای ذیل را بر می‌دارد:

۱. *تدوین برنامه درسی برای دانش‌آموزان.* مشاور با کمک دانش‌آموزان به تدوین برنامه درسی آنان می‌پردازد. تقدم و تأخر دروس و رعایت پیش نیاز و تدوین برنامه‌ای متناسب با یادگیریهای قبلی دانش‌آموزان از افت درسی، مشروط شدن و ناتوانی یادگیری آنان پیشگیری می‌کند. دانش‌آموزان از دوره ابتدایی تا آخر دوره راهنمایی برنامه‌ای ثابت داشته و عادت به انتخاب و برنامه‌ریزی دروس نکرده‌اند. بنابراین در دبیرستان دچار مشکل می‌شوند. مشاور به دانش‌آموزان دبیرستانی در تدوین برنامه‌ای مناسب و رضایتبخش کمک می‌کند تا از اتلاف وقت و توان آنان پیشگیری شود.

۲. *هدایت تحصیلی دانش‌آموزان.* مشاور، دانش‌آموزان را به مناسب‌ترین شاخه یا رشته تحصیلی بر اساس استعداد و علاقه آنان و به تناسب امکانات و نیاز کشور هدایت می‌کند. ملاکهای هدایت تحصیلی به این شرح است (آیین‌نامه آموزشی دوره

سه ساله متوسطه، ۱۳۷۸): الف) نمرات دوره راهنمایی تحصیلی و پایه اول متوسطه دانش‌آموز (۵۰ امتیاز) و ب) نظر مشاور بر اساس بررسیهای مشاوره‌ای (۵۰ امتیاز). امتیاز معدل به این صورت به دست می‌آید که معدل کل دروس اختصاصی مربوط به هر رشته در دوره راهنمایی و پایه اول متوسطه او محاسبه و در ۲/۵ ضرب می‌شود تا امتیاز نمرات به دست آید. مثلاً دانش‌آموزی که معدل کل دوره راهنمایی و پایه اول متوسطه او ۱۵ باشد و در ۲/۵ ضرب شود امتیاز معدل او ۳۷/۵ خواهد شد. بررسیهای مشاوره‌ای که ملاک ۵۰ امتیاز مشاور است به این صورت به دست می‌آید: ۱) نظر اولیای دانش‌آموز ۵ امتیاز، ۲) نظر دانش‌آموز ۵ امتیاز، ۳) نظر دبیران دروس مختلف ۱۰ امتیاز، ۴) نتایج آزمونهای رغبت و استعداد ۲۰ امتیاز و ۵) نظر مشاور بر اساس بررسی پرونده تربیتی ـ تحصیلی ۱۰ امتیاز. ضوابط مربوط به نمرات درسی رشته‌ها و شاخه‌های مختلف تحصیلی به این صورت است (آیین‌نامه دوره سه ساله متوسطه، ۱۳۷۸):

۱. رشته ریاضی فیزیک: مجموع سه نمره هر یک از دروس ریاضی و علوم تجربی در سه پایه دوره راهنمایی بدون ضریب کمتر از ۳۰ نباشد. نمره درس ریاضی(۱) دست‌کم ۱۲ و درس فیزیک و آزمایشگاه دست‌کم ۱۰ باشد و مجموع نمرات دروس مرتبط با رشته در دوره راهنمایی و پایه اول متوسطه دست‌کم ۹۶ باشد.

۲. رشته علوم تجربی: مجموع سه نمره هر یک از دروس ریاضی و علوم تجربی در سه پایه دوره راهنمایی بدون ضریب کمتر از ۳۰ نباشد. درس ریاضی (۱)، شیمی و آزمایشگاه (۱) و علوم زیستی و بهداشت را دست‌کم با ۱۰ گذرانده باشد و دست‌کم در یکی از این دروس نمره ۱۲ گرفته باشد مجموع نمرات مرتبط با رشته در دوره راهنمایی و پایه اول متوسطه باید دست‌کم ۱۰۸ باشد.

۳. رشته ادبیات و علوم انسانی: مجموع سه نمره هر یک از دروس ادبیات فارسی (معدل دروس فارسی، دستور،املا وانشا) و عربی در سه پایه راهنمایی بدون ضریب کمتر از ۳۰ نباشد. نمره دروس ادبیات فارسی (۱)، زبان فارسی (۱)، عربی (۱) و مطالعات اجتماعی اول متوسطه دست‌کم ۱۰ و معدل نمره دروس ادبیات فارسی (۱) و زبان فارسی (۱) دست‌کم ۱۲ باشد و مجموع نمرات دروس مرتبط با رشته در دوره

راهنمایی و اول متوسطه دست‌کم ۱۰۸ باشد.

۴. رشته علوم و معارف اسلامی: مجموع سه نمره هر یک از دروس ادبیات فارسی (معدل دروس فارسی، دستور، املا و انشا) و عربی در سه پایه در دوره راهنمایی بدون ضریب کمتر از ۳۰ نباشد. نمره دروس ادبیات فارسی (۱)، زبان فارسی (۱)، عربی(۱) و تعلیمات دینی و قرآن (۱) دست‌کم ۱۰ و دست‌کم در یکی از دروس عربی یا تعلیمات دینی و قرآن (۱) نمره ۱۲ گرفته باشد و مجموع نمرات دروس در دوره راهنمایی و سال اول متوسطه دست‌کم ۱۰۸ باشد.

۵. شاخه فنی و حرفه‌ای: مجموع سه نمره هر یک از دروس ریاضی، علوم تجربی و حرفه و فن در پایه راهنمایی بدون ضریب کمتر از ۳۰ نباشد. در دوره متوسطه دروس ریاضی (۱) و کارگاه خوداتکایی را در صورت انتخاب دست‌کم با نمره ۱۰ گذرانده باشد و مجموع نمرات دروس مرتبط با شاخه در دوره راهنمایی و پایه اول متوسطه دست‌کم ۱۳۲ و در صورت انتخاب نکردن درس کارگاه خوداتکایی ۱۲۰ باشد.

۶. شاخه کار دانش: مجموع سه نمره در هر یک از دروس حرفه‌وفن و هنر در سه پایه دوره راهنمایی بدون ضریب کمتر از ۳۰ نباشد. در دوره متوسطه نمره کارگاه خوداتکایی در صورت انتخاب دست‌کم ۱۰ باشد و مجموع نمرات دروس مرتبط با شاخه در دوره راهنمایی و پایه اول متوسطه در صورت انتخاب درس کارگاه خوداتکایی دست‌کم ۷۰ و در صورت عدم انتخاب درس دست‌کم ۶۰ باشد. دانش‌آموزان برای ورود به هر یک از رشته‌های مهارتی در شاخه کار دانش علاوه بر احراز شرایط فوق باید ضوابط خاص رشته را که دفتر کار دانش و آموزشهای مهارتی با هماهنگی دفتر مشاوره و بهداشت تعیین می‌کنند کسب کنند.

مشاور بر اساس امتیازهای کسب شده و شرایط ورود به شاخه‌ها اولویتهای پیشنهادی خود را در فرم شماره یک تحصیلی وارد می‌کند و در اختیار دانش‌آموز قرار می‌دهد. شایان ذکر است که اولویتها پیشنهادی است و انتخاب آنها با خود دانش‌آموزان است.

۳. *کمک به انتخاب و تصمیم‌گیری دانش‌آموزان.* تصمیم گیری و انتخاب آموختنی است. مشاور فرایند تصمیم‌گیری و انتخاب را به دانش‌آموزان آموزش می‌دهد. در این

فرایند دانش‌آموزان به موقعیت اجتماعی ـ خانوادگی و اقتصادی خود توجه و رشته‌های مختلف تحصیلی را بررسی می‌کنند و در انتخاب رشته به سه جنبهٔ عملی بودن، تأثیر آن بر زندگی خود و مفید بودن آن توجه می‌کنند و رشته‌ای را که عملی‌تر، مؤثرتر و مفیدتر است انتخاب می‌کنند.

مرحله سوم) شناخت مشکلات رفتاری دانش‌آموزان و ارتباط آنها با تحصیل و کمک به حل آنها. برخی از دانش‌آموزان دچار اضطراب یا ترس مرضی‌اند یا رفتارهای ایذایی و پرخاشگرانه دارند یا خجالتی و مردم گریزند و یا بیش فعالند. دانش‌آموزانی که در اظهار نظر اشکال دارند یا اضطراب از امتحان دارند در کلاس سؤال نمی‌کنند یا نمی‌توانند در امتحان به سؤالها پاسخ دهند در نتیجه درس را فرا نمی‌گیرند و نمره مطلوبی کسب نمی‌کنند و افت تحصیلی می‌یابند. مشاور در شناخت مشکلات عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان و کمک به حل آنها از مشاوره فردی، گروهی و خانوادگی استفاده می‌کند.

مرحله چهارم) مشورت با اولیاء، مدیران و معلمان برای تسهیل یادگیری دانش‌آموزان. مشاور در هنگام مشورت با والدین الف) مرحله رشد فرزندان را برای آنان بیان می‌کند، ب) رفتار فرزندان را برای آنان تشریح می‌کند و توضیح می‌دهد که چگونه رفتار یادگرفته شده است، ج) نتایج ارزیابیهای خود را در مورد فرزندان با آنان در میان می‌گذارد، د) به آنان کمک می‌کند تا رشته تحصیلی مناسبی را از فرزندان خود انتظار داشته باشند و ه) ارجاع آنان را به مؤسسات مربوط ساده می‌کند.

مشاور در مشورت با معلمان می‌تواند به آنان در این زمینه‌ها کمک کند: ۱) به آنان کمک می‌کند تا خود را واقع بینانه بنگرند، ۲) جنبه‌های مثبت و منفی رفتار خود را در نظر بگیرند، ۳) از جریانهای اجتماعی در کلاس آگاه باشند، ۴) به تغییر رفتار دانش‌آموزان و تبادل نظر با آنان بپردازند، ۵) فضای تهدید و اضطراب را در کلاس تقلیل دهند و ۶) با اولیاء مدرسه و خانه برای کمک به دانش‌آموز همکاری کنند.

در مشورت با مدیران، مشاور می‌تواند به آنان کمک کند تا الف) زمینه‌ای را برای تبادل بیشتر کارکنان و ایجاد فضای باز آموزشی فراهم سازند، ب) با ایجاد کمیته مشورتی در طرح و رفع مشکلات آموزشی بکوشند، ج) در تنظیم برنامه از کمک

همکاران استفاده کنند، د) با ایجاد برنامه‌های کمکی به رفع مشکل عقب ماندگی تحصیلی دانش‌آموزان بپردازد و ه) برای ارتباط بیشتر خانه و مدرسه اقدام کنند.

مرحله پنجم) پیگیری نتایج. در این مرحله مشاور نتایج به دست آمده از ارزیابیها، هدایت تحصیلی، راه‌حلهای انتخاب شده برای تعیین رشته تحصیلی و حل مشکلات عاطفی ـ رفتاری و مشورت با اولیای خانه و مدرسه را پیگیری می‌کند تا در صورت ناصواب بودن نتایج، روش خود را تغییر دهد. پیگیری نتایج به مشاوران در تأیید یا رد دیدگاهها، روشها و فنون مورد استفاده خود کمک می‌کند. پیگیری و ارزشیابی کارهای انجام شده به بهبود روشها، تکمیل فنون و ابداع راه‌حلهای جدید می‌انجامد.

راهنمایی و مشاوره شغلی

راهنمایی و مشاوره شغلی فرایندی بین فردی و دوجانبه است که برای کمک به رشد حرفه‌ای فرد طراحی شده است. رشد حرفه‌ای شامل فرایند انتخاب، ورود، سازگاری و پیشرفت در یک شغل است (براون و بروکز، ۱۹۹۱). راهنمایی و مشاوره شغلی فرایندی پویاست که در آن اطلاعات لازم در مورد خصوصیت فردی و دنیای کار در دسترس مراجع قرار می‌گیرد تا بر اساس این اطلاعات، وی تصویر روشن و مشخصی از خود و میزان انطباق ویژگیهای خویش با فرصتهای شغلی کسب کند و با کمک مشاور، اطلاعات به دست آمده را تجزیه و تحلیل و شغل مناسبی را انتخاب کند (ساویکاس و والش، ۱۹۹۶). راهنمایی و مشاوره برای رسیدن به این اهداف است (برامر و همکاران، ۱۹۸۹):

۱. کمک به افراد برای افزایش خودشناسی، شناخت محیط کار و عواملی که بر انتخابها و طرحهای شغلی تأثیر دارد.

۲. کمک به افراد تا انتخابها و تصمیم‌گیریهای خود را با فرایند رشد مرتبط کنند.

۳. کمک به افراد تا خود را برای انتخاب شیوه زندگی خویش توانمند بدانند.

۴. دادن اطلاعات لازم به افراد درباره مشاغل و جابه‌جایی در آن.

۵. آشنا کردن افراد با این موضوع که انتخاب شغل بر سایر جنبه‌های زندگی تأثیر می‌گذارد.

۶. کمک به افراد برای افزایش مهارتهای سازگارانه در هنگام احراز شغل و مواجهه با تغییرات در آن.

انتخاب شغل فرایند پیچیده‌ای است که بر آن عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. راهنمایی و مشاوره شغلی نیاز به داشتن مهارتهای لازم برای شناخت افراد، اطلاع‌رسانی، کمک به تصمیم‌گیری و آموزش مهارتهای سازگارانه دارد. برای راهنمایی و مشاوره شغلی لازم است مشاور دانش و مهارتهای زیر را داشته باشد (براون و بروکز، ۱۹۹۱):

۱. مهارتهای عمومی مشاوره شامل دانستن مهارتهای ایجاد ارتباط و تئوریهای مشاوره.

۲. توانایی استفاده از مهارتهای مشاوره‌ای برای کمک به افراد در رشد حرفه‌ای.

۳. توانایی برای افزایش آگاهی فرد نسبت به عوامل فردی از قبیل علایق، استعدادها و ارزشها و به‌کارگیری آنها در مشاوره شغلی.

۴. توانایی کمک به افراد در تشخیص دیدگاههای کلیشه‌ای خویشتن درباره مشاغل و کمک به آنان برای غلبه بر این دیدگاهها.

۵. توانایی کمک به افراد در تشخیص نقشهای مختلف در زندگی خویش و تأثیر آنها برفرایند تصمیم‌گیری شغلی.

۶. توانایی کمک به افراد برای اصلاح فرایند تصمیم‌گیری خویش.

۷. داشتن اطلاع و آگاهی درباره الف) بازار کار، گرایشهای آموزشی و استخدامی و اطلاعات شغلی، ب) مفاهیم اساسی در مورد رشد حرفه‌ای، ج) تئوریهای رشد حرفه‌ای و تصمیم‌گیری، د) منابع و فنونی که در گروههای خاص از آنها استفاده می‌شود، ه) سیستمهای افزایش، ذخیره سازی و به‌کارگیری اطلاعات شغلی، و) تغییر در نقش مردان و زنان و تأثیر نقشها در زندگی.

۸. توانایی ارزیابی علایق، استعدادها، ارزشها و صفات شخصیتی افراد.

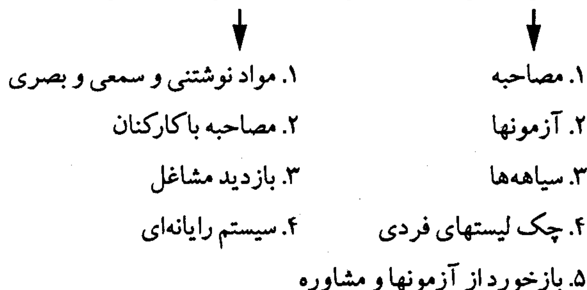
۹. توانایی تشخیص منابع ارزیابی برای افراد مختلف.

۱۰. توانایی اندازه‌گیری، اجرا و تفسیر طرحهای ارزیابی.

۱۱. توانایی کمک به افراد برای ارزیابی شخصی از کیفیت زندگی و محیط کار خویش.

سالومون (۱۹۸۸) با توجه به دیدگاه پارسونز به سه مرحله در فرایند راهنمایی و مشاوره شغلی اشاره می‌کند. این سه مرحله شامل ۱)کشف خویشتن، ۲)کشف دنیای کار و ۳) هماهنگی بین خصوصیات خویش و دنیای کار است. سالومون دو مرحلهٔ تکمیل تصمیم‌گیریهای تحصیلی و شغلی و سازگاری با محیط جدیدکار را به آن اضافه می‌کند. براون و بروکز (۱۹۹۱) فرایند راهنمایی و مشاوره شغلی را به صورت نمودار ذیل ارائه می‌دهند.

ایجاد ارتباط مراجع ← ارزیابی شخصی در رابطه با شغل ← کشف مشاغل ← هماهنگی اطلاعات و انتخاب شغل



فرایند راهنمایی و مشاوره شغلی مستلزم این است که مشاور شناخت کافی از ویژگیهای مراجع به دست آورد و اطلاعات لازمی از مشاغل و شرایط آن داشته باشد. آنگاه تلاش کند تا مراجع به شغلی که متناسب با ویژگیهای اوست هدایت شود. راهنمایی و مشاوره شغلی شامل این مراحل است:

مرحله اول) ارتباط اولیه. با ورود مراجع رابطه مشاوره‌ای آغاز می‌شود. فضای گرم و پذیرش مثبت باعث می‌شود تا مراجع احساس راحتی کند و به بیان خواسته‌های خود بپردازد.

مرحله دوم) ارزیابی علایق، استعدادها و خصوصیات شخصیتی مراجع. بررسی علایق مراجع برای مشاوره شغلی لازم است؛ زیرا بین علایق و انتخاب مناسب شغل رابطه مثبتی وجود دارد. مراجع ممکن است علایق خود را در جریان مشاوره ابراز دارد یا اینکه با انجام دادن شغل خاصی علایق خود را نشان دهد که آن را می‌توان از طریق آزمونهای علایق ارزیابی کرد. پس از بررسی علایق، مشاور به ارزیابی استعدادهای

مراجع می‌پردازد. ارزشهای مراجع را نیز می‌توان ارزیابی و از طریق آزمون ارزشها سنجید. همچنین ویژگیهای شخصیتی مراجع با آزمونهای شخصیت ارزیابی می‌شود. برخی از آزمونها در ایران استاندارد شده و از آنها استفاده می‌شود. از جمله می‌توان به آزمون رغبت هالند، آزمون هوش وکسلر، آزمون هوش ریون، آزمون ارزشهای هال، لیندزی، آزمون ۱۶ عاملی شخصیت کتل اشاره کرد.

مرحله سوم) اطلاع از دنیای مشاغل. راهنمایی و مشاوره شغلی مستلزم داشتن اطلاعات شغلی است. در ارائه اطلاعات شغلی باید به ۱) وقت و حوصله مراجع، ۲) اطمینان از آمادگی مراجع، ۳) جلب همکاری مراجع، ۴) عینی بودن اطلاعات و ۵) اطمینان از درک اطلاعات توجه کرد (شفیع آبادی، ۱۳۷۸). برای کسب اطلاع از جهان کار می‌توان از منابع اطلاع‌رسانی استفاده نمود. منابع اطلاع‌رسانی شغلی متعدد است که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱) کتابهای اطلاعات شغلی، ۲) بروشورهای شغلی، ۳) گفت و شنودها، ۴) بازدید از کارگاهها، ۵) فیلم و اسلاید مربوط به مشاغل، ۶) فیلمهای ویدئویی، ۷) دیسکتهای رایانه‌ای، ۸) سی‌دی‌های رایانه‌ای و ۹) اینترنت مرتبط با مشاغل. در اطلاعات شغلی به مراجع اطلاعاتی در این زمینه‌ها داده می‌شود: تعریف شغل، خصوصیات بدنی و ذهنی لازم برای احراز شغل، شرایط حاکم بر محیط شغل، مدرک تحصیلی لازم برای احراز شغل، محل احتمالی استخدام، حقوق و مزایا و شرایط ارتقا، وسایل مورد نیاز و وظایف مرتبط با شغل.

مرحله چهارم) کمک به تصمیم‌گیری و انتخاب شغل. پس از شناسایی علایق و استعدادها و صفات شخصیتی مراجع و اطلاع از دنیای مشاغل، مشاور به مراجع کمک می‌کند تا با توجه به ویژگیهای خویش و شرایط کار به انتخاب شغل بپردازد. تصمیم‌گیری، فرایندی آموختنی و شامل مقدمات تصمیم‌گیری، انتخاب و ارزشیابی است. در مقدمات تصمیم‌گیری ابتدا موقعیت، شناسایی و بررسی می‌شود، آنگاه مسأله مورد نظر به صورت عملی و عینی تعریف و راه‌حلهای مختلف ارائه می‌گردد. در مورد انتخاب شغل لازم است مراجع موقعیت شخصی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی خویش را بررسی کند؛ آنگاه مشخص کند که دنبال چیست و می‌خواهد چه شغلی داشته باشد. سپس با توجه به

ویژگیهای شخصی خود و امکانات و شرایط کار مشخص کند که چه کاری را می‌تواند انجام دهد و امکان چه کارهایی برای او وجود دارد و کارهایی را که برای او امکان دارد و توان انجام دادن آنها را هم دارد در نظر بگیرد. مراجع پس از گذر از این مقدمات به انتخاب شغل می‌پردازد. در انتخاب شغل باید به عملی بودن، مفید بودن و مؤثر بودن آن شغل توجه داشت. انتخاب شغلی که عملی و مفید نیست جلو بازدهی فرد را می‌گیرد. مشاور به مراجع کمک می‌کند تا شغلی را که عملی، مفید و مؤثر است انتخاب کند.

مرحله پنجم) کمک به سازگاری مراجع با محیط کار. ورود به شغل گاهی با فشار همراه است. داشتن مهارتهای اجتماعی و ارتباطی در محیط کار لازم است. مشاور به مراجع کمک می‌کند تا با فشارهای ناشی از احراز شغل مقابله کند. همچنین وی مهارتهای اجتماعی و ارتباطی را به مراجع یاد می‌دهد تا بتواند رابطه انسانی مناسبی داشته باشد. کمک به مراجع برای کسب مهارتهای شغلی، استفاده از آموزشهای ضمن خدمت و تلاش در کسب تجربیات جدید به سازگاری بیشتر مراجع با محیط کار می‌انجامد.

مرحله ششم) ارزشیابی انتخاب شغل و پیامدهای آن. پس از انتخاب شغل، مشاور به مراجع کمک می‌کند تا به ارزشیابی انتخاب خود بپردازد. در ارزشیابی اگر بین انتظارات مورد نظر و واقعیت موجود هماهنگی وجود داشته باشد و به رضایت شغلی بینجامد، مشاوره شغلی کامل شده است. گاهی مراجع پس از احراز شغل می‌بیند که شغل انتخاب شده آنگونه که انتظار داشته است نیست یعنی بین انتظارات مورد نظر و واقعیت موجود در شغل هماهنگی وجود ندارد. در این صورت مشاوره شغلی ادامه می‌یابد و به مراجع کمک می‌شود تا با تغییر شغل یا یادگیری مهارتها و آموزش بیشتر به تطابق با شغل و رضایت در آن برسد.

راهنمایی و مشاوره توانبخشی

در ابتدا فعالیتهای توانبخشی به ناتوانـاییهای بدنی محدود بود، ولی اکنون شامل ناتوانا ییهای ذهنی، عاطفی، رفتاری و اجتماعی نیز می‌شود. هدف توانبخشی، بالا بردن کیفیت زندگی افراد ناتوان است. این افراد چندین مشکل مشترک دارند:

اول. مشکلاتی که بر حوزه شخصی فرد ناتوان تأثیر مـی‌گذارد و عبارتند از: ۱) تخریب تصویر بدنی، ۲) خودپنداره پایین، ۳) فقدان انگیزه، ۴) از دست دادن کنترل، ۵) از دست دادن منابع پاداش و لذت، ۶) افسردگی، ۷) اشکال در پذیرفتن و سازگاری با ناتوانی، ۸) از دست دادن استقلال بدنی و اقتصادی، ۹) ناتوانی در دسترسی به محیط و ۱۰) شرکت نکردن در برنامه‌های توانبخشی.

دوم. مشکلاتی که بر حوزه تبادل بین فرد ناتوان با دیگران اثر می‌گذارد. این مشکلات عبارتند از: ۱) وابستگی (دارویی، روانی،اجتماعی و اقتصادی)، ۲) تغییر در پویایی خانواده و روابط بین اعضا، ۳) به هم ریختگی زندگی اجتماعی، ۴) نگرش منفی نسبت به ناتوانی، ۵) کناره گیری از برخوردهای اجتماعی، ۶) ناتوانی در ایفای نقشهای اجتماعی و حرفه‌ای و ۷) فقدان مهارتهای مناسب اجتماعی (کاپوزی و گروس، ۱۹۹۱).

افراد ناتوان با موانع زیادی مواجهند. آنان باید یاد بگیرند که چگونه با توجه به محدودیتهای شخصی خود با مردم و با زندگی سازگار شوند. برای فرد ناتوان سازگاری با محیط بسیار سخت و گاهی توأم با تعارض است. متأسفانه برخی از افراد نگرش مثبتی نسبت به فرد ناتوان ندارند. در حالی که فرد ناتوان مانند سایر افراد می‌خواهد احساس ارزش کند، فردی مفید باشد و از زندگی لذت ببرد. در مورد فرد ناتوان باید به خاطر

داشت که الف) ابتدا انسان و سپس ناتوان است، ب) نیازهایی مانند سایر افراد دارد، ج) حقوقی مانند سایرین دارد، د) می‌خواهد مانند سایرین زندگی کند، ه) از تماس اجتماعی لذت می‌برد، و) می‌خواهد در زندگی مستقل باشد (بوسکاگلیا، ۱۹۷۵). بنابراین غیر از ناتوانی که محدودیتهایی را برای فرد ایجاد می‌کند، فرد ناتوان قابلیتها و توانمندیهای زیادی دارد که باید ارزیابی و در جهت مثبت بارور شود.

راهنمایی و مشاوره توانبخشی برای کمک به افراد ناتوان انجام می‌گیرد و فرایندی است که در طول زندگی به یاری افراد ناتوان می‌شتابد و به آنان در غلبه برنارساییها، تغییر نگرشها، اصلاح رفتار، سازگاری با محیط، کسب مهارتهای اجتماعی و شغلی و حرکت در جهت استقلال فردی و اقتصادی کمک می‌کند. راهنمایی و مشاوره توانبخشی پس از ایجاد رابطهٔ حمایتی ـ تشخیصی با فرد ناتوان به او کمک می‌کند تا از خدمات درمانی، اجتماعی و شغلی بهره‌مند شود. نقش مشاور توانبخشی پیچیده و شامل دامنه وسیعی از خدمات روانشناختی و شغلی است. مشاور توانبخشی معمولاً در این زمینه‌ها حرکت می‌کند: ۱) برقراری ارتباط، ۲) مشاوره فردی برای کمک به فرد در مواجهه با ناتوانی، ۳) مشاهده و ارزیابی میزان ناتوانی، ۴) شناخت تواناییها، ۵) آموزش مهارتهای اجتماعی، ۶) تجزیه و تحلیل شغلی و ۷) کارگماری و جایگزینی شغلی (گیبسون و میشل، ۱۳۷۷).

راهنمایی و مشاوره توانبخشی فعالیتی چندجانبه است و مشاور با فرد ناتوان، خانواده و جامعهٔ او درگیر است. توانبخشی فرد ناتوان بدون حمایت خانواده،جامعه و افراد مسئول عملی نیست. راهنمایی و مشاوره توانبخشی شامل این مراحل است:

مرحله اول) راهنمایی و توانبخشی فرد ناتوان. مشاور به فرد ناتوان در این موارد کمک می‌کند:

۱. تغییر *دادن انتظارات بدنی*. به فرد ناتوان باید کمک کرد تا به محدودیتهای بدنی خود توجه کند و پذیرای آنها باشد. برای کسانی که ازهنگام تولد ناتوان بوده‌اند پذیرش محدودیتها ساده‌تر است. کسانی که بر اثر حوادث ناتوان شده‌اند، ابتدا دچار شوک روانی و غافلگیر می‌شوند، آنگاه انتظار بهبودی دارند و تأسف می‌خورند و

بتدریج به مرحله سازگاری می‌رسند. اگر آنان ناتوانی خود را بپذیرند بهتر با خود و زندگی سازگار می‌شوند.

۲. *تغییر سیستم ارزشی.* برخی از افراد ناتوان احساس حقارت می‌کنند و نوعی ترس توأم با خصومت دارند. مشاور به این افراد کمک می‌کند تا احساس ارزش کنند. این کار با ایجاد رابطه توأم با اعتماد با فرد ناتوان ایجاد می‌شود.

۳. *توانبخشی حسی ـ حرکتی.* مشاور فرد ناتوان را تشویق می‌کند تا توانمندیهای خود را به کار گیرد. اعضا و اندام اگر به حرکت در نیایند و کاری انجام ندهند ناتوانتر می‌شوند. مشاور می‌تواند از خدمات مختلف توانبخشی حسی ـ حرکتی در جامعه برای کمک به فرد ناتوان بهره ببرد.

۴. *توانبخشی شخصیتی ـ رفتاری.* مشاور برای توانبخشی شخصیتی ـ رفتاری فرد ناتوان به آموزش روشهای تغییر رفتار، مهارتهای سازگارانه، مهارتهای اجتماعی، مهارتهای جرأت‌آموزی، تغییر طرز فکرها می‌پردازد. فرد ناتوان نباید خود را از فعالیتهای روزمره دور نگه دارد. مطمئناً یادگیری برخی از این مهارتها ممکن است برای فرد ناتوان وقتگیر و پرزحمت باشد. با وجود این نتیجه حاصل از یادگیری مهارتها مطمئناً برای فرد ناتوان لذت بخش بوده و رضایت خاطر او را جلب خواهد کرد.

۵. *برخورد با مشکلات رفتاری.* فرد ناتوان ممکن است مانند سایر افراد جامعه دچار افسردگی، اضطراب و وسواس شود. نباید مشکلات رفتاری آنان را صرفاً ناشی از ناتوانی دانست. باید با این مشکلات همانند مشکلات سایر افراد برخورد کرد. مشاور در این مورد به شناخت مشکلات رفتاری می‌پردازد و راههای مواجهه با آنها را می‌یابد و به فرد ناتوان آموزش می‌دهد و در صورت لزوم آنان را به سایر متخصصان ارجاع می‌دهد.

مرحله دوم) راهنمایی و مشاوره توانبخشی خانوادگی. توانبخشیِ خانوادهٔ فرد ناتوان می‌تواند به صورت حمایتی، دادن اطلاعات و آموزشی باشد. وجود فرزند ناتوان فشار زیادی را بر خانواده وارد می‌کند و ممکن است خانواده احساس گناه کند، افسرده شود، از آینده ناامید شود و در نتیجه از فرزند ناتوان خود به طور افراطی حمایت کند. در این صورت اولین وظیفه مشاور کمک به خانواده است تا با این احساسات منفی

روبه‌رو شود. وقتی پدر و مادر مورد حمایت عاطفی قرار گیرند و احساسات آنان درک شود، بتدریج بر این احساسات غلبه می‌کنند. مشاور می‌تواند اطلاعاتی در مورد مشکل موجود به آنان داده و نحوه برخورد با فرزند ناتوان را به آنان آموزش دهد. مشاور، اطلاعات لازم را در مورد سطوح ناتوانی و توانمندیهای بالقوه و امکانات محیطی به خانواده می‌دهد. هر چه والدین اطلاعات دقیقتری در رابطه با ناتوانی فرزند خود داشته باشند انتظارات واقع بینانه‌تری از او خواهند داشت. اطلاع از امکانات محیطی به والدین کمک می‌کند تا از شرایط موجود برای کمک به رشد ذهنی، اجتماعی و حرفه‌ای فرزند خود استفاده کنند. مشاور می‌تواند به والدین روشهای تغییر و اصلاح رفتار را آموزش دهد تا از آن روشها برای تغییر و اصلاح رفتار فرزند ناتوان خود استفاده کنند.

مرحله سوم) راهنمایی و مشاوره توانبخشی شغلی. یکی از مسائل مهم در توانبخشی، کمک به اشتغال افراد ناتوان است. افراد ناتوان در اشتغال خود با موانعی از این قبیل مواجهند: ۱) طرز تلقی منفی جامعه نسبت به اشتغال آنان، ۲) نگرش منفی خود افراد ناتوان و خانواده آنان نسبت به اشتغالشان، ۳) مقاومت کارفرمایان در پذیرش آنان و ۴) نبودن قوانین حمایتی برای اشتغال آنان. مشاور برای توانبخشی شغلی افراد ناتوان این قدمها را بر می‌دارد.

۱. *ارزیابی توانمندیهای شغلی افراد ناتوان.* مشاور در اولین قدم به ارزیابی توانمندیهای شغلی افراد ناتوان می‌پردازد. این ارزیابی شامل ارزیابی توان بدنی، ذهنی، علایق و نگرش این افراد می‌شود. نتیجه این ارزیابیها نگرش فرد ناتوان و خانواده او را نسبت به توانمندیهای فرد ناتوان تغییر می‌دهد و انگیزه‌ای برای به کارگیری آن توانمندیها می‌شود.

۲. *ارائه اطلاعات شغلی.* به افراد ناتوان مانند سایر افراد اطلاعات شغلی داده می‌شود. اطلاع از مشاغل مختلف به فرد ناتوان کمک می‌کند تا میزان علاقه، توان انجام دادن کار و انگیزه خود را در رابطه با مشاغل مختلف بررسی کند و متمایل به انجام دادن شغل خاصی شود.

۳. *کمک به فرد ناتوان برای کسب مهارتهای شغلی.* به فرد ناتوان باید کمک شود

تا آمادگی شغلی یابد. مشاور به فرد ناتوان کمک می‌کند تا مهارتهای لازم را برای اشتغال به کار کسب کند. وی استفاده از امکانات خانوادگی، دولتی و ملی را تسهیل می‌کند و به شناسایی منابع موجود در جامعه می‌پردازد و از آن منابع برای آماده کردن افراد ناتوان کمک می‌گیرد.

۴. کمک به *فرد ناتوان برای انتخاب شغل*. مشاور پس از اطلاع‌رسانی و کسب مهارتهای شغلی به فرد ناتوان کمک می‌کند تا شغل مناسبی را انتخاب کند. برخی از افراد ناتوان از جمله آنان که دچار عقب ماندگی ذهنی‌اند ممکن است نتوانند به صورت مستقل کار کنند. در این صورت باید کارگاههای تحت حمایت ایجاد شود و فرد ناتوان به این کارگاهها هدایت گردد تا ضمن انجام دادن کار از حمایتهای مختلف بهداشتی، حقوقی و انسانی برخوردار شود.

۵. کمک به *سازگاری فرد ناتوان با شغل*. مشاوره شغلی فرد ناتوان با انتخاب شغل خاتمه نمی‌پذیرد، بلکه مشاور پس از انتخاب شغل به فرد ناتوان کمک می‌کند تا با شغل مورد نظر سازگار شود.

مرحله چهارم) خدمات مشورتی برای کمک به فرد ناتوان. مشاور برای توانبخشی فرد ناتوان در این موارد به مشورت با نهادها و مؤسسات می‌پردازد:

۱. جلب حمایت مؤسسات برای تأمین فرصتهای شغلی برای افراد ناتوان.

۲. برنامه‌ریزی برای مشارکت همگان برای کمک به آموزش و اشتغال افراد ناتوان.

۳. مشورت برای تشکیل انجمنهای حمایت از افراد ناتوان.

۴. وضع قوانین حمایتی برای کمک به افراد ناتوان.

۵. ایجاد زمینه برای آگاه کردن جامعه از ناتوانی و کمک به حل مشکلات افراد ناتوان.

راهنمایی و مشاوره در دبستان

راهنمایی و مشاوره دربرگیرنده تمام سطوح آموزشی است و به تسهیل رشد، پیشگیری و درمان مشکلات رفتاری دانش آموزان می پردازد. مشاور در دبستان نقش هماهنگ‌کننده را دارد. کودکان در دبستان به محبت، تفاهم، انعطاف، صداقت، یکرنگی، خونسردی و تبادل نظر اهمیت می‌دهند. حضور مشاور در آنجا فضایی گرم، ارتباط دوجانبه و باز، شرایط پذیرش و تفاهم ایجاد می‌کند و پلی بین خانه و مدرسه می‌زند. مشاور خود را وقف رشد عاطفی، ذهنی و اجتماعی کودکان می‌کند و به آنان اعتماد به نفس، خودپذیری، سازنده بودن و جرأت داشتن را می‌آموزد (گیبسون و میشل، ۱۳۷۷).

سالهای حضور در دبستان زمان رشد و تکامل است. برنامه راهنمایی و مشاوره در دبستان بیش از درمان بر رشد و تکامل دانش‌آموزان تأکید و سعی دارد تا تکالیف تکاملی دانش‌آموز را تسهیل کند. تکالیف رشد و تکامل در دبستان شامل این موارد است (هاویگهرست، ۱۹۷۳): ۱) یادگیری مهارتهای لازم بدنی، ۲) فراگیری شیوه کنار آمدن با همسالان، ۳) کسب مهارتهای اساسی خواندن، نوشتن و حساب کردن، ۴) کسب نگرش یکپارچه نسبت به خود به عنوان موجودی در حال رشد، ۵) فراگیری نقش مناسب اجتماعی، ۶) کسب مفاهیم لازم برای زندگی روزمره، ۷) کسب وجدان، اخلاق و معیاری برای ارزش، ۸) رسیدن به استقلال شخصی و ۹) کسب نگرش نسبت به نهادها و گروههای اجتماعی.

از دانش‌آموزان ابتدایی انتظار می‌رود که علاوه بر دانش‌اندوزی، رفتار سازگارانه آموزشگاهی، رفتار مناسب اجتماعی، کنترل عواطف و رفتار اخلاقی را فرا گیرند.

دبس (۱۳۶۸) وظایف اصلی تربیت در دوره دبستان را تعلیم مفاهیم اساسی، بیدار کردن ذوق و تربیت اجتماعی شخصیت دانش‌آموزان می‌داند. تعلیم مفاهیم اساسی در نظم بخشیدن به فعالیت ذهنی دانش‌آموز کمک می‌کند و شامل آموزش مفهوم عدد، مکان، زمان و علت است و با یادگیری ریاضی، جغرافیا، تاریخ و علوم حاصل می‌شود. بیدار کردن ذوق دانش‌آموز با آموزش ادبیات و هنر به دست می‌آید. تربیت اجتماعی یکی از وظایف اساسی دبستان است. دبس برای تربیت اجتماعی پیشنهاد می‌کند که الف) انجام دادن امور جاری دبستان به دانش‌آموزان سپرده شود، ب) در دبستان ترتیب کارهای گروهی داده شود تا دانش‌آموزان در آن شرکت کنند و ج) دانش‌آموزان به تشکیل تعاونیهای دانش‌آموزی تشویق شوند.

راهنمایی و مشاوره در دبستان دامنه گسترده‌ای از فعالیتها را شامل می‌شود. گیبسون (۱۳۷۷) نقش مشاور دبستان را آشنا کردن با محیط، ارزیابی، مشاوره، مشورت و هماهنگی، کمک به رشد و تکامل تحصیلی ـ شغلی و ارضای نیازهای دانش‌آموزان می‌داند.

فعالیت مشاور دبستان شامل این مراحل می‌شود:

مرحله اول) کمک به سازگاری کودکان با محیط دبستان. برخی از کودکان در هنگام ورود به دبستان می‌ترسند. آنان به دلیل اضطراب جدایی یا ترس اجتماعی مایل به حضور در مدرسه نیستند. مشاور به اولیاء کودک و مدرسه کمک می‌کند تا با برخورد درست خود مدرسه رفتن را برای کودک رضایتبخش کنند. گاهی کودکان دچار اضطراب بیش از حد می‌شوند و نگرانند که بموقع به مدرسه نرسند یا نتوانند درس و مشق خود را تمام کنند. رابطه توأم با محبت و پذیرش به این کودک کمک می‌کند تا بر این اضطراب غلبه کند. ممکن است کودک کناره گیر باشد و از تماس اجتماعی دوری کند. مشاور می‌تواند به این کودکان برای شرکت در جمع کمک کند و همچنین آنان را در فراگیری روابط اجتماعی یاری رساند. به دانش‌آموز باید کمک شود تا با محیط جدید روبه‌رو شود، روابط اجتماعی خوبی با همکلاسان، معلمان و مسئولان دبستان داشته باشد و نقش جدید خود را در یادگیری بر عهده گیرد.

مرحله دوم) شناخت و ارزیابی تواناییها و استعداد دانش‌آموزان. دانش‌آموزان از نظر تواناییها و استعدادها متفاوتند. توجه به تفاوتهای فردی آنان موجب می‌شود که والدین و مربیان از آنها انتظار واقع‌بینانه‌ای داشته باشند. مشاور به ارزیابی تواناییها و استعدادهای دانش‌آموزان می‌پردازد و نتایج ارزیابیها را در اختیار مربیان و والدین قرار می‌دهد تا از کودکان خود چیزی را بخواهند که توان انجام دادنش را دارند.

مرحله سوم) کمک به دانش‌آموزان برای رشد مهارتهای اجتماعی. دبستان باید شرایط لازم را برای رشد اجتماعی دانش‌آموزان فراهم کند. برخی از آنان فرصت یادگیری مهارتهای اجتماعی را نداشته یا بیش از اندازه به والدین وابسته بوده یاکم‌جرأت بار آمده‌اند. در این صورت مشاور دبستان با ایجاد فرصتهای برخورد اجتماعی، یاد دادن مهارتهای اجتماعی و ایجاد موقعیتهای گروهی به اینگونه دانش‌آموزان کمک می‌کند تا با سایرین درآمیزند و رفتار اجتماعی را فرا گیرند. برای رشد مهارتهای اجتماعی مشاور می‌تواند از بازیهای گروهی، فعالیتهای دسته جمعی هنری، اجرای نمایشنامه ها و اردوها استفاده کند.

مرحله چهارم) کمک به حل مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان. دانش‌آموز ابتدایی ممکن است در خواندن، نوشتن و حساب کردن مشکل پیدا کند. مشاور هنگام بررسی مشکل تحصیلی ابتدا به ارزیابی توان ذهنی دانش‌آموز می‌پردازد. در صورتی که هوش دانش‌آموز در حد میانگین بوده و از نظر هوشی اشکالی نداشته باشد مشاور عوامل خانوادگی را بررسی و به آن توجه می‌کند. گاهی انتظارات والدین بالاست و سبب مقاومت منفی فرزندان می‌شود. هر چه فشار والدین به فرزند زیادتر شود مخالفت او بیشتر می‌شود و از انجام دادن تکالیف خود سر باز می‌زند. مشکلات خانوادگی اثر مستقیمی بر تمرکز و توجه دانش‌آموزان به درس و تحصیل دارد. وقتی والدین در وضعیت نامطمئن و اضطرابی باشند این عدم اطمینان و اضطراب را به فرزندان خود منتقل می‌کنند و ذهن فرزند خود را آشفته می‌سازند. مشاور با انجام دادن مشاورهٔ خانوادگی به والدین کمک می‌کند تا انتظار واقع‌بینانه‌ای از فرزند خود داشته باشند و مشکلات خود را به فرزندان منتقل نکنند. برخی کودکان دچار ناتوانی یادگیری می‌شوند

و درس را بخوبی یاد نمی‌گیرند. مشاور به آنان کمک می‌کند تا با استفاده از امکانات دبستان و خانواده و یادگیری شیوه مطالعه و برنامه‌ریزی برای دروس خود مطالب درسی را فرا گیرند. ممکن است اشکال درسی دانش‌آموزان ناشی از ارتباط با همکلاسان، شیوه تدریس یا روابط داخل مدرسه باشد، در این صورت مشاور تلاش می‌کند تا فضای ارتباطی را در دبستان باز و روابط دوستانه، صادقانه و صمیمی‌ای را در مدرسه ایجاد نماید.

مرحله پنجم) کمک به حل مشکلات عاطفی دانش‌آموزان. دبستان اولین مؤسسه رسمی است که کودکان در آن شرکت می‌کنند. دانش‌آموز دبستانی ممکن است از جانب گروه همسال خود پذیرفته نشود. در این صورت خود را طرد شده از جانب آنان می‌بیند و احساس حقارت می‌کند. برعکس، دانش‌آموز دیگری ممکن است رفتار پرخاشگرانه داشته باشد یا از حضور در جمع مضطرب شود و در فعالیتهای کلاسی شرکت نکند و یا اضطراب از امتحان داشته باشد. مشاور با شناخت حالات عاطفی دانش‌آموزان از روشهای تغییر رفتار، مشاوره گروهی و خانوادگی استفاده و به حل مشکلات عاطفی آنان کمک می‌کند.

مرحله ششم) کمک به حل مشکلات رفتاری دانش‌آموزان. در مورد مشکلات رفتاری دانش‌آموزان دبستانی ابتدا باید به مشاهده و ارزیابی آن مشکلات پرداخت و بر اساس معیارهای تشخیصی اختلالات رفتاری، مشخص کرد که مشکل رفتاری دانش‌آموز از چه نوعی است. اگر با مشاهده رفتار دانش‌آموز مشخص شد که کودک بیش فعال است نمی توان او را سرزنش و تنبیه کرد، بلکه باید سعی کرد تا در صورت شدت رفتار بیش فعالی از درمان دارویی و سپس شیوه‌های رفتاری برای کنترل و اصلاح رفتار او استفاده نمود. در ارزیابی و مشاهده رفتار کودک باید به موقعیت یادگیری، خود رفتار و نتایج رفتار توجه شود. برای اصلاح رفتار کودکان دبستانی روش اصلاح و تغییر رفتار مناسبترین روش است. مشاور می‌تواند از این روش استفاده کند یا آن را به مربیان و والدین آموزش دهد تا در مورد کودکان به کار برند.

مرحله هفتم) کمک به حل مشکلات اخلاقی دانش‌آموزان. مشکلات اخلاقی دانش‌آموز ابتدایی جنبه روانشناختی دارد و بیشتر برای تشخص‌طلبی، خودنمایی،

جلب توجه و گاهی انتقام است. در برخورد با مشکلات اخلاقی دانش‌آموزان، مشاور تلاش می‌کند تا به شناخت رفتار کودک بپردازد و از روشهای اصلاح رفتار استفاده کند. کودکی که دروغ می‌گوید باید موقعیت او و خود رفتار مشاهده و بررسی شود و از روشهای مناسب رفتاری برای حذف آن استفاده گردد.

مرحله هشتم) مشورت با مدیر، معلمان و کارکنان دبستان. مشاور در مشورت با اولیای مدرسه به آنان کمک می‌کند تا آگاهی بیشتری از وضعیت ذهنی، رفتاری، اجتماعی و خانوادگی دانش‌آموزان پیدا کنند و در روابط خود، برنامه‌ریزی و تدریس دروس به ویژگیهای شخصی، شرایط خانوادگی و اجتماعی دانش‌آموزان توجه کنند.

مرحله نهم) مشاوره خانوادگی با والدین. خانواده باید رابطه تنگاتنگی با دبستان داشته باشد. والدین برای رشد، پیشگیری و حل مشکلات رفتاری فرزندان خود می‌توانند مددکار مشاور باشند. شرکت والدین در مشاوره خانوادگی به آنان کمک می‌کند تا روابط بهتری با یکدیگر داشته باشند و نقش سازنده خود را در رشد و حل مشکلات فرزندان خود ایفا کنند.

مرحله دهم) آموزش خانواده. آشنا کردن خانواده‌ها با مراحل رشد فرزندان، شرایط یادگیری و روشهای آموزشی و تربیتی با آموزش آنان میسر است. آموزش خانواده یکی از وظایف اصلی مشاور دبستان است. آموزش منظم و با برنامه خانواده‌ها موجب تغییر رفتار آنان نسبت به فرزندان و تصحیح و کارآمد شدن روابط خانوادگی می‌شود. یک بررسی (احمدی و بوربور، ۱۳۷۷) نشان داد که اگر آموزش خانواده در دوره دبستان با برنامه منظم صورت گیرد رفتار والدین را نسبت به فرزندان تغییر می‌دهد و آنان به طور صحیح به شناخت و حل مشکل رفتاری کودکان خود می‌پردازند.

راهنمایی و مشاوره در دوره راهنمایی

دوره راهنمایی زمان تغییرات همه جانبه و چشمگیر بدنی، عاطفی، اجتماعی و ارزشی در دانش‌آموزان است. به همین دلیل راهنمایی و مشاوره در این دوره ضرورت بیشتری می‌یابد. دانش‌آموزان در دوره راهنمایی با رشد سریع بدنی و بلوغ، رفتن به سوی رسش اجتماعی با تمام تجلیات آن یعنی استقلال، مسئولیت و انضباط، دست یافتن به مجموعه‌ای از ارزشهای فردی، کسب هویت شخصی و عضویت در گروه همسالان روبه‌رویند (گیبسون، ۱۳۷۷). در این دوره تحولات دوران بلوغ اتفاق می‌افتد و دانش‌آموزان خواسته یا ناخواسته با این تحولات درگیر می‌شوند که شامل تحول بدنی، تحول هویت شخصی، تحول ارزشی، تحول در روابط خانوادگی، تحول در معیارهای دوست‌یابی، تحول در کشش جنسی، تحول در روابط اجتماعی و تحول اخلاقی می‌شود. بلوغ تغییراتی را در کل شخصیت او ایجاد می‌کند و جنبه انفعالی و عاطفی شخصیت او گسترش می‌یابد. نوجوان نسبت به رفتار دیگران حساس می‌شود و گاهی مخالفت می‌کند. افق فکری وی از طریق علاقه و رغبت توسعه می‌یابد. حیات روانی او که کم و بیش در اعمال مختلف بروز می‌کند درونی می‌شود و رفتارش بسرعت فردی و شخصی می‌گردد (دبس، ۱۳۶۸). بلوغ و تحولات آن بر دانش‌آموزان دوره راهنمایی فشار روانی و استرس وارد می‌کند که در برابر این استرسها نوجوانان واکنش نشان می‌دهند. ابتدا آنان واکنش سازشی از خود بروز می‌دهند که غالباً به صورت مکانیزمهای دفاعی بروز می‌کند. مکانیزمهای دفاعی نوعی واکنش در برابر فشار است که برای حفظ شخصیت و ایجاد هماهنگی بین تمایلات به کارگرفته می‌شود. نوجوانان معمولاً از

مکانیزمهای بازگشت، همانندسازی، فرافکنی، دلیل‌تراشی و سرکوبی استفاده می‌کنند. وقتی فشار روانی بر نوجوانان زیادتر باشد آنان به واکنشهای هیجانی از قبیل نگرانی، احساس حقارت، احساس گناه و پرخاشگری دست می‌زنند. این واکنشها عملاً موجب فشار روانی بیشتر بر نوجوانان می‌شود و فشار روانی مضاعف بر آنان موجب واکنشهای نوروتیک از قبیل اضطراب، افسردگی، وسواس و اختلال روانی ـ تنی می‌گردد. نوجوانان نیازمند یادگیری راههای مقابله با استرس و فشار روانی‌اند که مشاور به آنان راههای مقابله با استرسها را یاد می‌دهد و برای رسیدن به احساس امنیت و تعادل روانی کمک می‌کند.

با توجه به تغییرات و تحولات بلوغ، دانش‌آموزان دوره راهنمایی در معرض آسیب روانی و اجتماعی فراوانی هستند و به کمکهای راهنمایی و مشاوره نیاز دارند. تأسیس مدارس راهنمایی در حد فاصل دبستان و دبیرستان و گسیل مشاوران به این مدارس در سال ۱۳۵۰ برای کمک به دانش‌آموزانی بود که با تحولات بلوغ درگیرند و آگاهی کافی و مهارت لازم را برای سازگاری با این تحولات ندارند. همان‌گونه که از نام این دوره بر می‌آید هدف از تأسیس دوره راهنمایی شناخت استعداد و توانائیهای دانش‌آموزان و کمک به آنان برای استفاده از فرصتهای آموزشی و انجام دادن مشاوره فردی و گروهی برای حل مشکلات رفتاری آنان بوده است. اهداف اولیه دوره راهنمایی را چنین بر شمرده‌اند (نشریه وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۵۶):

۱. جمع‌آوری اطلاعات در مورد دانش‌آموزان،
۲. انجام دادن انواع آزمونهای روانی و پیشرفت تحصیلی،
۳. ثبت نتایج آزمونها و تعبیر و تفسیر آنها،
۴. ارائه اطلاعات در مورد فرصتهای مختلف آموزشی و شغلی به دانش‌آموزان،
۵. انجام دادن مشاوره فردی،
۶. انجام دادن مشاوره گروهی،
۷. ارجاع دانش‌آموزان به سایر مؤسسات.

در سال ۱۳۵۰ مشاوران در مدارس راهنمایی مشغول به‌کار شدند تا اهداف این

دوره را تحقق بخشند. آنان تا سال ۱۳۵۸ به ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره در این مدارس پرداختند. در این سال بدون ارزیابی عملکرد مشاوران و بدون توجه به ضرورت این خدمات در دوره راهنمایی و بدون پیشنهاد برنامه‌ای برای اصلاح روند کار مشاوران، آنان را به سایر قسمتهای آموزشی و اداری منتقل کردند و عملاً دوره راهنمایی فاقد مشاور شد. از آن زمان به بعد هیچ‌گونه تحقیقی مبنی بر اینکه نبود مشاور در این مدارس موجب چه نتایج و عواقبی شده است صورت نگرفت. متأسفانه این دوران پرآشوب از خدمات راهنمایی و مشاوره‌ای محروم شد.

دوره راهنمایی دوره‌ای است که تنوع منشها بروز می‌کند، بنابراین تربیت در این دوره باید با تنوع و تفاوت ویژگیهای فردی دانش‌آموزان سازگار و متناسب باشد. در این دوره تربیت شخصیت بیش از تربیت عقلی اهمیت دارد. حالات هیجانی در این دوره غنی‌تر می‌شود؛ رفاقت جای خود را به احساسات پرتوقعتر یعنی دوستی می‌دهد؛ خیالبافی بیشتر می‌شود؛ مخالفت با نزدیکان مخصوصاً با اعضای خانواده بروز می‌کند و این مخالفت نشانهٔ میل به تشخّص‌طلبی است؛ حجب و کمرویی در نوجوانان ظاهر می‌شود و نشان‌دهندهٔ این است که تماس با دیگران برای نوجوان دشوار است (دبس، ۱۳۶۸). باید نوجوان را یاری کرد تا از این سنین پرآشوب بگذرد. کمک به نوجوانان برای گذر از دوره بلوغ قاعدتاً بر عهده والدین و مؤسسات آموزشی است. گاهی والدین از عهده این کار بر نمی‌آیند و اذعان می‌کنند که رابطه خوبی با نوجوان خود ندارند. مدیران و دبیران نیز بیشتر به اداره مدرسه و آموزش می‌پردازند و فرصت کافی را برای تبادل نظر با دانش‌آموزان ندارند. وجود یک مشاور تمام وقت در مدارس راهنمایی می‌تواند خلأ ارتباطی دانش‌آموزان را با والدین، مدیران و دبیران پر کند و وی با ایجاد رابطه‌ای توأم با اعتماد به این دانش‌آموزان کمک کند تا بتوانند از عهده حل مشکلات این دوره برآیند. دانش‌آموزان دوره راهنمایی بیش از پیش به محبت، احساس ارزش، پذیرش، تفاهم و احساس یکرنگی و صداقت نیاز دارند. اگر این نیازها به وسیله والدین و مربیان ارضا شود به آنان اعتماد می‌کنند و آنان را الگوی رفتاری خود قرار می‌دهند. مشاوران با توجه به این نیازها و با ایجاد رابطه یاورانه و گرم و صمیمانه با این

دانش‌آموزان به رشد همه‌جانبه شخصیت آنان کمک و از بروز مشکلات رفتاری جلوگیری می‌کنند.

خدمات راهنمایی و مشاوره باید در دوره راهنمایی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد و مجدداً به صورتی عالمانه در این دوره به‌کار گرفته شود. نبود خدمات راهنمایی و مشاوره در این دوره ضایعات جبران ناپذیری را به نوجوانان خواهد زد و موجب مشکلات رفتاری فراوانی خواهد شد.

مشاوره در دوره راهنمایی شامل مراحل متنوع و گسترده‌ای است که می‌توان به این صورت دسته‌بندی کرد:

مرحله اول) اطلاع‌رسانی به دانش‌آموزان در زمینه بلوغ و تحولات آن. نوجوانان از تغییرات بلوغ اطلاع چندانی ندارند و معمولاً والدین نیز در این باره سکوت می‌کنند و آنان برای کسب اطلاع به دوستان، کتاب، فیلم، ویدئو و اخیراً سی‌دی‌ها و اینترنت پناه می‌برند. ولی این منابع اطلاعات ناقص و گاهی نادرستی به نوجوانان می‌دهد. اطلاع‌رسانی از بلوغ و تحولات مربوط به آن باید ابتدا به وسیله والدین و سپس مشاوران صورت گیرد. یکی از وظایف عمده مشاوران در دوره راهنمایی اطلاع‌رسانی به دانش‌آموزان در زمینه بلوغ است. اگر دانش‌آموز راهنمایی از خدمات مشاوره‌ای آگاه بوده و مشاوری باصلاحیت در مدرسه وجود داشته باشد به او مراجعه می‌کند و پاسخ سؤالهای خود را در مورد بلوغ پیدا می‌کند.

مرحله دوم) ارزیابی استعداد و تواناییهای دانش‌آموزان. با تحول بلوغ، دانش‌آموز راهنمایی به ارزیابی مجدد تواناییهای خود می‌پردازد و گاهی خود را دست‌کم می‌گیرد و فکر می‌کند که استعداد کاری را ندارد. مشاور با ارزیابی توانمندیهای دانش‌آموزان به آنان کمک می‌کند تا استعداد و تواناییهای خود را بشناسند و به صورت واقع‌بینانه‌ای به خود بنگرند و بر آن اساس رفتار کنند.

مرحله سوم) کمک به دانش‌آموزان برای دستیابی به تصویر واقعی و هویت موفق از خویشتن. تحول بلوغ، تصویر بدنی و هویت شخصی نوجوان را تهدید می‌کند. تصویر بدنی به تصویر واقعی یعنی برداشت فرد از بدن خود آنگونه که هست، تصویر ایدئال

یعنی مناسبترین و دلخواهترین تصویر از خود و تصویر خیالی یعنی تصویری که فرد آرزو می‌کند آنگونه باشد تقسیم می‌شود. نوجوانان غالباً تصویر خیالی و ایدئالی از خود دارند و از تصویر واقعی بدن خود غافلند. در دورهٔ بلوغ بتدریج نوجوان به خودپنداره مثبت یا منفی دست می‌یابد. خودپنداره یک هیأت سازمان یافته از ادراکات آگاهانه فرد از خویش است. با توسعه خودپنداره، هویت شخصی نوجوان شکل می‌گیرد و وی با در نظر گرفتن تجربیات گذشته و تجربه کردن تحولات بلوغ می‌خواهد هویت شخصی خود را از نو بازسازی کند. مشاور باید به نوجوان کمک کند تا به تصویر واقعی و خودپنداره مثبت برسد و هویت شخصی موفقی داشته باشد. وی این وظیفه را از طریق مشاوره فردی و گروهی انجام می‌دهد.

مرحله چهارم) کمک به دانش‌آموزان برای داشتن روابط مناسب اجتماعی. تحولات بلوغ در رابطه اجتماعی نوجوان تأثیر می‌گذارد. نوجوان معمولاً آن کودک مطیع و پیرو قبلی نیست و ممکن است گفته‌های پدر و مادر را نپذیرد و با آنها مخالفت کند. در این دوره نوجوان به دوستان خود اهمیت می‌دهد. دوستیهای وی بر اساس یک نیاز اجتماعی و برای ایجاد روابط سالم و سازنده است. وقتی نوجوان دوستی پیدا کرد به او اعتماد می‌کند و مایل است دوستی خود را مستحکم سازد و در صورت دخالت والدین ترجیح می‌دهد که به جانب دوستان برود. هرگونه انزوا و کناره گیری نوجوان را باید بدقت بررسی کرد و علت آن را جویا شد. شاید دلیل انزوای او ندانستن مهارتهای اجتماعی یا احساس بی‌ارزشی باشد. در این صورت مشاور از طریق مشاوره گروهی به آموزش مهارتهای اجتماعی به نوجوان می‌پردازد و به او کمک می‌کند تا تبادل و تفاهم اجتماعی را در گروه تجربه کند. مشاور با مشاوره فردی با نوجوان به او کمک می‌کند تا ارزش خویش را باز یابد و از توانمندیهای خود استفاده بهینه نماید؛ همچنین با مشاوره خانوادگی به نوجوان و خانواده او کمک می‌کند تا رابطه خانوادگی خود را تصحیح کنند و شرایطی را به وجود آورند که مورد قبول و پذیرش اعضای خانواده باشد.

مرحله پنجم) کمک به تربیت جنسی دانش‌آموزان. تغییرات بلوغ باعث بیدار شدن غریزه جنسی در نوجوان می‌شود و تربیت آن را ضروری می‌سازد. تربیت جنسی جزء

جدایی‌ناپذیر وظایف مربیان است. باید پسران و دختران را از سن دوازده سالگی نسبت به بلوغشان آگاه ساخت. وظیفه پدر و مادر است که به فرزند خود اطلاعات لازم را در مورد غریزه جنسی، تغییرات ثانویه جنسی و تمایلات مربوط به آن بدهند. گفتگو با نوجوان باید به صورت انفرادی صورت گیرد و از بحثهای جمعی اجتناب شود. هرگاه والدین خود را قادر به دادن اطلاعات در زمینه مسائل جنسی نبینند باید از فردی با صلاحیت برای اطلاع‌رسانی به فرزند خود کمک بگیرند. مشاور می‌تواند بهترین فرد برای اطلاع‌رسانی و کمک به نوجوانان در زمینه مسائل جنسی باشد و به این صورت عمل کند: الف) نوجوانان را از وقوع تغییرات جنسی مرتبط با بلوغ آگاه سازد، ب) از شتابزدگی نوجوانان پیشگیری و آنان را به کنترل درونی تشویق کند، ج) باکانالیزه کردن فعالیتهای نوجوانان به فعالیتهای ورزشی و هنری از بروز انحرافهای جنسی پیشگیری نماید و د) انحرافهای جنسی نوجوانان را شناسایی و برای یافتن راه‌حلی برای این انحرافها به آنان کمک کند.

مرحله ششم) کمک به دانش‌آموزان برای یافتن راه‌حل برای مشکلات تحصیلی. در دوره راهنمایی دانش‌آموزان بیش از پیش دچار افت تحصیلی می‌شوند. تغییر مقطع تحصیلی از ابتدایی به راهنمایی، تنوع دروس دوره راهنمایی، داشتن دبیران متعدد و بی‌میلی و بی‌انگیزگی را نمی‌توان دلیل این افت تحصیلی دانست و نوجوان را سرزنش کرد. افت تحصیلی در این دوره ممکن است معلول عوامل متعددی باشد، از جمله: ۱) آشفتگی فکری نوجوان، ۲) بیعلاقگی به تحصیل، ۳) احساس ناتوانی، ۴) اختلافات خانوادگی، ۵) انزوا و کناره گیری، ۶) ندانستن شیوه مطالعه، ۷) تنظیم نکردن وقت، ۸) گذراندن وقت با دوستان، ۹) مشکلات اقتصادی، ۱۰) فقدان یک نظام آموزشی کارآمد، ۱۱) اشکال در محتوای کتب درسی و ۱۲) اضطراب و افسردگی (احمدی، ۱۳۷۸). در این صورت مشاور ابتدا به ارزیابی استعداد و علایق دانش‌آموزان می‌پردازد و آنان را از تواناییهای خویش آگاه می‌سازد. آنگاه با انجام دادن مشاوره فردی، گروهی و خانوادگی به آنان کمک می‌کند تا از فرصتهای موجود استفاده کنند، مشکل درسی را مشخص نمایند و با ارائه راه‌حلها، راه‌حل عملی و مؤثری را انتخاب کنند. سپس با

یادگیری روش درست مطالعه به بازآموزی مطالب بپردازند و با تنظیم وقت بهترین بهره را از روزها و هفته‌ها ببرند. در نهایت مشاور با مشاوره خانوادگی، همکاری اعضای خانواده را برای کمک به تحصیل آنان جلب می‌کند.

مرحله هفتم) کمک به تربیت اخلاقی دانش‌آموزان. تربیت اخلاقی پیچیده ترین و دشوارترین قسمت تربیت در دوران بلوغ است. در دبستان اخلاق عرفی بر کودک حاکم بوده و او از قواعد مرسوم و مورد قبول اجتماعی پیروی می‌کند. نوجوان بسیاری از رفتارهای مورد قبول اجتماعی را زیر سؤال می‌برد. او پایبند اخلاق مبتنی بر اصول است و آنچه را درست است می‌پذیرد نه اینکه جامعه آن را درست بداند. نوجوان به الگوها اهمیت می‌دهد و معیار اخلاقی او رفتار الگوها و سرمشق‌هاست. مشاور با ارائه الگوی مناسب از خود و ارائه معیار اخلاقی مناسب به نوجوانان کمک می‌کند تا اصول و روشهای اخلاقی درستی را در نظر گیرند و به آن عمل کنند.

مرحله هشتم) کمک به حل مشکلات رفتاری دانش‌آموزان. در دوران بلوغ اختلالهای رفتاری مخصوصاً پرخاشگری دیده می‌شود. روانکاوان دلیل پرخاشگری نوجوان را ناکامی و تعارض می‌دانند. وقتی نوجوان نتواند به خواسته‌های خود برسد یا در انتخابهای خود دچار تعارض شود عکس العمل پرخاشگرانه‌ای از خود بروز می‌دهد. رفتارگرایان پرخاشگری را رفتار یادگرفته شده می‌دانند که بر اثر مشاهده رفتارهای پرخاشگرانه، تقویت شدن، برخورد غلط با آن ایجاد شده است. مشاور فرصتی را برای دانش‌آموزان ایجاد می‌کند تا خود را بشناسند، روشهای گوش دادن، ابراز نظر کردن، مشارکت و همکاری را یاد بگیرند و از نیازها و ارزشهای دیگران مطلع شوند و یادبگیرند که به دیگران احترام بگذارند و به آنان کمک کنند و از آنان یاری بطلبند و رفتار پرخاشگرانه خود راکنترل نمایند.

مرحله نهم) مشورت و مشاوره با کارکنان مدرسه. مشاور شرایط حساس دوره بلوغ و ویژگیهای این دوره را برای کارکنان مدرسه بیان می‌کند. او تلاش می‌کند تا بین کارکنان مدرسه و نوجوانان رابطه‌ای دوستانه، صمیمی و گرم ایجاد کند و به مسئولان مدرسه کمک می‌کند تا ۱) محیطی را فراهم کنند که برای یادگیری خوشایند باشد،

۲) الگویی برای رفتار اجتماعی دانش‌آموزان باشند، ۳) فضایی را در مدرسه و کلاس ایجاد کنند که باعث سازگاری شخصی و اجتماعی دانش‌آموزان شود و رشد آنان را در زمینه‌های ذهنی، عاطفی و اجتماعی تسهیل کنند، ۴) مشکلات دانش‌آموزان را بشناسند و در حل آنها اقدام کنند، ۵) از روشهای قالبی و غیرعلمی تنبیه بدنی برای پیشگیری از رفتار نادرست دانش‌آموزان استفاده نکنند و ۶) از روشهای انضباطی که مبتنی بر شناخت، احساس مسئولیت و مورد قبول دانش‌آموزان است استفاده نمایند.

مرحله دهم) مشورت و مشاوره با والدین دانش‌آموزان. غالباً نوجوانان در خانواده‌ها به حساب نمی‌آیند و درگیر مسائل خانوادگی نمی‌شوند. انتظارات والدین نیز از فرزندان نوجوان بیش از اندازه است. در بسیاری از موارد والدین می‌خواهند کمبودهای خود را به وسیله نوجوانان جبران کنند. گاه روابط والدین با نوجوانان سرد، خشک، همراه با سرزنش، توبیخ، اهانت و تهدید است. در این صورت نوجوانان احساس می‌کنند که به خانواده خود تعلق ندارند. در اینجاست که مشاور به کمک خانواده می‌شتابد و به تصحیح روابط و مناسبات خانوادگی می‌پردازد. مشاور به خانواده کمک می‌کند تا رابطه دوستانه، منطقی و توأم با محبت با نوجوان خود داشته باشند و زندگی را برای خود و نوجوان خویش رضایتبخش نمایند.

راهنمایی و مشاوره در دبیرستان

دبیرستان آخرین محلی است که پیش از دانشگاه به آموزش و پرورش دانش‌آموزان می‌پردازد و ویژگیهای خاصی دارد که آن را از دبستان و راهنمایی ممتاز می‌کند. این ویژگیها عبارتند از: ۱) دبیرستان مؤسسه بزرگ و پیچیده‌ای است که از انبوه دانش‌آموزان نامتجانس تشکیل شده است. ۲) مدیر دبیرستان نافذترین شخص در آن محیط است که فعالیتهای مختلف در دبیرستان به ابتکار و تلاش او بستگی دارد. ۳) هیأت آموزشی در دبیرستان تخصصهای گوناگون آموزشی دارد. ۴) روحیه تحصیلی در دبیرستان بیش از دبستان و راهنمایی است. ۵) فعالیتها در دبیرستان معطوف به مواد درسی است و برنامه‌های دبیرستان شدیداً بر محور درس، انجام دادن تکالیف و نمره متمرکز است. ۶) سالهای دبیرستان برای دانش‌آموزان سالهای تصمیم‌گیری در مورد انتخاب دوست، رشته تحصیلی و انتخاب شغل است (گیبسون و میشل، ۱۳۷۷). تربیت در دوره دبیرستان بیشتر بر احترام نهادن به شخصیت دانش‌آموزان مبتنی است. دبس (۱۳۶۸) تربیت جوانان را در این سن بر سه زمینه به هم پیوسته استوار می‌داند: الف) استفاده از جاذبهٔ ارزشهایی که جوانان را به تحصیل معلومات عمیق و یقینی وادارکند، ب) اتکا بر شور و التهابی که جوانان را به تعالی و درگذشتن از حدود شخصیت خویش وادار می‌کند و ج) پرورش هوش و اراده به نحوی که جوانان را از روشن‌بینی و خویشتنداری لازم بهره‌مند می‌سازد. توجه به این زمینه‌ها بدون ایجاد محیطی گرم و صمیمی و رابطه‌ای باز و دوستانه امکان پذیر نیست. از جاذبهٔ ارزشها و از شور و التهاب جوانان در صورتی می‌توان استفاده کرد که هماهنگی و تفاهم بین اعضای

خانواده وجود داشته باشد. پرورش هوش و اراده با همفکری و همکاری جوانان و با ایجاد محیط آموزشی بالنده، یکرنگ و خلاق عملی است. دوره دبیرستان زمان گذر از بلوغ به سوی بزرگسالی اولیه است. جوانان در این دوره تلاش می‌کنند تا به رشد در این زمینه‌ها نایل شوند (مک‌دانیل، ۱۳۵۶):

۱. رشد حس مسئولیت و گذر از اتکای به دیگران به اتکای به خویشتن،
۲. جهت‌گیری در مورد آینده خویش و ایجاد طرحهای تحصیلی و حرفه‌ای مناسب،
۳. ایجاد روابط سالم با جنس مخالف،
۴. آماده شدن برای کار مؤثر در جامعه، نیل به هماهنگی درونی بین آرمانها و رفتار،
۵. آماده شدن برای قبول مسئولیت خانوادگی،
۶. داشتن یک فلسفه سازنده درباره زندگی.

وظیفه مشاور در دبیرستان پیچیده تر و متنوعتر از دبستان و دوره راهنمایی است. در دبیرستان اولویت مشاوره از پیشگیری به سوی درمان تغییر می‌کند و مشاور به شناخت و حل نگرانیها و مشکلات متداول در این سن می‌پردازد. مشاوره در دبیرستان باید به جوانان کمک کند تا به خودشناسی برسند، از لغزشهایی که معلول ناآگاهی، شتابزدگی، زودباوری و قضاوت سطحی است دوری کنند و در جهت خودباوری، ارزش فردی، بارور کردن توانمندیهای خود، شناختن شیوه زندگی، حرکت در جهت اعتلای خود و خانواده و جامعه و رسیدن به کمال ارزشی و اخلاقی گام بردارند و به سوی آینده‌ای روشن و مشخص به پیش روند.

برای دبیرستان در نظام جدید آموزش متوسطه مشاور در نظر گرفته شده است (کلیات نظام جدید آموزش متوسطه، ۱۳۷۲). بر اساس ماده ۲ طرح راهنمایی و مشاوره در نظام جدید آموزش متوسطه از میان شاغلان آموزش و پرورش و دبیران، افرادی به عنوان مشاور به کار خواهند پرداخت که این شرایط را داشته باشند:

۱. برخورداری از صلاحیت اخلاقی، حرفه‌ای و حسن شهرت،
۲. داشتن یکی از این شرایط با رعایت اولویت برای فارغ التحصیلان رشته مشاوره: الف) دست‌کم درجه لیسانس در رشته مشاوره، ب) حداقل درجه لیسانس در

رشته‌های برنامه‌ریزی امور تربیتی، روانشناسی، علوم تربیتی و امور تربیتی با حداقل ۳ سال سابقه تدریس یا مربیگری امور تربیتی، ج) دست‌کم درجه لیسانس با ۵ سال سابقه کار به عنوان مربی امور تربیتی.

تبصره. چنانچه افراد دیگری دارای شرایط فوق نبوده ولی صلاحیت مشاوره را داشته باشند می‌توانند با تأیید دفتر مشاوره و تحقیق به کار مشاوره بپردازند.

بر اساس ماده ۶ این طرح هر مشاوری عهده دار پاسداری از ارزشهای اسلامی و انقلابی و همکاری در ایجاد فضای سالم تربیتی، سیاسی و اخلاقی در بین دانش‌آموزان بوده و موظف به انجام دادن این وظایف است:

۱. توجیه و آموزش معلمان راهنمای تحت پوشش در چهارچوب وظایف،

۲. آشنا کردن دانش‌آموزان و کارکنان مدرسه با اهداف و برنامه‌های راهنمایی و مشاوره و نیز وظایف و نقش مشاور و معلم راهنما،

۳. آشنا کردن دانش‌آموزان و اولیای آنان و کارکنان مدرسه با نظام جدید آموزش متوسطه، بویژه رشته‌های تحصیلی، و ضوابط ورود به آنها و ارتباط رشته‌های مذکور با رشته‌های دانشگاهی و بازار کار،

۴. آشنا کردن دانش‌آموزان و اولیای آنان با آیین‌نامه‌ها، مقررات و دستورالعملهای تحصیلی،

۵. جمع‌آوری اطلاعات درباره امکانات تحصیلی منطقه و ارائه آن به دانش‌آموزان،

۶. بررسی موقعیت دانش‌آموزان در ارتباط با هر درس، کلاس و سایر دانش‌آموزان و اعلام نتیجه به آنان با همکاری معلمان راهنما،

۷. گردآوری اطلاعات لازم از طریق نهادهای ذی‌ربط در زمینه امکانات و نیازمندیهای شغلی در بخشهای صنعت، خدمات، کشاورزی و ارائه آن به دانش‌آموزان و اولیای آنان بر حسب مورد،

۸. شناسایی واحدهای تولیدی، اداری و خدماتی موجود در منطقه که می‌تواند برای کارآموزی مورد استفاده قرار گیرد و تهیه فهرست آنها و ارائه آن به دانش‌آموزان،

۹. آگاه کردن دانش‌آموزان نسبت به روشهای علمی جمع‌آوری اطلاعات شغلی

و آشنا کردن آنان با مراکز مهارت آموزی و کاریابی،

۱۰. ارائه اطلاعات به دانش‌آموزان از طریق بازدید از محیط کار، تدوین و تهیه بروشورهای شغلی، نمایش فیلم، تهیه روزنامه دیواری و دعوت از صاحبان مشاغل برای سخنرانی،

۱۱. شناسایی دانش‌آموزانی که مشکل و ناهنجاریهای رفتاری و تحصیلی دارند و کوشش در جهت رفع مشکلات آنان،

۱۲. انجام دادن مشاوره فردی و گروهی با دانش‌آموزان و اولیای آنان جهت رفع مشکلات مربوط،

۱۳. ایجاد زمینه برای بالا بردن سطح آگاهی دانش‌آموزان نسبت به ویژگیها و تواناییهای فردی،

۱۴. ثبت و ضبط سوابق و اطلاعات مربوط به مطالعات و بررسیهای انجام شده و نیز مشاوره‌های فردی و گروهی،

۱۵. استفاده از تستها و سایر ابزارهای مربوط جهت تشخیص وضعیت دانش‌آموزان و نیز حل مسائل و مشکلات آنان،

۱۶. کمک به مدیر و کارکنان مدرسه برای استفاده از کمکهای مردمی، انجمنها، سازمانها و نهادهای موجود در منطقه برای حل معضلات دانش‌آموزان،

۱۷. مطالعه و بررسی پرونده تحصیلی دانش‌آموزان به منظور شناسایی مواردی که نیاز به کمکهای ویژه دارند،

۱۸. تشکیل «صندوق مکاتبه با مشاور» برای شناسایی دانش‌آموزانی که مشکل دارند و بررسی نامه‌های رسیده و پاسخ به آنها،

۱۹. ارجاع دانش‌آموزانی که مشکلات و ناهنجاریهای حاد دارند به سازمانها و مراکز تخصصی ذی‌ربط،

۲۰. همکاری با مربیان امور تربیتی و سایر معلمان برای شکوفا ساختن استعدادهای تحصیلی،

۲۱. همکاری با مدیر و مربیان تربیتی برای پیشگیری از مشکلات اخلاقی و رفتاری دانش‌آموزان،

۲۲. شرکت منظم و فعال در ستاد تربیتی،

۲۳. نظارت بر کار معلمان راهنما و ایجاد هماهنگیهای لازم میان آنان،

۲۴. شرکت در جلسات مشاوران استان و منطقه،

۲۵. شرکت در جلسات عمومی اولیا و مربیان مدرسه،

۲۶. ارائه آمار و اطلاعات مربوط به وضعیت دانش‌آموزان به واحدهای ذی‌ربط در منطقه،

۲۷. ارائه گزارش کار به مسئولان ذی‌ربط.

با عنایت به شرایط احراز شغل مشاوره و وظایف مشاوران در نظام جدید آموزش متوسطه به نظر می‌رسد که:

۱. با توجه به شرایط خاص دبیرستان و وجود دانش‌آموزان نامتجانس باید در آنجا از مشاوران کارآزموده استفاده شود. کارشناسان رشته مشاوره و روانشناسی بالینی، آموزش نظری و عملی را در زمینه شناخت، ارزیابی و برخورد با مشکلات فردی، تحصیلی، شغلی، خانوادگی، اجتماعی و ارزشی دیده‌اند و می‌توانند بخوبی به مشاوره در دبیرستان بپردازند. استفاده از کارشناسان سایر رشته‌ها که تخصص و تبحر کافی ندارند نمی‌تواند گره گشا باشد و بر انبوه مشکلات دانش‌آموزان دبیرستانی می‌افزاید.

۲. در وظایف ارائه شده برای مشاوران به وظیفه اصلی آنان یعنی رشد، پیشگیری و درمان مشکلات دانش‌آموزان توجه چندانی نشده است. بسیاری از وظایف فوق می‌تواند به وسیله سازمانهای ذی‌ربط تهیه شود و در اختیار مشاوران قرار گیرد. از جمله اینکه مشاغل مختلف، شرایط احراز و حقوق و مزایای آنها می‌تواند هر ساله به وسیله وزارت کار و امور اجتماعی تهیه شود.

۳. برای آشناسازی دانش‌آموزان، اولیای آنان و دبیران با نظام جدید آموزش متوسطه باید جزوات حاوی آیین‌نامه‌ها، مقررات و دستورالعملهای تحصیلی در اختیار آنان قرار گیرد.

۴. جمع‌آوری اطلاعات شغلی، شناسایی واحدهای تولیدی، اداری و خدماتی کاری نیست که از عهده مشاور برآید.

متأسفانه در کشور ما بر اطلاعات شغلی توجه چندانی نشده و نیازهای اجتماعی و نیاز به نیروی انسانی کارآمد مشخص نگردیده است و مسئولان مربوط به نیازسنجی‌ها و مشخص کردن بازار کار و شرایط احراز آنها نپرداخته‌اند. این نقیصه‌ای است که مشاوره شغلی را با اشکال روبه‌رو می‌کند.

ضبط و ثبت سوابق درسی را می‌توان با استفاده از رایانه انجام داد و نیروی مشاور را در این زمینه آزاد کرد تا مشاوران در دبیرستان به مشاوره‌های فردی، گروهی، خانوادگی، تحصیلی و شغلی بپردازند و درجهت رشد عاطفی، ذهنی، اجتماعی و ارزشی دانش‌آموزان قدم بردارند و به آنان در تصمیم‌گیری مناسب تحصیلی و شغلی کمک کنند تا آنان را برای زندگی و رابطه مناسب خانوادگی و اجتماعی آماده سازند.

گیبسون و میشل (۱۳۷۷)خدمات مشاوره در دبیرستان را به این صورت دسته‌بندی کرده‌اند: ۱) ارزیابی استعداد و ویژگیهای دانش‌آموزان، ۲) مشاوره با دانش‌آموزان، ۳) راهنمایی و مشاوره گروهی، ۴) خدمات اطلاعاتی، راهنمایی و رشد حرفه‌ای، ۵) جایگزینی، پیگیری و برآورد امکانات، ۶) مشورت با معلمان، کارکنان، انجمنهای آموزشی و مؤسسات ذی‌ربط و ۷) ارزیابی نیازها برای جهت دادن برنامه‌ها.

خدمات مشاوره‌ای در دبیرستان در صورتی به بار می‌نشیند که دانش‌آموزان را در زمینه تحصیل، شغل، روابط خانوادگی، روابط اجتماعی، مهارتهای زندگی و داشتن فلسفه ارزشی یاری دهد. دانش‌آموزان دبیرستانی بیش از هر زمان دیگر به گفتگو و تبادل نظر با مشاوری نیازمندند که بار علمی و تجربه عملی داشته و از قدرت ارتباط، انعطاف، پذیرش و جلب اعتماد کافی برخوردار باشد.

خدمات مشاوره‌ای در دبیرستان شامل این مراحل است:

مرحله اول) ایجاد ارتباط یاورانه و جلب اعتماد دانش‌آموزان. دانش‌آموز دبیرستانی در صورتی مشاور را می‌پذیرد که رابطه‌ای باز، صادقانه، دوستانه و صمیمی داشته باشد. مشاور با یکرنگی، پذیرش بدون شرط، تفاهم و همدلی، وضعیتی را ایجاد می‌کند که دانش‌آموز به او اعتماد می‌کند. جوانان در این سن به کردار بیش از گفتار اهمیت می‌دهند. وقتی در رفتار و کردار مشاور هماهنگی، ثبات و بی ریایی را ببینند او

را می‌پذیرند، به حرف او گوش می‌دهند و با او احساس یکرنگی می‌کنند و حرف دل خود را با او در میان می گذارند. در شرایطی که جوانان احساس تنهایی می‌کنند ایجاد رابطه مشاوره‌ای می‌تواند جرقه امیدی باشد و آنان را به سوی روشنایی رهنمون شود تا احساس درک شدن و همدلی نمایند و مشکلات خود را مطرح سازند.

مرحله دوم) کمک به دانش‌آموزان در شناخت خویشتن. دانش‌آموزان در این سن غالباً به دنبال کسب هویت شخصی‌اند. هویت شخصی عبارت از افتراق و تمیزی است که فرد بین خود و دیگران می‌گذارد. هویت شخصی یک سازه روانی ـ اجتماعی است و شامل طرز فکرها و عقایدی می‌شود که معرف فرد است. همچنین نحوه ارتباط فرد با دیگران را می‌رساند. اگر جوان در طول رشد خود و بر اساس تجربیات حاصل از برخورد اجتماعی، هویت شخصی خود را شکل دهد و بتواند خود را بشناسد و از دیگران جدا کند تعادل روانی او حفظ می‌شود. ولی اگر سرخوردگی و عدم اعتماد جایگزین اعتماد به خویش شود و نوجوان گوشه گیر و منزوی گردد، دچار ابهام در نقش می‌شود و هماهنگی و تعادل روانی او به هم می‌خورد و دچار بحران هویت می‌شود. برای کمک به دانش‌آموزی که دچار بحران هویت است از مشاوره فردی و گروهی می‌توان استفاده کرد. مشاوره فردی به تأمین شرایطی می‌پردازد که به برداشت مثبت دانش‌آموز از خویشتن می‌انجامد و بر روشهای شناختی، معنابخشی و واقعیت درمانی تکیه دارد. مشاوره گروهی نیز به شناخت هویت و توجه به علایق و کسب مهارتهای اجتماعی دانش‌آموزان کمک می‌کند.

مرحله سوم) دادن اطلاعات تحصیلی و شغلی به دانش‌آموزان. مشاور دانش‌آموزان را با رشته‌های مختلف تحصیلی، آیین‌نامه‌ها و مقررات مربوط آشنا می‌کند و امتیازهای لازم را برای رفتن به رشته‌های مختلف تحصیلی محاسبه می‌نماید. او دانش‌آموزان را از مشاغل مختلف آگاه کرده و شرایط احراز شغل و میزان حقوق آنها را توضیح می‌دهد. اطلاعات تحصیلی و شغلی می‌توانند بر روی دیسکتها و سی‌دی‌های رایانه‌ای ضبط شود و در دسترس دانش‌آموزان قرار گیرد تا بموقع از آنها استفاده کنند.

مرحله چهارم) کمک به دانش‌آموزان در انتخاب رشته مناسب تحصیلی. انتخاب رشته تحصیلی بر عهده خود دانش‌آموزان است و مشاور در این انتخاب به آنان کمک می‌کند. وی ابتدا با انجام دادن آزمونهای استعداد و علایق، امتیاز مربوط به آنها را مشخص می‌کند. آنگاه امتیاز والدین، دبیران و دانش‌آموزان را محاسبه می‌نماید. سپس مجموع آنها را با امتیاز مشاور و امتیاز معدل جمع می‌کند و بر اساس امتیازهای کسب شده و ضوابط مربوط به نمرات درسی در برگ توصیه‌نامه رشته‌های تحصیلی اولویت اول، دوم تا پنجم را می‌نویسد؛ این اولویتها پیشنهادی است. مشاور به دانش‌آموز کمک می‌کند تا با توجه به استعداد، علاقه و عملی بودن و مفید بودن، یکی از رشته‌های ریاضی ـ فیزیک، علوم تجربی، علوم انسانی، معارف اسلامی، حرفه و فن و کار دانش را انتخاب کند.

مرحله پنجم) کمک به دانش‌آموزان در رشد حرفه‌ای. رشد حرفه‌ای فرایندی است که به ویژگیهای شخصیت فرد، نیازهای او و احتیاجات اجتماعی بستگی دارد. رشد حرفه‌ای جریانی است که در طول زندگی اتفاق می افتد و در دبیرستان به صورت انتخاب رشته تحصیلی و حرکت در جهت شغل خاص تجلی می‌کند. مشاور در انتخاب درست شغل به دانش‌آموزان به این صورت کمک می‌کند که الف) علایق و رغبت آنان را مشخص می‌کند، ب) استعدادهای بدنی و ذهنی آنان را برای مشاغل مختلف تعیین می‌نماید، ج) اطلاعات شغلی را در دسترس آنان قرار می‌دهد، د) امکانات محیطی را بررسی می‌کند تا امکان ورود به شغل خاص را تعیین کند، ه) فشارهای خانوادگی و اجتماعی را در انتخاب شغل به حداقل می‌رساند، و) مراکز آموزشی را برای کسب مهارتهای شغلی در اختیار دانش‌آموزان می‌گذارد (احمدی، ۱۳۷۸). آمادگی شغلی برای جوانان لازم است. آنان غالباً به دلیل نداشتن تجربه کافی در انتخاب شغل با مشکل مواجه می‌شوند. جوانان گاهی زیر بار کسی نمی‌روند، تحمل عقاید دیگران را ندارند و از عهده کار برنمی‌آیند. مشاور به اینگونه جوانان کمک می‌کند تا به مراکز آمادگی شغلی مراجعه کنند و مهارتهای لازم را برای احراز شغل مورد نظر خود فرا گیرند.

مرحله ششم) کمک به دانش‌آموزان درکسب استقلال و قبول مسئولیتهای فردی. دانش‌آموز دبیرستانی برای استقلال فردی و داشتن یک هویت موفق باید قبول مسئولیت کند. والدین باید مسئولیتهایی را در خانه به جوان خود محول کنند و از او انجام دادن آن را بخواهند. در دبیرستان نیز باید به دانش‌آموزان مسئولیتهایی در حد توان و امکانات و مقررات داده شود. فعال نمودن شورای دانش‌آموزان و حرکت در جهت مسئولیت‌پذیری آنان گامی مهم در شناخت مشکلات و اقدام به حل آنهاست. اصولاً جوانان را باید به حساب آورد و از آنان کارهایی را متناسب با توان و شایستگی آنان خواست. دادن مسئولیت به جوانان موجب می‌شود که آنان خود را جزء سازمان دبیرستان بدانند و در جهت اعتلای آن تلاش کنند.

مرحله هفتم) کمک به دانش‌آموزان در رشد اجتماعی. جوانان به فعالیتهای اجتماعی تمایل دارند. آنان ترجیح می‌دهند که بیشتر با دوستان خود باشند؛ برای جوانان کناره‌گیری و انزوا مشکل‌آفرین است. اگر جوانان به حال خود رها شوند و والدین و مربیان توجهی به گرایش اجتماعی آنان نکنند خودشان دست به کار می‌شوند و ممکن است به دام دسته‌ها و گروههای نابهنجار بیفتند. مشاور در دبیرستان باید با ترتیب دادن مشاوره گروهی به رشد اجتماعی جوانان بپردازد. جوانان از مشاوره گروهی استفاده بیشتری می‌برند و در می‌یابند که الف) می‌توانند احساسات و عقاید خود را با دیگران در میان بگذارند، ب) می‌توانند به دیگران اعتماد کنند، ج) دست‌کم یک بزرگسال یعنی مشاور آنان را درک می‌کند، د) با اینکه اشتباهاتی از آنان سر می‌زند اعضای گروه آنان را می‌پذیرند و هـ) همسالان آنان نیز مشکلاتی دارند. مشاور همچنین می‌تواند به آموزش مهارتهای اجتماعی، آموزش جرأت و رشد مهارتهای ارتباطی بپردازد و به دانش‌آموزان گوشه گیر کمک کند تا به رشد متناسب اجتماعی برسند. تشکیل گروههای هنری، آموزشی، خدماتی، تعاونی و اردوها می‌تواند به دانش‌آموزان در انجام دادن فعالیتهای جمعی و رشد اجتماعی کمک کند.

مرحله هشتم) کمک به دانش‌آموزان در شناسایی و حل مشکلات عاطفی ـ رفتاری. دانش‌آموزان دبیرستانی گاهی دچار اضطراب از امتحان، بیان مطالب در کلاس، جمع و اضطراب در نتیجه کمال‌طلبی می‌شوند. مشاور می‌تواند با استفاده از روشهای حساسیت‌زدایی و تغییر طرز فکرها، اضطرابهای مشروط و خودانگیخته آنان را مرتفع سازد. ممکن است دانش‌آموزان دچار افسردگی شوند. افسردگیها در این دوره بیشتر در نتیجه هجوم افکار مهاجم، غیرمنطقی و تحریف شده است. مشاور با استفاده از روشهای شناختی ـ رفتاری به این دانش‌آموزان کمک می‌کند تا به خود مثبت خویش توجه کنند و به مقابله با این افکار بپردازند. گاهی دانش‌آموز دچار وسواس فکری یا عملی می‌شود. تردید در انجام دادن کار ممکن است دانش‌آموز را به افکار و رفتار وسواسی بکشاند. مشاور با استفاده از روشهای ترکیبی، شخص مدار و شناختی ـ رفتاری به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا در جهت توقف افکار و جهت دادن آن افکار به سمت افکاری منطقی و واقع بینانه حرکت کنند. رفتار پرخاشگرانه، کناره گیری، گرایش به مواد مخدر، بزهکاری نیز ممکن است در دانش‌آموزان دبیرستانی دیده شود. مشاور با ارزیابی این رفتارها به طرح درمان در این زمینه می‌پردازد و با اجرای آن طرح به دانش‌آموزان در پیشگیری و حل این مشکلات کمک می‌کند.

مرحله نهم) کمک به دانش‌آموزان در شناخت و هدایت جنسی. امروزه جوانان با شیوع وسایل برانگیزنده جنسی مواجهند. وسایل ارتباطی از قبیل تلفن، تلویزیون، ویدئو، سی‌دی‌ها و اینترنت نقش عمده‌ای در این زمینه دارند. جوان ممکن است دچار کامجوییهای بدلی از قبیل استمنا، همجنس بازی، نظربازی و خودفروشی شود. مشاور برای کمک به دانش‌آموزان ابتدا باید اطلاعات لازم را به صورت فردی به دانش‌آموزان بدهد، مخصوصاً آنهایی که در معرض خطرند. برای حل مشکلات جنسی قبل از هر چیز مشاور به ارزیابی و شناخت مشکل جنسی می‌پردازد و مشکلات بیماریهای بدنی، اشکال در ایجاد هویت شخصی، اشکال در روابط خانوادگی، اشکال در روابط اجتماعی، افسردگی، اضطراب، مشکلات تحصیلی، مشکلات مالی، ناآگاهی جنسی، بزهکاری، اعتیاد و بیماریهای روانی را بررسی

می‌کند. سپس با استفاده از روشهای رفتاری ـ شناختی به فرد کمک می کند تا ارزش فردی خود را بازیابد. مشاور از مشاوره گروهی برای کمک به پذیرش جمعی، از مشاوره خانوادگی برای تصحیح روابط خانوادگی و از مشاوره تحصیلی و شغلی برای حل مشکلات تحصیلی و کمک به انتخاب شغل مناسب و راهنمایی برای آمادگی و احراز شغل استفاده می‌کند. مشاوره توانبخشی نیز در موارد لزوم به کار می‌رود.

مرحله دهم) کمک به فرد برای دستیابی به فلسفه مناسب در زندگی. جوانان غالباً داشتن نوعی فلسفه زندگی را برای خود ضروری می‌دانند. آنان وقتی برای اولین بار به دنیای اطراف خود نگاه می‌کنند تلاش می‌کنند تا شخصیت خود را ارزیابی نمایند. آنان احساس می‌کنند که درباره جهان هستی، معنای وجود و وجود خودشان به پاسخ نیاز دارند. جوانان در سطح جهان با نظریه‌های ضد مذهبی مواجهند. نتیجه این نوع برخورد با مذهب باعث نوعی بی‌اعتقادی و احساس پوچی در جوانان شده است. وقتی جوان ایمان و اعتقاد به آینده را از دست بدهد و جهان‌بینی او محدود به زندگی فردی خویش و نفع مادی باشد از جامعه و مسئولیتها بریده می‌شود آنگاه لحظه‌ها را غنیمت می‌شمارد و فردگرایی، بوالهوسی، مصرف‌گرایی و تسلیم شدن به وضع موجود را می‌پذیرد. مشاور به جوانان کمک می‌کند تا معنایی برای زندگی خود بیابند و فلسفه‌ای واقع‌بینانه، ارزشمند، هدفدار و متعالی در پیش گیرند.

مرحله یازدهم) مشاوره خانوادگی و جلب همکاری آنان. مشاور از خانواده‌ها دعوت می‌کند تا به تبادل نظر در مورد چگونگی رفتار با فرزندان خود بپردازند. والدین باید بدانند که در این سن جوانان بیش از پیش به محبت، تفاهم و احترام نیاز دارند. درک جوانان به وسیله والدین کلید حل بسیاری از مشکلات در این دوره است. در مشاوره خانوادگی اعضای خانواده از آسیب‌شناسی خانواده، تأثیر متقابل اعضا بر یکدیگر آشنا می شوند و فضایی را ایجاد می‌کنند که در آن اعضا رشد کنند و در پیشگیری و حل مشکلات یکدیگر را یاری نمایند.

مرحله دوازدهم) ایجاد هماهنگی در دبیرستان و تلاش برای ایجاد جوّ سازمانی کارآمد. مشاور در دبیرستان نقش هماهنگ کننده را دارد. او تلاش می‌کند که به مدیر دبیرستان در اداره مدرسه کمک کند و از بروز مسائل انضباطی جلوگیری و در حل آنها اقدام نماید. او به دبیران کمک می‌کند تا روند آموزش آنان بخوبی پیش رود و مشکلات اجتماعی در کلاس حل شود، همچنین به دانش‌آموزان در داشتن انضباط و رعایت مقررات کمک می‌کند. مشاور با شرکت مؤثر در شوراهای مربوط تلاش می‌کند تا مشکلات را بررسی و راه‌حلهای مناسب را پیشنهاد نماید و با همکاری همهٔ دست‌اندرکاران دبیرستان به حل آنها کمک کند.

راهنمایی و مشاوره در دانشگاه

دانشگاه برای ورودیهای جدید با شور، هیجان و اضطراب همراه است. دانشجویان آرزوها و ایدئالهای خود را تحقق یافته می‌بینند و با دلگرمی، انگیزه قوی و تمایل شدید به دانشگاه می‌آیند. آنان معمولاً در ابتدا با مشکلاتی از قبیل جدایی از فامیل و محیط مأنوس خانوادگی، احساس تنهایی، سازگاری با محیط و افراد جدید، مشکلات مالی و تنظیم وقت و گذراندن اوقات فراغت روبه‌رو هستند (احمدی، ۱۳۷۸). آنان بتدریج با محیط دانشگاه آشنا می‌شوند، با دانشجویان دیگر سازگار می‌گردند، دوستانی می‌یابند، زندگی دانشجویی را شروع می‌کنند و به مطالعه و یادگیری می‌پردازند.

دانشجویان با انتخاب رشته تحصیلی دلخواه خویش سمت و سوی شغل آینده خود را مشخص می‌کنند. در این میان رشته‌هایی وجود دارد که وضعیت شغلی آینده آنها روشن نیست. این ابهام موجب می‌شود که دانشجو رشته تحصیلی خود را تغییر دهد و به رشته‌ای برود که فرصت شغلی بیشتر ومطمئن تری داشته باشد. برخی از دانشجویان پس از ورود به رشته مورد نظر خود متوجه می‌شوند که علاقه‌ای به این رشته ندارند، این دسته نیز به تغییر رشته می‌پردازند. گاهی مقررات مانع از تغییر رشته می‌شود و دانشجو مجبور می‌گردد در رشته‌ای که علاقه‌ای به آن ندارد به تحصیل ادامه دهد. تلاش دانشجویان در دانشگاه به کسب دانش و افزایش معلومات و تجربه‌های عملی محدود نمی شود. آنان در پی آنند که هویت شخصی و شناخت فردی، هویت اجتماعی و داشتن نقشی رضایت بخش در بین اجتماع، هویت حرفه‌ای و داشتن مهارتهای لازم برای احراز شغل، هویت جنسی و یافتن رفتاری مناسب با جنسیت خویش، معنا بخشی به زندگی، قدرت قضاوت اخلاقی و بینش سیاسی راکسب کنند.

هدف اولیه دانشگاه ایجاد محیطی است که در آن دانشجویان و اساتید بتوانند به کشف، بررسی انتقادی، حفظ، حراست و انتقال علم، تفکر و ارزشهایی بپردازند که به بقای انسان و بهبود کیفیت زندگی او کمک می‌کند. به نظر نلر (۱۹۷۱) دانشگاه سه هدف را دنبال می‌کند: ۱) تأمین حداکثر فرصت برای دانشجویان برای یادگیری میراث گذشتگان، به دست آوردن تجربه و استفاده از تواناییهای ذهنی و خلاقانه خویش و رشد خویشتن به عنوان شهروندی علاقه‌مند و مسئول؛ ۲) تأمین اطلاعات عینی و روشهای خلاق برای حل مشکلات جامعه و تصمیم گیری صحیح و ۳) توسعه مرزهای دانش از طریق تحقیق.

شریعتمداری (۱۳۷۴) هدفهای آموزش عالی را به این صورت دسته‌بندی کرده است: ۱) حفظ سنتهای علمی یا آکادمیک شامل الف) آزاد ساختن فکر از نفوذ عوامل محدودکننده مانند عادات و تعصبات، ب) ایجاد روح علمی از طریق احترام به حقایق و مدارک علمی، انصاف علمی، حفظ امانت، سعه صدر، علاقه به پیشرفت، علاقه به پژوهش، قابلیت انعطاف و رشد قوه قضاوت صحیح و ج) با ارزش تلقی کردن علم. ۲) تربیت متخصصان، ۳) تربیت عمومی، ۴) توسعه میراث فرهنگی، ۵) تأسیس مراکز تحقیق، ۶) حل مسائل جامعه و ۷) تربیت معلم.

رسالتهای دانشگاه به صورتی است که الف) دانشجویان را در رشد همه جانبه شخصیتی و کسب هویت شخصی، حرفه‌ای، اجتماعی و ارزشی کمک می‌کند. ب) نیازهای اجتماعی را برآورده می‌سازد و نیروهای متخصص مورد نیاز جامعه را تربیت می‌کند و راه‌حلی برای مشکلات جامعه می‌یابد، ج) به پژوهش و پیشرفت علم کمک می‌کند، د) شهروندانی مسئول، دارای تفکر انتقادی با بینش عمیق سیاسی و مذهبی و انعطاف‌پذیر تربیت می‌کند و هـ) مراکزی را برای ارزیابی و ارائه راه‌حل برای مشکلات رفتاری، شخصیتی، تحصیلی، خانوادگی و اجتماعی دانشجویان تأسیس می‌کند.

دانشگاه یک مجموعه عظیم فرهنگی است که اهدافی متعالی دارد، با تنوع استعدادها، علایق، نگرشها، بینشها و ارزشها روبه‌روست و رشته‌های مختلف تحصیلی در آن تدریس می‌شود و دارای مشاغل مختلف آموزشی، تحقیقاتی و اداری است.

مطمئناً در چنین مجموعه‌ای مشکلات رفتاری، ارتباطی و اجتماعی پدید می‌آید و استفاده از خدمات راهنمایی و مشاوره را ضروری می‌سازد. خوشبختانه در دانشگاههای کشور مراکز مشاوره تأسیس شده است. این مراکز از نظر اداری زیر نظر معاونت دانشجویی دانشگاه است. از نظر خدمات مشاوره‌ای چنانچه در دانشگاهی گروه راهنمایی و مشاوره و گروه روانشناسی وجود داشته باشد، مسئولیت علمی مرکز به این گروهها سپرده می‌شود و به وسیله شورایی متشکل از متخصصان مشاوره و روانشناسی به کار مشاوره‌ای ـ روانشناختی پرداخته می‌شود. در صورتی که گروه راهنمایی و مشاوره و روانشناسی در دانشگاه نباشد مرکز مسئولی خواهد داشت که مشاور یا روانشناس است و از طریق معاونت دانشجویی دانشگاه به این سمت گمارده می‌شود، در این صورت مدیر مرکز از متخصص مشاوره و روانشناسی برای خدمات مشاوره‌ای استفاده می‌کند.

مرکز مشاوره دانشگاه می‌تواند خدمات متنوع و گسترده‌ای را ارائه دهد. این خدمات شامل خدمات اطلاع‌رسانی، کمک به رشد، سازگاری، تصمیم‌گیری، کمک به حل مشکلات تحصیلی، خانوادگی و ارتباطی دانشجویان و کارکنان دانشگاه می‌شود.

خدمات مراکز مشاوره دانشگاه شامل این مراحل است:

مرحله اول) خدمات اطلاع‌رسانی. دانشجویان در ابتدای ورود به دانشگاه به‌اطلاعاتی در مورد محیط دانشگاه، مراکز خدماتی آن، دانشکده‌ها، گروهها، آیین‌نامه‌ها، مقررات انضباطی و محیط اجتماعی نیازمندند. همچنین لازم است در زمینه خدمات مشاوره‌ای مطالبی بدانند. مراکز مشاوره می‌توانند در زمینه خدمات مشاوره، نوع آن خدمات و دامنه آن به دانشجویان اطلاعاتی بدهند و آنان را با آیین‌نامه و مقررات آموزشی آشنا کنند. مشاوران به دانشجویان، عادی بودن برخی رفتارها را در ابتدای ورود به دانشگاه گوشزد می‌کنند. دانشجویان از دلواپسی اولیه، اضطراب در ابتدای کار، ابهام و تردید اولیه نباید بهراسند. آنان بتدریج با شروع درس و سازگاری با محیط، تبادل نظر با سایر دانشجویان و تفاهم و احترام متقابل بر این حالات اولیه عاطفی غلبه می‌کنند.

مرحله دوم) کمک به خودشناسی. دانشگاه اولین محیطی است که فرصت فکر کردن را به جوانان می‌دهد. دانشجویان پس از سالها تلاش و تحمل رنج فراوان به

دانشگاه آمده‌اند. حال کمی مکث می‌کنند و از خود می‌پرسند که من کیستم؟ خودشناسی موضوعی است که خیلی‌ها از آن فرار می‌کنند؛ زیرا نمی خواهند بپذیرند که نقاط ضعفی دارند. دانشجویان باید به خود جرأت دهند و در راه خودشناسی قدم بردارند. مشاوران و روانشناسان در مراکز مشاوره دانشگاهی آماده‌اند تا این خودشناسی را تسهیل کنند. جمله خودت را بشناس و عبارت زیبای «من عرف نفسه فقد عرف ربه» یعنی آنکه خود را بشناسد، مطمئناً خدای خود را می‌شناسد؛ بیانگر این است که قدم نخستین برای حرکت به سوی یک زندگی موفق خودشناسی است. مشاور به فرد کمک می‌کند تا نقاط قوت و ضعف خود را بشناسد، با دیدگاههای مختلف روانشناسان درباره شخصیت آدمی آشنا شود، اطلاعات و معلومات خود را درباره انسان و ابعاد وجودی و شخصیتی او افزایش دهد و راهکاری عملی و تحقیق شده برای رشد و تعالی خود برگزینند.

مرحله سوم) مشاوره فردی. دانشجویان جزو نخبگان جامعه هستند. آنان از هوش بالاتری برخوردارند، مسائل خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، ارزشی و سیاسی را بهتر می‌فهمند. بیشتر فهمیدن باعث می‌شود تا دانشجویان فشار بیشتری را احساس کنند. فشارهای مختلف بر ارگانیسم ممکن است سازگاری را به هم بزند و دانشجو را دچار اختلالهای عاطفی ـ رفتاری بکند. مشاوره فردی در خدمت به دانشجویانی است که تاب تحمل فشار روانی را نیاورده و دچار اختلال عاطفی ـ رفتاری شده‌اند. مشاوره فردی با استفاده از فنون و روشهای مشاوره به کمک فرد می‌شتابد و با استفاده از رویکرد مختلف مشاوره‌ای به حل مشکل او کمک می‌کند. به دانشجویان باید کمک شود تا از نسبت دادن اختلالات رفتاری به عوامل نادرست و از برچسب زدن نادرست به خویشتن دوری کنند و راههای علمی برخورد با این اختلالها را فراگرفته و به کار گیرند.

مرحله چهارم) راهنمایی و مشاوره تحصیلی. در دانشگاه ممکن است دانشجو مشروط شود یا در آستانه اخراج قرار گیرد. راهنمایی و مشاوره تحصیلی به این دانشجویان کمک می‌کند تا ۱) روش صحیح مطالعه را فرا گیرند، ۲) با تنظیم برنامه به مطالعه بپردازند، ۳) در انتخاب واحدهای درسی دقت کنند و به تعادل واحدها بپردازند، ۴) از حذف اضطراری برای مشروط نشدن استفاده کنند، ۵) از همشاگردیها یا منابع

دیگر برای یادگیری دروسی که فرا نگرفته اند کمک بگیرند، ۶) از طریق مشاوره فردی با آشفتگی فکری، عدم تمرکز، وسواس فکری و اضطراب برخورد نمایند و ۷) با صلاحدید مشاور تغییر رشته دهند. در مشاوره فردی به تفاوت استعدادها و علایق دانشجویان توجه می‌شود و مشاور با ارزیابی دقیق، حدود تواناییهایشان را در اختیار آنان می‌گذارد تا با توجه به تواناییها و استعداد خود تصمیم بگیرند و حرکت کنند.

مرحله پنجم) آموزش مهارتهای اجتماعی. برخی از دانشجویان در روابط اجتماعی مشکل دارند. کناره گیری و انزوا در دوره دانشجویی باید بررسی شود. دانشجویان گوشه گیر مهارتهای اجتماعی را یاد نگرفته‌اند، جرأت اقدام به کار ندارند یا اضطراب اجتماعی به آنان اجازه تبادل و تعامل اجتماعی را نمی‌دهد و یا دچار افسردگی شده‌اند. مشاوران به این دانشجویان کمک می‌کنند تا مهارتهای اجتماعی را فرا گیرند. مشاور با جرأت‌آموزی و کمک به آنان برای مقابله با اضطراب، تعامل اجتماعی آنان را تسهیل می‌کند. به کارگیری شیوه‌های رفتاری ـ شناختی برای مواجهه با افسردگی می‌تواند برداشت مثبت از خود و دیگران را به دانشجویان بدهد و تمایل به تبادل اجتماعی را در آنان افزایش دهد. از مشاوره گروهی نیز برای ایجاد و رشد روابط اجتماعی می‌توان استفاده کرد.

مرحله ششم) آموزش تصمیم گیری. دوران دانشجویی زمان تصمیم‌گیریهای مهم است. تصمیم درباره نحوهٔ مطالعه، میزان و صرف وقت برای آن، ادامه تحصیل، گزینش دوستان، ازدواج، محل زندگی، نوع و محل کار مواردی است که براحتی صورت نمی‌گیرد. به دانشجویان باید فرایند تصمیم گیری را آموزش داد. در این فرایند ابتدا فرد به شناخت واقعیت، تعریف عملی مشکل و مسألهٔ مورد نظر و ارائه راه‌حلها می‌پردازد. سپس به مرحله تصمیم‌گیری و انتخاب می‌رسد. بدون طی مراحل سه‌گانه فوق باید از هرگونه انتخاب و تصمیمی اجتناب شود. پس از ارائه راه‌حلها، راه‌حلی باید انتخاب شود که عملی، مفید و مؤثر باشد. مشاور در فرایند تصمیم‌گیری و پیگیری آن با دانشجو همراهی می‌کند و در انتخاب راه‌حلی منطقی، عملی، مفید و ثمربخش به او کمک می‌کند.

مرحله هفتم) آموزش مهارتهای زندگی. زندگی یک مجموعه به هم پیوسته است. گاهی فرد نمی‌داند که سلطه جوست و تنها خود را می‌بیند. برخی از افراد خود را کمتر از آنچه هستند می‌دانند. مشاور با انجام دادن مشاوره فردی، مهارتهای اولیه ارتباطی یعنی ایجاد تفاهم و رابطه باز، گوش دادن، احساس همدلی و همیاری و تعبیر و تفسیر درست را به دانشجویان یاد می‌دهد. مشاور با استفاده از رویکرد شخص‌مدار آنان را متوجه تجربیات خویش و اثر آنها بر رفتارشان می‌کند. دانشجو وقتی نقش خودش را در رفتارش دریافت از نسبت دادن رفتار نادرست به این و آن سرباز می‌زند و مسئولیت رفتار اشتباهش را می‌پذیرد. مهارتهای زندگی را می‌توان با مشاوره گروهی تجربه کرد و نحوه تبادل و گفتگو با سایرین را تمرین کرد.

مرحله هشتم) ارزیابی ارزشها. نظام ارزشها در دوره دانشجویی متحول می‌شود. برای دانشجویان ارزشهایی قابل قبول است که به صورت رفتار تجلی کند. ارزشها غیر از بار انگیزشی، رفتارهای مطلوبی هستند که فرد می‌خواهد آنها را داشته باشد. دانشجویان تناقض و تعارض در ارزشها را حتی از والدین خود تحمل نمی‌کنند. متأسفانه بین قول و عمل بسیاری از والدین و مربیان تناقض دیده می‌شود و این برای جوانان پذیرفتنی نیست. ایجاد جامعه‌ای بر مبنای دوستی و تفاهم نیازمند گفتگو و تبادل نظر در زمینه ارزشها و توافق در این باره است. برای دانشجویان ارزش اقتصادی مهم است چون موفقیت در زندگی خود را در گرو رسیدن به آن می‌بینند.ارزشهای علمی و معنوی در صورتی برای دانشجویان مطلوب خواهد بود که در عمل به کار گرفته شود و به صورت رفتار علمی و ارزش اخلاقی در جامعه بروز کند.

مرحله نهم) پذیرش مسئولیتها. عزت نفس و احساس ارزش هسته اصلی اعتماد به نفس در دانشجویان است. احساس ارزش بدون سپردن مسئولیت به فرد به دست نمی‌آید. بسیاری از کارها را در دانشگاه می‌توان به دانشجویان واگذار کرد. فعال کردن دانشجویان، آموزش را برای آنان پذیراتر می‌سازد، به تحقیق کمک می‌کند و آنان مهارتهای عملی را بهتر فرا می‌گیرند و برای احراز مشاغل آینده آماده‌تر می‌شوند.

مرحله دهم) گسترش تفکر منطقی. ساده‌اندیشی و سطحی فکر کردن از آفات تفکر است. مشاور با استفاده از روشهای شناختی به بیان رابطه اندیشه و رفتار می‌پردازد و نقش افکار غیرمنطقی را در پیدایش اختلالهای عاطفی برای دانشجویان توضیح می‌دهد. آموزش و تمرین برای کسب تفکر منطقی و واقع‌بینانه باعث تعبیر و تفسیر درست دانشجویان از وقایع می‌شود و در حالات عاطفی و رفتاری آنان تغییرات مطلوبی ایجاد می‌کند.

مرحله یازدهم) تدارک برای تشکیل خانواده. دوران دانشجویی بهترین موقعیت برای شناخت و انتخاب همسر است. دانشجویان می‌توانند برای ارزیابی ویژگیهای شخصیتی و اطمینان از سلامت روانی همسر آینده خود به مراکز مشاوره مراجعه کنند. همچنین آنان می‌توانند مشاوره قبل از ازدواج داشته باشند. معمولاً در ازدواجها به تناسب سن، تحصیلات، فرهنگ خانواده و وضعیت ظاهری توجه می‌شود و تناسب ویژگیهای شخصیتی مورد غفلت قرار می‌گیرد. مشاورهٔ قبل از ازدواج می‌تواند تناسب شخصیتی را مشخص کند. در مشاوره‌های قبل از ازدواج به همسران آینده آگاهی و اطلاع از روابط متقابل، ویژگیهای یک خانواده موفق و زمینهٔ زندگی مشترک آموزش داده می‌شود.

مرحله دوازدهم) ایجاد روحیه همکاری و احترام به عقاید و نظریات دیگران. جامعه امروز دارای تنوع نظریات و عقاید است. اگر دانشجو هنر گوش دادن و قدرت تحمل عقاید دیگران و سعه صدر برای برخورد با آنها و انعطاف‌پذیری در برابر آنها را نداشته باشد دچار حالات پرخاشگری، تهاجم، بی‌منطقی و خشکی رفتار می شود. اینگونه رفتارها ارزش او را در بین دوستان و جامعه کم می‌کند. مشاور با تشکیل مشاوره‌های گروهی توان گوش دادن، قدرت تحمل و انعطاف دانشجویان را برای زندگی در جامعهٔ مدنی افزایش می‌دهد.

راهنمایی و مشاوره در سایر مؤسسات

خدمات راهنمایی و مشاوره در مؤسسات غیرآموزشی نیز ارائه می‌شود. مشاور در این مؤسسات به افراد در سازگاری، رشد، تصمیم‌گیری، حل مشکلات فردی، خانوادگی، تحصیلی و توانبخشی کمک می‌کند. مؤسساتی که مشاوران در آنها به خدمات مشاوره‌ای خواهند پرداخت به این شرح است:

اول) مراکز خدمات درمانی و بهداشت روانی. در مراکز خدمات درمانی و بهداشت روانی یک تیم از متخصصان روانپزشکی، روانشناسی بالینی، مشاوره و مددکار اجتماعی کار می‌کنند. خدمات مشاوره‌ای در این مراکز شامل این خدمات است (گیبسون و میشل، ۱۳۷۷):

الف) مشاوره در زمینه رشد. مشاور به مراجعان کمک می‌کند تا از فرایند رشد و تغییرات حاصل از آن آگاه شوند و اشکالهای حاصل از رشد را شناسایی و به مراجعان برای حل آن مشکلات کمک می‌کند.

ب) *مشاوره برای پیشگیری از اختلالهای رفتاری.* در این زمینه مشاور به فرد در خودشناسی و شناخت تواناییها و استعدادهای خود و در یادگیری مهارتهای زندگی و تصمیم‌گیری مناسب کمک می‌کند و از وقوع اختلالات رفتاری پیشگیری می‌نماید.

ج) *مشاوره تسهیل‌گرانه.* مشاوره در رابطه با مشکلات تحصیلی، شغلی و زناشویی به مراجعان کمک می‌کند تا راه‌حلی برای مشکل خود بیابند و به جای برخورد عاطفی و نادرست از روشهای علمی بهره گیرند.

د) *مشاوره به هنگام بحران.* مشاور در موارد بحران مانند طرد از ناحیه معشوق، اضطراب حاصل از مصرف مواد مخدر و خودکشی به مداخله مستقیم می پردازد و با جلب اعتماد مراجعان در جهت ارزش شخصی و تغییر نگرشها به آنان کمک می‌کند و در صورت لزوم آنان را به مراکز تخصصی برای درمان ارجاع می‌دهد.

دوم) مؤسسات کاریابی و استخدام. مشاوران در مراکز کاریابی و استخدام وزارت کار و مؤسسات دیگر می‌توانند به راهنمایی و مشاوره شغلی بپردازند. مشاور در این مؤسسات به این خدمات می‌پردازد: ۱) مصاحبه با مراجعان، ۲) ارزیابی علایق و استعداد آنان، ۳) مهارت سنجی مراجعان، ۴) شناخت مشاغل موجود جامعه، ۵) کاریابی و تلاش در هماهنگی ویژگیهای مُراجع با کار مورد نظر، ۶) کارگماری (گاهی لازم است فرد برای کار مورد نظر آمادگی یابد. در این مورد مشاور می‌تواند فرد را به مراکز آموزش مهارتها برای آمادگی در شغل مورد نظر معرفی کند) و ۷) پیگیری؛ پیگیری تا وقتی لازم است که معلوم شود فرد در کار مورد نظر موفق شده است و رضایت شغلی دارد. این پیگیری نوعی باز خورد برای خود مشاور نیز خواهد بود و مشخص خواهد ساخت که مشاوره شغلی تا چه اندازه موفق بوده است.

سوم) مؤسسات حمایتی. مؤسسات حمایتی زیر نظر سازمانها و ادارات مختلفی قرار دارند. از جمله می‌توان به خانواده‌های تحت حمایت بهزیستی، حمایت از کودکان بی‌سرپرست در بهزیستی و کمیته امداد امام، خانواده‌های کودکان ناتوان جسمی و ذهنی در بهزیستی و آموزش استثنایی اشاره کرد. در تمام این مؤسسات حمایتی استفاده از خدمات مشاوره‌ای ضرورت دارد. مشاور متخصص مخصوصاً اگر درجه کارشناسی ارشد داشته باشد می‌تواند به این خانواده‌ها و کودکان آنان آموزشهای لازم روانشناختی و رفتاری را بدهد و از مشکلات احتمالی پیشگیری کند و با طرح برنامه‌های درمانی به حل مشکلات رفتاری آنان بپردازد.

چهارم) مؤسسات مرتبط با خانواده‌ها. این مؤسسات بسیار گسترده‌اند و شامل مراکز تنظیم خانواده، بنیادهای تدارک ازدواج، دادگاههای خانواده و خانواده‌های

تک والدی می‌شود. وجود مشاور متخصص در این مراکز می‌تواند به مراجعان کمک کند تا در پیشگیری از بارداری، انتخاب همسر، تدارک طلاق و در انجام دادن وظایف تک فرزندی بخوبی عمل کنند و از آسیبهای احتمالی خانوادگی پیشگیری نمایند و همسران با حداقل ضایعات روانی و رفتاری از یکدیگر جدا شوند.

پنجم) مؤسسات تأمینی و تربیتی. مشاوران می‌توانند در مؤسسات تأمینی و تربیتی از قبیل کانونهای فرهنگی، کانونهای پرورشی، ستادهای امر به معروف و نهی از منکر، مراکز تأدیب و زندانها مشغول به کار شوند. مشاوران در شناخت ویژگیها، ارزیابی و شناخت اختلالها، ارزیابی شخصیت، طرح درمان و اجرای آن به مراجعان در این مؤسسات کمک می‌کنند. در سالهای گذشته تجربه نشان داده است که بدون استفاده از روشهای عالمانه و کارآمد نتیجه مطلوبی حاصل نمی‌شود و اقدامات تأمینی و تربیتی به بار نمی‌نشیند.

ششم) مؤسسات توانبخشی. در مراکز توانبخشی می‌توان خدمات مشاوره فردی، خانوادگی و توانبخشی را ارائه داد. مراکز توانبخشی شامل مراکز توانبخشی معتادان، مراکز توانبخشی افراد ناتوان جسمی و ذهنی و مراکز درمان بیماریهای خاص مانند سرطان می‌شود. مشاور در این مراکز می‌تواند به مراجعان در روبه‌رو شدن با اختلالهای عاطفی و رفتاری و مشکلات خانوادگی ناشی از ناتوانی کمک کند. همچنین با برنامه‌ریزی رفتاری ـ شناختی به توانبخشی رفتاری و تغییر نگرش افراد ناتوان بپردازد.

هفتم) کارخانه‌ها و مؤسسات صنعتی. استفاده از خدمات مشاوره‌ای در کارخانه‌ها و مؤسسات صنعتی می‌تواند از اتلاف نیروی انسانی بکاهد، به حل مشکلات رفتاری ـ عاطفی کارکنان کمک کند و به حل مشکلات خانوادگی آنان بپردازد. مشاوره در مراکز صنعتی شامل شهرهای صنعتی ـ معدنی نیز می‌شود. این شهرها بافت خاصی دارند و ضرورت تأسیس یک مرکز کارآمد مشاوره‌ای در آنها کاملاً مشهود است. این مرکز انواع خدمات مشاوره‌ای فردی، گروهی، خانوادگی، تحصیلی، شغلی و توانبخشی خانواده‌ها و فرزندان آنان را تأمین خواهد کرد. در این مراکز یک تیم کامل بهداشت روانی شامل روانپزشک، روانشناسی بالینی، روانسنج، مشاور و مددکار اجتماعی کار خواهند کرد.

هشتم) مؤسسات سالمندان. سالمندان افرادی فراموش شده‌اند. تنها حمایتی که از آنان می‌شود تأمین حداقل معیشت است. این افراد به خدمات مشاوره‌ای نیازمندند. خدمات مشاوره‌ای می‌تواند در مراکز نگهداری سالمندان، در کانون بازنشستگان و در انجمنهای خیریه حمایت از سالمندان انجام گیرد. سالمندان بیشتر به مشاوره فردی نیازمندند. آنان احساس تنهایی می‌کنند و گاهی در این جهان پهناور حتی یک نفر را ندارند که به حرف آنان گوش دهد. مشاور با حمایت عاطفی به آنان کمک خواهد کرد تا احساس بهتری از خود و جهان اطراف و رضایت نسبی از زندگی داشته باشند.

نهم) بنیاد شهید و آزادگان. قدر نهادن به مقام شامخ شهدا و آزادگان وظیفه یکایک افراد جامعهٔ ماست. مشاوران برخود واجب می‌دانند که به این عزیزان خدمت کنند. در بنیاد شهید و امور آزادگان مشاور می‌تواند با مصاحبه و ارزیابیهای روانشناختی، مشکلات فردی، خانوادگی، تحصیلی، شغلی و توانبخشی خانواده‌ها و فرزندان شهدا و آزادگان را مشخص کند و با ارائه راه‌حلها به حل مشکلات آنان بپردازد.

دهم) مؤسسات خصوصی مشاوره. مراکز خصوصی مشاوره براساس مجوزهای رسمی دایر می‌شود و به مشاوره در زمینه‌های مختلف فردی، خانوادگی، تحصیلی و شغلی می‌پردازد. از جمله مراکز خصوصی که اخیراً در سراسر ایران تأسیس شده است مراکز خدمات مشاوره‌ای زیر نظر شورای هماهنگی مراکز خدمات مشاوره‌ای وابسته به مرکز ملی جوانان است. این مراکز به خدمات روانپزشکی، مشاوره‌ای، روانسنجی، روانشناسی بالینی، مشاوره روانی و مددکاری در سطح جامعه می‌پردازند.

خدمات مشاوره‌ای به مؤسسات فوق محدود نمی‌شود و می‌تواند در سایر مؤسسات به کار رود و به رشد و تعالی انسانها بپردازد، از اختلالهای رفتاری پیشگیری نماید، در حل مشکلات رفتاری کمک کند و زمینه را برای سلامت روانی جامعه مهیا سازد.

منابع و مآخذ

آیین نامه آموزشی دوره سه ساله متوسطه (۱۳۷۸)؛ معاونت آموزشی، وزارت آموزش و پرورش.

ابو عبدالله، م. (۱۳۷۵)؛ *ارشاد مفید*؛ تهران: بوذرجمهری.

احمدی، س.ا. (۱۳۵۵)؛ «بررسی برنامه راهنمایی»، نشریه *دانشگاه اصفهان*.

______ (۱۳۶۶)؛ «خانواده و دانش آموز ابتدایی»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*؛ سال سوم، ش ۲.

______ (۱۳۷۹)؛ *مقدمه‌ای بر مشاوره و روان درمانی*؛ ویرایش سوم، چاپ اول، انتشارات دانشگاه اصفهان.

______ (۱۳۷۸)؛ *روانشناسی نوجوانان و جوانان*؛ چاپ هشتم. تهران: نخستین و مشعل.

______ و ح. بوربور (۱۳۷۷)؛ «بررسی تأثیر آموزش والدین بر تغییر رفتار آنان نسبت به فرزندان»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*؛ سال چهاردهم، ش ۵۳ و ۵۴.

اداره خدمات راهنمایی اصفهان (۱۳۵۶)؛ *گزارشهای تحقیقات*؛ مرکز راهنمایی اصفهان.

باباگلی و س.ا. احمدی (۱۳۷۴)؛ بررسی *نقش مشاوران در دبیرستانهای نظام جدید آموزش متوسطه*؛ پایان‌نامه کارشناسی مشاوره (چاپ نشده)، دانشکده علوم تربیتی و دانشگاه اصفهان.

بلاغی، ص. (۱۳۷۲)؛ ترجمه صحیفه سجادیه؛ تهران: انتشارات علمی.

ثنایی، ب. (۱۳۷۴)؛ *روان درمانی و مشاوره گروهی*؛ تهران: چهر.

حسینی، س. م. (۱۳۷۰)؛ *راهنمایی تحصیلی و سیستمهای مختلف آن*؛ تهران: رشد.

دبس، م. (۱۳۶۸)؛ *مراحل تربیت*؛ ترجمه ع.م. کاردان، چاپ هفتم، انتشارات دانشگاه تهران.

شرتزر، ب. (۱۳۶۶)؛ *بررسی و برنامه‌ریزی زندگی تحصیلی ـ شغلی*؛ ترجمه ط. زندی‌پور، تهران: فردوسی.

شریعتمداری، ع. (۱۳۷۴)؛ *رسالت تربیتی و علمی مراکز آموزشی*؛ تهران: سمت.

شفیع‌آبادی، ع. (۱۳۷۸)؛ *فنون و روشهای مشاوره*؛ چاپ دهم. تهران: نشر ترمه.

______ (۱۳۷۹)؛ *راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای*؛ چاپ دوازدهم، تهران: رشد.

______ (۱۳۷۶)؛ *راهنمایی و مشاوره کودک*؛ تهران: سمت.

______ (۱۳۷۸)؛ *راهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی*؛ تهران: سمت.

صافی، ا. (۱۳۶۸)؛ *اصول و فنون راهنمایی و مشاوره*؛ تهران: دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی.

صدیق، ع. (۱۳۴۵)؛ *تاریخ فرهنگ ایران*؛ چاپ ششم، انتشارات دانشگاه تهران.

عبدالله، ن. (۱۳۷۲)؛ *غرر و درر درآمدی*؛ چاپ دانشگاه تهران.

فیض الاسلام، ع.ن. (۱۳۳۱)؛ ترجمه و شرح *نهج البلاغه*؛ تهران: آذر آبادگان.

کاشانی، م. (۱۳۷۲)؛ *محجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء*؛ قم: انتشارات اسلامی.
کلیات نظام جدید آموزش متوسطه (۱۳۷۲)؛ معاونت آموزشی، وزارت آموزش و پرورش.
کلینی، محمد بن یعقوب؛ *اصول کافی*؛ ج ۱، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۲ هـ ق.
گال، ر. (۱۳۴۵)؛ *اصول راهنمایی در آموزش وپرورش*؛ ترجمه ع.م. کاردان، انتشارات دانشگاه تهران.
گیبسون، ر. و م. میشل (۱۳۷۷)؛ *مبانی مشاوره و راهنمایی*؛ ترجمه ثنایی و همکاران، چاپ سوم، تهران: بعثت.
موسوی و همکاران (۱۳۵۷)؛ *ارزیابی برنامه راهنمایی*؛ گزارش تحقیق مرکز راهنمایی اصفهان.
مک‌دانیل، هـ. (۱۳۵۶)؛ *راهنمایی در مدارس امروز*؛ ترجمه ش. نوابی‌نژاد، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تربیت معلم.
هیلی، ج. (۱۳۷۷)؛ *روان درمانی خانواده*؛ ترجمه ب.ثنایی، چاپ پنجم، تهران: امیر کبیر.

Abery, R. (1977); "Historical Development of Guidance and Counseling", *The Personal & Guidance Journal*.

Ahmadi, S. A. (1980); *A Study of Relationship Between Iranian Counselors, Values and Their Counseling Function*; Ph.D. Dissertation, Syracuse Uni.Unpub.

Arbukle (1965); *Counseling: Philosophy, Theory, and Practice*; Boston: Allyn & Bacon Co.

Austin, L. (1999); *The Counseling Primer*; Philadelphia: Taylor & Francis Co.

Avey, A. & D. Smith (1980); *Counseling and Psychotherapy*; Englewood Cliffs: Prentice-Hall.

Blackham, G. (1977); *Counseling: Theory, Process, and Practice*; Belmant, CA: Wadsworth Co.

Blocker, D. (1974); *Developmental Counseling*; New York: The Ronald Press.

________ (2000); *Counseling: A Developmental Approach*; 3th ed., New York: John Wiley & Sons Inc.

Brammer, L. et al. (1989); *Therapeutic Psychology*; Fifth ed., New Jersey: Prentice-Hall Inc.

Brown, D. & L. Brooks (1991); *Career Counseling Techniques*; Boston: Allyn & Bacon Co.

Buscaglia, L. (1975); *The Disabled and Their Parents*; New Jersey: Charles Slack Inc.

Cappuzzi, D. & D. Gross (1991); *Introduction to Counseling*; Boston: Allyn & Bacon Co.

Cohen, A. & R. Smith (1976); *The Critical Incident in Growth Groups: Theory and Techniques*; La Jolla, CA: University Associates.

Corey, L. (1996); *Theory and Practice of Counseling and Psychotherapy*; Pacific Grove: Brooks & Cole Co.

Frank, J. (1985); *Therapeutic Components Shared by All Psychotherapies in Cognition*

and Psychotherapy; New York: Plenum.

George, R. & Th. Cristiani (1990); *Counseling, Theory and Practice*; New Jersey: Prentice-Hall Inc.

Gibson, R. & M. Mitchell (1990); *Introduction to Counseling and Guidance*; New York: MacMillan Pub.

———— ; *Introduction to Counseling and Guidance*; New Jersey: Prentice-Hall Inc.

Haley, J. (1976); *Problem Solving Therapy*; San Francisco: Jossy-Bass Co.

Havighurst, R. (1972); *Developmental Tasks and Education*; 3rd ed., New York: McKay Co.

Katz, M. (1966); "A Model of Guidance for Career Decision Making", *Vocational Guidance Quaterly*; Vol. 15.

Kneller, G. (1971); *Foundations of Education*; New York: John Wiley & Sons Inc.

Minuchin, S. (1974); *Families and Family Therapy*; Cambridge, MA: Harvard University Press.

Palmer, S. (1997); *Handbook of Counseling*; London: Routledge Co.

Patterson, C. (1967); *The Counselor in the School*; New York: McGraw-Hill Co.

Pattison, E. (1981); "Clinical Applications of Social Network Therapy", *International Journal of Family Therapy*; Vol. 3.

Petterson, V. & B. Nisen Holz (1995); *Orientation to Counseling*; Boston: Allyn & Bacon Co.

Rogers, C. (1951); *Client-Centered Therapy*; Boston: Houghton Miffilin Co.

———— (1961); *On Becoming a Person*; Boston: Houghton Miffilin Co.

Salomone, D. (1988); "Career Counseling: Steps and Stayes Beyond Persons", *The Career Developmental Quaterly*; Vol. 36.

Satir, V. (1967); *Conjoint Family Therapy*; Palo Alto: Science & Behavioral Books.

———— (1972); *People Making*; Tlo-Elto, Science and Behavioral Books.

Savichas, M. & W. Walsh (1996); *Handbook of Career Counseling: Theory and Practice*; CA: Davis-Black Pub.

Shertzer, B. & Sh. Stone (1974); *Fundamentals of Counseling*; 2nd ed., Boston: Houghton & Miffilin Co.

———— (1976); *Fundamentals of Guidance*; 3rd ed., Boston: Houghton & Miffilin Co.

———— (1980); *Fundamental of Counseling*; 3rd ed., Boston: Houghton & Miffilin Co.

Traxler, A. (1957); *Techniques of Guidance*; New York: Harper & Brothers Co.

Tyler, L. (1959); "What Do You Mean Routine?", *Journal of Counseling Psychology*; Vol. 174.

Woolfe, R. (1997); *Handbook of Counseling*; 2nd ed., New York: Routledge Co.

Yaloom, L. (1985); *The Theory and Practice of Group Psychotherapy*; 2nd ed., New York: Basic Books.